

پیش نویس کتاب



بررسی

اساس مسیحیت



بررسی اساس مسیحیت

Jean Gibson

یادداشت :

خواهشی از استفاده کننده این پیش نویس ،
لطفا اشکالات موجود از قبیل تایپی ، نگارشی وغیره...
را کتبا به اطلاع تکثیرکننده آن برسانید.
از همکاری شما سپاسگزاریم


KAPSAM
YAYINCILIK

P.K. 52 Beşiktaş- İSTANBUL

OFSET HAZIRLIK VE BASKI
BAŞAK OFSET

الف

بررسی اساس مسیحیت

چطور از درسهای

کتاب بیشتر بهره برداری کنیم ؟

با پیشنهادهای مشروحه زیر بهتر بیاموزیم .

۱- نزد خدا دعا کنیم . از خدا کمک بخواهیم تا کلامش را بهتر درک کنیم.

اکشف کلام تو نور میبخشد و ساده دلانرا فهم میگرداند.

بدون کمک خدا درک کلامش محال است .

« دوم قرتیان باب ۲ : آیه ۱۴ »

۲ - آمادگی پیش از درس

الف. یادداشتهای را بخوانید .

درسها را چندین بار بخوانید .

«زیر مطالب مهم ، هر مطلبی که درک نمی کنید و یا سؤال دارید خط

بکشید .

درحاشیه هر درس سؤالها را یادداشت نمایید .

فهرست مطالب

- بخش ۱ - کلام او راستی است . ۱-۱۲
کتاب مقدس به عنوان پیام واحد خدا به انسان
- بخش ۲ - مرد خدا ۱۳-۲۴
شواهد وجود و شخصیت خدا
- بخش ۳ - همانندی خدا ۲۵-۳۶
خدا را به چه چیز تشبیه کنیم ، صفات خدا
- بخش ۴ - درک انسان ۳۷-۴۸
<پیدایش انسان> دلیل و مسئولیت او
- بخش ۵ - مشکل گناه ۴۹-۶۰
تعریف ، پیدایش و نتایج گناه
- بخش ۶ - ماوراء (تجسم) ابدیت ۶۱-۷۶
هدف انسان ، زندگی پس از مرگ
- بخش ۷ - عیسا ، مسیح موعود ؛ دور اندیشی خدا ۷۷-۸۷
پیشگونی بازگشت او، الوهیت و انسانیت
- بخش ۸ - مفهوم صلیب ۸۸-۹۸
مسیح توسط مرگ و قیامت چه کاری انجام داد؟
- بخش ۹ - تولد تازه ۹۹-۱۰۷
ضرورت ، مفاهیم و نتایج داشتن « تولد دوباره »
- بخش ۱۰ - نجات توسط فیض ۱۰۸-۱۱۵
چطور بدون اعمال شریعت به بهشت برویم ؟
- بخش ۱۱ - ایمان به عیسا مسیح ۱۱۶-۱۲۷
> مفهوم ایمان حقیقی <. ایمانی که زندگی را عوض می کند .
- بخش ۱۲ - اطمینان نجات ۱۲۸-۱۲۹
چگونه به زندگی ابدی اطمینان داشته باشیم
- بخش ۱۳ - زندگی کردن در حیات تازه ۱۴۰-۱۵۵
اساس زندگی مسیحی

پ

ب. آیات مهم را پیدا کنید.

اگر وقت اضافه دارید، تمام آیات را، از جدیدترین ترجمه موجود

کتاب مقدس پیدا کنید.

پیدا کنید. برای پیدا کردن آیات لازم است بدانیم اسم کتاب مربوطه در

کتاب مقدس از سمت راست، شماره باب و بعد شماره آیه به ترتیب

آمده است.

مثلاً کتاب مزامیر داوود باب ۱۱۹ آیه ۱۲ « مزمور ۱۱۹ : ۱۲۰

پ. به سؤالیهای درسهای جواب دهید.

اگر جواب سئوالی را نمی دانید به سؤالی بعدی بپردازید.

۲ - مرتب در گروههایی ها حضور یابید. هرگروههایی شامل خواندن ،

بررسی مطالب موجود و پاسخ به سئوالهای مربوطه میباشد.

هر سئوال و جواب شما میتواند کمکی برای تشویق دیگران به شرکت فعال

درکلاس باشد.

۴ - حفظ و نگهداری مطالب درسی و یادداشتهای شما در درسهای بعدی کمک

خواهد کرد و می تواند کمکی به دیگران هم باشد.

درس اول

کلام او راستی است .

عیسای خداوند در حضور فرماندار روم فرمود :

« هرکس راستی را دوست دارد سخنان مرا میشنود »

پیلطس از او پرسید : راستی چیست ؟

« انجیل یوحنا ۱۸: ۲۷-۲۸ »

مطالعه هر مطلب معتبری بی اعتبار می گردد ، اگر نکات مشروحه زیر پیش فرض آدمی قرار

گیرد .

<- " راستی " دیگر چیست؟ -> بدون اطمینان ، شناخت " راستی " میسر نیست .

<- " راستی " همیشه تغییر پذیر است .

در تعریف راستی آمده است :

. تطابق واقعیت با حقیقت ، بر طبق آنچه هست ، بوده ، یا باید باشد .

. راستی متضاد بدل ، نادرست ، اشتباه و دروغ است .

. راستی محدود و تغییر ناپذیر است .

این کم توجهی تاریخ و فرهنگ نسبت به راستی است ، و باور ندارد که :

. راستی خالص و بی نیاز از هر چیز دیگر است .

. ایمان به روشهای دیگر چه از نظر یادگیری و چه از نظر اخلاقی مخرب هستند .

در جستجوی حقیقت

سراینده مزامیر فریاد می‌زند :

مرا در راستی خود رهبری نما و به من بیاموز .

" مزمو ۵:۲۵ "

او ایمان داشت که این راستی ابدی است . " ۲:۱۱۷ " .
 زیرا آنقدر گرانهاست که به ما نصیحت شده است،

راستی را بخر و آنرا بفروش . " امثال سلیمان ۲۳:۲۲ " .

و پیامبر در این باره گفت : (خدای [راستی] حق) " اشعیا ۱۶:۶۵ "

خداوند عیسا فرمود : (من ... راستی ... هستم) " انجیل یوحنا ۶:۱۴ "

و کلام تو راستی است . " انجیل یوحنا ۱۷:۱۷ "

میتوان فرض را بر آن داشت که همه مردم مایلند که به معرفت راستی گرایند .

" اول تیموتائوس ۴:۲ "

هنوز هم به ما گفته شده است که عموماً نوع بشر

حق خدا را به دروغ مبدل کردند و عبادت و خدمت نمودند،

مخلوق را به عوض خالق که تا ابدالابد متبارک است آمین .

" رومیان ۲۵:۱ "

حقیقت را دارند و راستی را دوست ندارند . " دوم تسالونیکیان ۱۰:۲ "

آنها بیشتر در جستجوی راه خودشان هستند و آن راه ، راه ناراستی است .

اما عیسا به جویندگان حقیقی وعده می‌دهد :

و حق را خواهید شناخت ، و حق شما را آزاد خواهد کرد .

" انجیل یوحنا ۲۲:۸ "

بنابراین لازم است انسان حقیقت را درباره خدا، زندگی و ابدیت بداند .

سرچشمه راستی

از کجا می‌بایست حقیقت را جستجو کرد؟

عده‌ای آنها در درونشان جستجو می‌کنند. آنها به دلایل خودشان اعتقاد دارند، احساسات و امیالشان برای هدایتشان کافیست.

بعضی آنها در میان خودشان جستجو می‌کنند، تلاش آنها در پیروی از نصایح، تجربیات و تعالیم دیگران می‌باشد. و گروهی دیگر آنها در ماوراء خود جستجو می‌کنند. آنها معتقدند که راستی والاتراز قدرت درک محدود انسانی می‌باشد، و لازمه آن کمک خدا یا قدرت مافوق‌الطبیعه است. زیرا ما نمی‌توانیم بدون مکاشفه، اعمال خدا را در ارتباط با چیزهای معین بشناسیم.

عمل راهنمایی انسان، به عنوان ارتباط راستینی که مطابق میل اوست توسط الهام به رشته تحریر در آمده است. خدا دقیقاً درآیه‌های (۶۶ کتب مقدسه)، توسط انبیاء، رسولان و خود عیسای مسیح این ادعا را به ما ارائه داده است.

و به این معنی است که این نوشته‌ها مقدس هستند. ما این مجموعه نوشته‌ها را کتاب مقدس می‌نامیم، بدین معنی که " کتاب مقدس " جای والا و بالاتر از همه کتابهای دیگر را به خود تخصیص داده است.

این نوشته‌ها بعدها " کلام خدا " نامیده شد.

" مرقس ۱۲:۷، رومیان ۱۷:۱۰، دوم قرنتیان ۱۷:۲، اول تسالونیکیان ۱۲:۲، عبرانیان ۱۲:۴ ".
چنین عباراتی مثل < خدا گفت >، < خداوند فرمود >، < و کلام خداوند نازل شد >

حدود ۲۰۰۰ بار تنها در عهد عتیق نوشته شده است. خدا در اکثر موارد بخصوص، مستقیماً صحبت میکند.

خروج ۱۲:۲۴، تثنیه ۱۰:۱-۲

نویسندگان کتاب مقدس می‌گویند که خدا کلامش را توسط ایشان به آنان داده است. این مطالب را با خادمین خدا بررسی کنید .

موسا : < و خدا گفت، خداوند فرمود > پیدایش ۱۴:۲-۱۵؛ تثبیه ۱:۲۴-۲۵

یوشع : < خداوند گفت >

ارمیا : < خداوند گفت ؛ خداوند چنین گفت >

حزقیال : < او مرا گفت >

ملاکی : < خدا می‌گوید > می‌فرماید < ۲۵ بار

عیسا : < تا همه واقع شود . > " متی ۱۸:۵ " منظور شریعت عهد عتیق است .

فرمان خدا : " مرقس ۸:۷ " منظور شریعت عهد عتیق است .

نوشته شده است [" یوحنا ۴:۶۵ " از پیامبر عهد عتیق می‌گوید] .

موسا و انبیا را دارند . " لوقا ۱۶:۲۹-۲۱ " .

در تورات موسا ، صحف انبیا و زبور داود آمده است " لوقا ۲۴:۴۴ "

رسولان : " روح القدس پیشگویی کرد " . " اعمال ۱:۱۶ "

" روح القدس چه نیکو گفته است " . " اعمال ۲۸:۲۵ "

مطالب قابل درک تهیه شده است .

* [تمام کتاب مقدس از الهام خداست] .

" دوم تیموتائوس ۲:۱۶ "

* مردان خدا تحت تاثیر روح القدس کلام خدا را بیان نمودند [

" دوم پطرس ۱:۲۱ "

* نه به سخنان آموخته شده از حکمت انسان ، بلکه به آنچه روح القدس می‌آموزد .

" اول قرنتیان ۲:۱۲ "

نشانه راستی

بررسی های ذیل گواه صحت مطالب فوق می باشند

۱ - کسانی که از نظر اخلاق و شخصیت روحانی و الاثر بودند مدعی این الهام بودند. چه کسی میتواند به شخصیت موسا ، یونس ، اشعیاء ، یا حتی خداوند عیسا اتهامی وارد سازد؟

۲ - با وجود آنکه ۴۰ نفر کتاب مقدس را طی ۱۵۰۰ سال نوشته اند یگانگی و هماهنگی عمیق در تعلیم ، بوضوح دیده میشود. به چه طریق دیگر میتوان این هماهنگی را توجیه کرد ؟

۳ - چندین کتاب باستانشناسی ، صحت مطالب تاریخی کتاب مقدس را تائید مینمایند. حمایت همه جانبه ای در رسیدگی به مطالب وقایع تاریخی و شخصیت های تاریخی کتاب مقدس موجود است .

۴ - انتشار کتاب مزبور متداوم بوده است . در توزیع و برخورد جهانی بعنوان مهمترین جلد کتاب شناخته شده است ، و هنوز هم بیشتر از هر کتاب دیگری مورد حمله همه جانبه قرار دارد. سرسختی در ازین بردن نسخه های بجا مانده ، باعث بقای آن گردید . چه کتاب دیگری چنین انتقادهایی را متحمل شده که در عین حال همیشه پر فروشترین کتاب سال بوده باشد ؟

۵ - امروز هم این کلام مثل همیشه می‌تواند زندگیها را عوض کند. مجرمین جنایی را هم به اندازه افراد نجیب تحت تأثیر قرار داده و باپشامش عوض کرده است. به میلیونها انسان در تاریکترین لحظه‌های زندگیشان امید، آرامش و جسارت بخشیده است. چه کتاب دیگری می‌تواند زندگی اینهمه انسان را به نحو شایسته‌ای تغییر دهد .

۶ - جزئیات صدها پیشگویی تکمیل شده است . در چه جای دیگری می‌توان این چنین مجموعه نبوتهایی را با صددرصد تطابق در هر جزء پیدا کرد؟
بزرگترین سوال حیات و آخرت که ذهن مردان بزرگ را مجذوب خود نموده ، در کتاب مقدس تعریف و توضیح داده شده است. این درسها برای درك ذهن خواننده طراحی شده است تا کمکی برای فهم دقیق خواننده باشد که کتاب مقدس به ما درباره خدا ، انسان ، گناه ، نجات ، آخرت ، و عیسای مسیح تعلیم می‌دهد . پیش از قبول یا رد کلام حائزاهمیت است که یاد بگیریم کتاب مقدس واقعا چه می‌گوید .
عیسای مسیح فرمود :

اشتباههای حتی رهبران مذهبی زمان او به دلیل این واقعیت بود که آنها کتاب مقدس را درك نکرده بودند.

«متی ۲۲ : ۲۹»

دانیال گفت : که اینها حقایق کتاب مقدس هستند .

«دانیال ۱۰ : ۲۱»

آیا حقیقت را می‌شناسید ؟

سؤالات درس اول

کلام او راستی است .

انسان تشنه معرفت و راستی است . بسیاری از منابع گرچه مبدأ نیست ولی موجود است. کتاب مقدس ادعا می کند که راستی خدا را به انسان مکشوف می سازد.

۱ - کدامیک از عبارات زیر دقیق ترین برداشت [راستی] را طبق تعلیم کتاب مقدس بیان میکند ؟

- الف : هیچ چیز مانند راستی نیست
- ب : راستی همیشه متغییر است .
- ج : با عدم اطمینان شناخت راستی غیر ممکن است
- د : راستی مطلق و قابل شناخت است .

۲ - پیش از تولد مسیح ، خدا چگونه راستی را با انسان در میان گذاشت؟

«عبرانیان ۱ : ۱»

خدا چگونه علناً ثابت می کند که انبیایش راستی را بیان کردند؟

« تثنیه ۱۸ : ۲۲ »

نظر انبیاء در مورد منبع کلامشان چیست ؟

۲ - آخرین روش خدا برای در میان گذاشتن راستی چیست ؟

« عبرانیان ۱ : ۲ : متی ۱۷ : ۵ »

عیسا درباره راستی چه می گوید؟ « انجیل یوحنا ۶:۱۴ , ۱۷:۱۷ »

۴ - چگونه عیسا بر اقتدار نویسندگان عهدعتیق تاکید کرد؟

« انجیل لوقا ۲۴: ۴۴ »

چگونه معیاری نسبت به وقایع عهد عتیق که در ذیل آمده داشت ؟

خلقت آدم و حوا «انجیل مرقس ۱۰: ۶»

یونس و ماهی «انجیل متی ۱۲: ۲۹-۴۰»

نوح و کشتی «انجیل متی ۲۴: ۲۷-۲۹»

۵ - چرا رد و انکار تعالیم عیسا مسیح را عقلانی نمی دانیم ، در حالی که تعالیم قسمتهای دیگر کتاب مقدس امثلاً پیدایش را رد می کنیم؟

« انجیل یوحنا ۲: ۲۵ ، ۲۷ »

۶ - نویسندگان عهد جدید تعالیم و گفته‌های عیسا را بیان کردند .

معیار آنها در مورد اقتداریکه دربارهاش نوشته‌اند چه بود؟

« اقرتیان ۱۱:۲۲ ؛ ۲ پطرس ۱۱:۱۶-۲۱ »

۷ - بزرگترین اشتباه رهبران مذهبی در زمان عیسا چه بود؟

« انجیل متی ۲۲:۲۹ »

۸ - بازنویسی مطالب فوق با جملات مشابه « ۲ تیموتائوس ۲:۱۵-۱۷ »

یکی از بهترین دلایل مطالعه کتاب مقدس چیست ؟

« انجیل یوحنا ۵:۲۹ »

۹ - پاسخ شما چیست ؟

عباراتی از کتاب مقدس را که بر روی شما تاثیر گذاشته علامت بگذارید.

الف: من معتقدم که کتاب مقدس کلام خدا، و خطاباً به انسان است. گرچه در طول سالیان دراز به دست افراد مختلفی نوشته شده، نسخه اصلی خالی از اشکال بوده و در عبارات تعلیمی وقایع تاریخی قابل قبول و اعتماد است .

ب : معتقدم که در کتاب مقدس تنها سخنان عیسا الهام است .

ج : معتقدم که بسیاری از داستانهای کتاب مقدس مثل آدم و حوا ، کشتی نوح نه فقط مفاهیم تحت اللفظی ندارند، بلکه باید مفاهیم تعلیمی عمیقی داشته باشند.

د : معتقدم که کتاب مقدس ضد و نقیضهای زیادی دارد .

ه : معتقدم که کتاب مقدس تمامی آنچه که لازم داریم تا درباره خدا، زندگی و آینده بدانم را داراست .

و : معتقدم که کتاب مقدس با وجود تعالیم خوب بی‌شمار، راستی محص نیست.

ز : راستی کتاب مقدس برای همه نسلها ، فرهنگها و نژادهاست .

۱۰- نظر دیگران چیست ؟

این سوالات را حداقل با سه نفر در این هفته در میان بگذارید .

شاید بخواهید چیزی شبیه مطالب ذیل بگویید .

«من در اسم شهرآ در بررسی مطالب کتاب مقدس همکاری دارم .

آیا شما می‌توانید با در میان گذاشتن نظریات خود در مورد این سه سؤال مهم بمن کمک کنید؟

۱ - اگر به جای خدا بودید، و در نظر داشتید با انسان ارتباط برقرار کنید، چه میکردید؟

۲ - بعدها چطور انسان متقاعد شود که حقیقتاً این ارتباط از جانب خدا میباشد؟

۳ - اگر کسی به شما ثابت کند که کتاب مقدس حقیقتاً راست است،

آیا مایل خواهید بود که زندگیتان را بر اساس تعالیم اخلاقی آن تطبیق دهید ؟

از کمک شما بسیار سپاسگزاریم . آیا مایل هستید يك نسخه از نتایج بررسی را برای شما ارسال نمایم ؟

با کمال تشکر . «»

همه‌هنگ کننده گروه ، اسامی و آدرسها را روی کارت یادداشت کند . جوابها اگر بر نتایج

بررسی مطلوب دلالت دارد، در پشت صفحات مرقوم شود . بعد کارتها را در جلسه بعدی کلاس

بین آنها پخش کنید . همه‌هنگ کننده ، نتایج بررسی را جدول بندی کند و به هر فردی که علاقه

نشان داده است، ارسال نماید .

درس دوم

مرد خدا

(من قادر مطلق هستم و دیگری نیست ؛ خدا هستم و نظیر من نیست .)

« اشعیا ۹:۲۶ »

کتاب مقدس صدای خدائی متعال را اعلان می‌نماید ،

او که عالی و بلند است و ساکن در ابدیت می‌باشد

« اشعیا ۱۵:۵۷ »

صرفنظر از هستی مطلق اسرار آمیزش او خود را بعنوان خدای زنده معرفی میکند .

« مزمور ۲:۴۲؛ ۲:۸۴ ؛ دانیال ۲۰:۶ ؛ اول تیموتائوس ۱۰:۴ ، ۱۷:۶ ؛ عبرانیان ۱۴:۹ ، ۳۱:۱۰ »

عظمت او را تفتیش نتوان کرد . « مزمور ۲:۱۴۵ »

بزرگی او این چنین است که [در او زندگی ، حرکت و هستی داریم] .

« اعمال ۲۸:۱۷ »

مکرراً این بانگ بر می‌آید که ، خدایا مانند تو کیست ؟

« مزمور ۷۱ : ۱۹ ؛ ۸۹ : ۸ ؛ ۱۱۳ : ۵ »

همیشه باید پاسخ بیاید: کسی مثل تو نیست .

تصویرهای عمومی درباره خدا

اسم خدا همیشه بر سر زبانها بوده است. کسانی بوده‌اند که وجود او را انکار کرده‌اند، کسانی که عادت کرده‌اند، از او به بدی یاد کنند و آنهایی که از راستی منحرف شده و هستی او را بد ارانه داده‌اند. انکار کنندگان خدا بر این گواهند که خدایی نیست و حتی می‌توانند این را به اثبات برسانند.

اگنوسنیکس‌ها * [بر این اعتقادند که شناختن هستی او غیر ممکنست و منتهای کوششان این است، که میلیونها انسان را رهبری کنند تا در اعلام جهل به آنها به پیوندند.

اوحدت وجودیها * [براین اعتقادند که خدا بیشتر طبیعت است، به خودی خود خلق شده است، و اینکه انسان جزئی از آنست.

اچندین خداییها * [میگویند: خدا واحد نیست بلکه خدایان بی شماری هستند. گروهشان شامل هر گونه از کفار قدیم تا مورمونهای * امروزی است.

عقاید مختلف دیگر بعداً ذکر شده است. آورده‌اند که هرچیز خداست، حتی من و شما، یا اینکه خدا اصل است. یک قانون و یا نیروی غیر بشری است. آورده‌اند که خدا بیشتر زاییده فکر انسان است، یک تکیه‌گاه روان یا یک اختلال روانی (ترسی نامعقول) است. انسان ایده‌آلها یا تصورات ساخته و پرداخته‌اش را به شکل خدایان نشان داده است.

« اعمال ۱۹: ۲۳-۲۸ »

اگر چه در کتاب مقدس چنین روشی ممنوع شده است. «خروج ۲۰: ۵»

و بارها انسان خود را خدایان خوانده و از دیگران انتظار پرستش داشتند. بعضی فکر تصدیق حساب پس داده به خدای متعال هستند، تحت تأثیر آن خدایان خودشان شده‌اند.

اثبات خدا بر خودش

کتاب مقدس کوششی در اثبات وجود خدا نکرده است. گویی این دانش در هستی و وجدان هر انسان آمیخته شده است.

احمق در دل خود میگوید که خدایی نیست.

" مزامیر ۱:۱۴ ، ۱:۵۲ "

همه فکرای او (شریر) اینست که خدایی نیست .

" مزامیر ۴:۱۰ "

در باستانشناسی به مدرك پرستش خدا ، به عنوان يك دليل بر وجود انسان شناخته شده است . هیچ مستبدي حتی با سخت گیریهای شدید نتوانسته اعتقاد به خدا را از اذهان عمومی بزدايد. انسان ، در قسمت اعظم تاريخ ، عاجزانه در دل خود وجود خدایی را باور کرد که پاسخگوي اوست . این شناخت ریشه احساس مسئولیت وی میباشد .

[چونکه آنچه از خدا میتوان شناخت در ایشان ظاهر است . زیرا خدا آنرا بر ایشان ظاهر کرده است. زیرا که چیزهای نادیده او یعنی قوت سرمدی و الوهیتش از حین آفرینش عالم به وسیله کارهای او فهمیده و دیده میشود تا ایشان را عذری نباشد .]

" رومیان ۱:۱۹-۲۰ "

اعتقاد راسخ به وجود خدا خیلی بیشتر از آن شد که انسان شروع به گرد آوری مباحث رد یا پذیرش این اعتقاد کرد. حکام وقت ، قشر تحصیلکرده و رسانه‌های گروهی جهت سرکوبی این اعتقاد آنرا مورد حملات پی در پی قرار دادند. آشکار هم هست ، همانطور که غرور، خودبینی خردمندانه، شرارت و تباهی جامعه رشد میکند، به همان ترتیب درباره هستی خدا هم سؤال پیش می‌آید.

برخی می‌پرسند:

ما چرا باید به خدا اعتقاد داشته باشیم؟

می‌توانیم برای هر چیز بر اساس طبیعت یا تکامل، توضیحی بیابیم.
کسانی که خود را دانایان از ایمانداران به خدا می‌دانند، این به اصطلاح روشنفکران،
باید چنین نکاتی را در نظر داشته باشند.

۱- هیچ چیز به خودی خود پدید نیامد. هیچ اثر علمی هنوز نتوانسته است ثابت کند که چیزی
از نیستی پدیدار شده باشد. در واقع، هیچ چیزی از هیچ چیز ساخته نشده است.
کتاب مقدس می‌فرماید:

[زیرا هر خانه ای بدست کسی بنا میشود، لیکن بانی همه خداست]

" عبرانیان ۴:۲ "

۲- هر عمارت که با مهارت ساخته شده است طراح یا سازنده ای دارد. هر دستگاه اصلی یک
انسان، مثل مغز یا چشم، خیلی پیچیده تر از یک کامپیوتر یا یک ساعت است. هیچ
کس باور نمی‌کرد، بعدها چنین اختراعاتی اتفاقی بوجود بیاید.

دیدگاه کتاب مقدس نسبت به خدا

۱ - یک خدا هست. عهدعتیق و عهدجدید هر دو متفق القولند، در اینکه
تنها یک خدا هست. " تثنیه ۶ : ۴ ؛ اشعیا ۴۵ : ۵ ؛ ۱ تیموتائوس ۲ : ۵ ". پیروان موسی و
حضرت محمد (ص) در این مورد بخصوص با ایمان مسیحیون هم عقیده‌اند. انسان اغلب از
سایر خدایان صحبت میکند. " ۱ قرنتیان ۸ : ۶ - ۵ " و گاهی کتاب مقدس کلمه را به
مفهوم مجازی بکار گرفته است. " خروج ۷ : ۱ * [خدا مقامی والا تر از خدایان مورد
اعتقاد و احترام فرعون (خدایانی چون نیل و جادوگران و ...) به موسی عطا فرمود.] و
" مزامیر ۶:۸۲ " ولی تنها یک خدای حقیقی وجود دارد.

۲ - وجود خدا در سه شخصیت. يك خدا بیشتر از آنکه خدای یگانه و ساده‌ای باشد، خدای چند گونه است. او در ذات خود یگانه است ولی در کتاب مقدس به دلیل تفاوت شخصیت از او بعنوان هستی مفرد یاد نشده است. یکی از اسامی خدا در عهد عتیق "ألوهیم" است که حدود ۲۶۰۰ بار استفاده شده است. این کلمه "ألوهیم" جمع ، ولی با افعال مفرد صرف شده است. "ثنیه ۶ : ۴" و "در یهودیت اثباتی سنتی برای یگانگی خداست. [خداوند خدای ما خدایی واحد است.] در نسخه اصلی این آیه از واژه "ألوهیم" استفاده شده است. در ادامه خاطر نشان خواهد شد که خدا اغلب از خود حتی در عهدعتیق با ضمیر جمع < ما ، به ما ، از ما ، ما را > صحبت کرده است. "ثنیه ۱ : ۲۶ ؛ ۲ : ۲۲" هیچیک از پادشاهان [در کتاب مقدس] از خود اینچنین یاد نکرده‌اند. در قسمتهایی از کتابمقدس مشاهده میشود که کلمه "خدا" و "خدا" متفاوت است . " کتاب مزامیر ۴۵ : ۷ - ۶ مقایسه شود با عبرانیان ۱ : ۸" یا (خداوند به خداوند من گفت) مزامیر ۱۱۰ : ۱ ، مقایسه شود با متی ۲۲ : ۴۶ - ۴۲ . کاملترین مکاشفه از وجود پدر ، پسر و روح القدس در عهدجدید به ما داده شده است. هر يك از این سه شخصیت به وضوح خدا هست در حالیکه در عهد جدید آشکارا بیان می‌کند که خدا واحد است.

الف : " پدر خدا است. " ۱ تسالونیکیان ۱ : ۱ ؛ ۲ پطرس ۱ : ۱۷

ب : " روح القدس خدا است. " اعمال رسولان ۵ : ۲ - ۴ ؛ ۲ قرنتیان ۳ : ۱۷

ج : " پسر خدا است. " یوحنا ۱ : ۱ - ۱۴ ، ۲۰ ، ۲۶ - ۲۸ ؛

اعمال رسولان ۲۰ : ۲۸ ؛ تیطس ۲ : ۱۲ ؛

۱ تیموتائوس ۲۰ : ۱۶ ؛ عبرانیان ۱ : ۸ ؛

۱ یوحنا ۵ : ۲۰ ؛ رومیان ۹ : ۵ ؛

مکاشفه ۱ : ۸ ، ۱۷ - ۱۸ ؛ کولسیان ۲ : ۸ - ۹

تمامی صفات خدا به یکدیگر نسبت داده شده است. پدر، پسر و روح القدس از یکدیگر مجزا هستند و در عین حال با پیوندی خدایی، با هم يك هستند.

« ۱ پطرس ۱ : ۲ ؛ یهودا ۲۰ - ۲۱ »

اسامی آنها در هر تعمید با هم بکار برده می شود « متی ۲۷ : ۱۹ » و در دعای برکت رسولان « ۲ قرنیتیان ۱۲ : ۱۴ ». در تعمید عیسا هم میتوان این مهم را مشاهده کرد « متی ۲ : ۱۶ - ۱۷ »، و در سخنرانی در « یوحنا ۱۴ : ۱۶ - ۲۰ : ۱۵ : ۲۶ : ۱۶ : ۷ - ۱۶ ». یگانگی همچنین در « یوحنا ۱۴ : ۹ : ۱۷ : ۲۲ » ذکر شده است. اینها شخصیت‌های الوهیت هستند. با وجود آنکه ما آنچه از تعریف شخصیت میدانیم متفاوتند.

آنها نه سه خدای مجزا هستند و نه خدایی سه سر. در ذات يك خدا هستند. واژه تثلیث یا سه گانگی با وجود اینکه در کتاب مقدس نیست، برای راحتی توصیف الوهیت بکار برده می شود. همین امر در بیان تثلیث اقدس نیز صحت دارد. در این مقام معیاری برای مقایسه در دست نیست. زبان انسان از بیان این حقیقت قاصر است.

کتاب مقدس آنرا توصیف نکرده است. تنها می توانیم عبارت کتاب مقدس را بپذیریم و موقتاً به همان حال وا بگذاریم.

۲ - خدا روح است. « یوحنا ۴:۲۴ ». او می تواند جسم انسانی در بر بگیرد و یا در صدایی شنیده شود. ممکنست او خود را در واقعه ای طبیعی مثل رعد و برق آشکار کند. با این وجود، موجودی روحانی و نادیدنی است که در محدوده مکان و زمان و ماده نیست.

۴ - خدا شخصیت دارد. او فقط يك اساس یا اعتقاد نیست. چنین مشخصات

فردی مثل دانش « یوحنا ۲:۲۰ » ،

احساسات و عواطف « پیدایش ۶:۶ » ،

و اراده یا قدرت تصمیم گیری « یعقوب ۱:۱۸ » ،

بوی نسبت داده شده است. او محبت و خشم خود را آشکار می سازد. او بیاد می آورد و

یا ترجیح می دهد فراموش کند.

فرامین از او صادر می‌گردد و آینده را اعلان می‌نماید. او دستگاهی خودکار نیست. بزرگترین تسلی ایمانداران در اینستکه میدانند خدا محبت است. " ۱ یوحنا ۴: ۱۶-۱۷ ". هیچ اساس یا قدرت فردی قادر به داوری این عبارت نمی باشد، و تمامی اندیشه خود را بوی واگذارید زیرا که او برای شما فکر

میکند. " ۱ پطرس ۵: ۷ "

کلمه خدا مظهر نیکی است، بواقع هم او نیکو است. او " خداوند " هم خطاب میشود. قادر مطلق ؛ خالق ؛ منجی ؛ رهاننده و بسیاری صفات دیگر بوی اطلاق میگردد.

اسم " **یهوه** " از " **JHVH** " گرفته شده است.

[اسمی چهار حرفی برای " نام " خدایی در عهد عتیق] هیچوقت تلفظ نشده است و تمام هجایا تلفظ آن حدسی میباشد. هیچکس با موازین کتاب مقدس نمی‌تواند بگوید که لغتی تنها اسم قابل قبول برای خدا باشد. کافی است که خدای کتاب مقدس را شناخته باشیم. او را که می‌فرماید، پسر او عیسای مسیح را بشناسیم. او تنها راه رسیدن به خداست.

" یوحنا ۱۴ : ۶ "



Agnostics
Pantheists
Polytheists

Mormons = علاوه بر کتابمقدس ، به کتاب مورمون نوشته ژوزف اسمیت آمریکایی اعتقاد دارند.

الوهینم = واژه‌ایست عبری که در زبان فارسی یهوه یا خداوند ترجمه شده

سوالات درس دوم

مرد خدا

بسیار اهمیت دارد که بدانیم به چه کسی ایمان داریم؟

به چه کسی یا چه چیزی شباهت دارد؟

آیا پیش فرضهایی اشتباه از او دارید؟

۱ - خدا است. (یکی از پاسخهای زیر را برگزینید)

الف: يك عقیده

ب : يك نیرو

ج : يك انسان

د : يك روح

۲ - کدامیک از پاسخهای ذیل بیشتر بیانگر تصور شما از خداست ؟

الف : پلیس

ب : مدیر

ج : پدر جسمانی

د : يك دستگاہ

ه : هیچکدام

۳ - به کسی که از خدا هیچ نمیداند، چگونه او را معرفی می نمایند؟

۴ - آیا کتاب مقدس کوششی برای اثبات وجود خدا دارد یا فرض کتاب مقدس بر وجود خدا روشن است ؟ " پیدایش ۱:۱ "

چطور يك فرد بدون داشتن کتاب مقدس می داند که خدایی هست ؟

" مزامیر داؤد ۱۹:۱-۲ ؛ رومیان ۱:۱۹-۲۰ "

چرا به وجود خدا معتقدید ؟

۵ - کتاب مقدس تعلیم می دهد که؟

الف : خدا واحد است.

ب : خدا سه گانه است.

ج : خدایان متعددی هستند.

د : همگی به یک خدا معتقدیم.

۶ - برخورد کتاب مقدس با دیگر " خدایان " مورد پرستش انسان چگونه است

" ۱ قورتیان ۸: ۵-۶ " ؟ شرح دهید.

۷ - مطالب ذیل را چگونه برای کسی توضیح می دهید :

[پدر خداست، پسر خداست، روح القدس خداست .] = [خدا واحد است .]

۸ - خدا روح است، بدین معنی که

الف : قادر به شناخت او نیستیم.

ب : دیده نمی شود.

ج : نمی تواند خود را قابل رویت و آشکار کند.

د : شخصی نیست.

۹ - نظر شما چیست ؟

چون خدا شخصیت دارد، می‌توان ارتباط شخصی با او برقرار کرد. رابطه فعلی خود را با وی چگونه بیان می‌کنید؟

۱۰- دیگران چه می‌گویند؟

در این هفته حداقل سؤالهای ذیل را با سه نفر مطرح کنید. می‌توانید چیزی شبیه مطالب ذیل بگویند:

"من در (اسم شهر) در بررسی مطالب کتاب مقدس همکاری دارم.

آیا شما می‌توانید با در میان گذاشتن نظریات خود در مورد سه سؤال مهم به من کمک کنید؟

۱- خدا را چگونه توصیف می‌نمایند؟

۲- به عقیده شما، بزرگترین اثبات وجود خدا چیست؟

[یا اگر مخاطب شما منکر خداست، دلیل او را بپرسید]

۳- اگر می‌توانستید از خدا چیزی بپرسید چه می‌پرسیدید؟

از همکاری شما بسیار سپاسگزارم

آیا می‌خواهید نسخه‌ای از نتایج تحقیق برای شما بفرستم؟ "

همانگ کننده گروه اسامی و آدرسها را روی کارت یادداشت کند. جوابها، اگر بر نتایج

بررسی مطلوب دلالت دارد، در پشت صفحات مرقوم بشود. بعدکارتها را در جلسه بعدی

کلاس بین آنها پخش کنید. همانگ کننده، نتایج بررسی را جدول بندی کند و به هر

فردی که علاقه نشان داده است ارسال نماید.

درس سوم

همانندی خدا

اشعیای نبی می‌پرسد: شباهت خدا به کیست؟

چه شباهتی را با او برابر می‌کنید؟ « اشعیاء ۱۸:۴۰ ».

کتاب مقدس به آگاهی میرساند که او دقیقاً شبیه به چیزی یا کسی که ما بدانیم نیست. کتاب مقدس در تعریف از او زبان ما را با بیانی انسانی بکار می‌گیرد. در تعبیر، بازو، چشم، دست یا دهان خداوند طبق کلام، نه تنها به معنی دارا نبودن اعضای جسمانی است، « که در مزامیر داود ۱:۹۱ » می‌فرماید: به پره‌های خود ترا خواهد پوشانید.

و بدین مفهوم هم نیست که گویا او پرنده‌ایست که با فهم انسانی کاملاً توصیف یا تجزیه و تحلیل بشود، و نه آنکه با انسان در یک ردیف است. بدلیل اینکه خدا در فکر ما نمی‌گنجد، دلیل بر رد او بیاییم. از ایوب پرسیده شد، « آیا عمق‌های خدا را میتوان دریافت نمود ».

« ایوب ۷:۱۱ »

پاسخ اینستکه ما میتوانیم به اندازه‌ای که خدا در کتاب مقدس می‌خواهد خود را بشناساند، در مورد او بدانیم نه بیشتر. و بعضی از تصورات از قدرت درک ما خارج می‌باشد. کتاب مقدس در لابه لای شرح قسمتهایی از اقدامات خدا، که او در جهت آشکار سازی اسرار و شخصیت خود به انسان بوده است، طنین خود را بر روی نکاتی ظریف می‌افکند و ما آنها را اصطلاحاً صفات مینامیم.

و خدا صفات ذیل را داراست:

۱ - قائم به ذات : او در خود حیات دارد. " یوحنا ۲۶:۵ "

در ابتدا او وجود داشت. " پیدایش ۱:۱ ؛ یوحنا ۱:۱ "

۲ - ابدی : او تا اَبَدُالْأَبَاد همواره خداست. " مزمور ۲:۹۰ ؛ حبقوق ۱:۱۲ "

او که خود را " من هستم " معرفی کرد. " خروج ۱۴:۲ "

او که گذشته، حال و آینده در دست دارد. " مکاشفه ۸:۴ "

۳ - سرمدی : به معنی بی حد و مرز یا نامحدود است.

هیچ چیز در برگیرنده وی نمیباشد. " ۱ پادشاهان ۲۷:۸ "

با هیچ چیز نمی توان او را سنجید.

۴ - قادر مطلق : قدرت و اقتدار برای انجام آنچه مورد پسند وی می باشد

را داراست.

۵ - عالم بر همه چیز است. او دانش، درک و آگاهی نامحدودی دارد.

" مزامیر ۱۴۷:۴-۵ "

که به هیچوجه نمیتوان به آن چیزی افزود.

چیزی نمی تواند او را متحیر یا گمراه کند. " عبرانیان ۱۲:۴ ؛ ۱ یوحنا ۲۰:۲ "

این دانایی محض است ، که او به انتهای هر چیز از ابتدا واقف است.

" اشعیا ۱۰:۴۶ شامل پیش آگاهی وی از همه چیزهاست ."

۶- در همه جا حاضر: او در زمان یا مکان نامحدود است.

او در همه اوقات همه جا هست « مزامیر ۱۲۹:۷-۱۲ »

او " همیشه حاضر" است. از او گریزی نیست. « ارمیاء ۲۳:۲۲-۲۴؛ عاموس ۲:۹ »

۷ - لایتغیر: شاید اعمال یا اقدامات او تغییر پذیرد.

ولی هرگز شخصیت در وی و مقاصد وی تغییرپذیر نیست. « ملاکی ۶:۲؛ یعقوب ۱۷:۱ »

او بی ثبات و پیمان شکن نیست.

این را " تغییر ناپذیری" گویند.

۸ - مستغنی (بی نیاز): مطلقاً محتاج چیزی از هیچ منبعی نیست

چون کمبودی ندارد. « اعمال ۲۴:۱۷-۲۵ »

۹ - او به همه چیز مسلط و فرمانرواست. و هیچ چیز نمی تواند او را باز

دارد. همه تدابیر خود را بر مبنای خواست خود به مرحله اجراء میگذارد.

« افسسیان ۱۱:۱؛ اشعیاء ۴۰:۱۲-۱۴ »

او به عنوان خدا برای اجرای خوشنودی خود حق نامحدودی را داراست.

و مدیون احدی نیست.

علائق نسبى

(که انسانها هم میتوانند داشته باشند)

۱ - محبت : متضمن قربانى و بیان از خود گذشتگی است که انسان بهترین ها را برای دیگری بخواهد و این عملی سودمند است،

چون خدا ما را دوست داشت ، او پسر خود را داد که برای ما کشته شود

" یوحنا ۱۶:۲ "

محبت او بستگی به ملاحظت یا تاثیر پذیری مادی ندارد. خدا در واقع ، دشمن اشخاص ناسپاس است .

لیکن گناهکار را دوست داشت، اگر چه او گناه را دوست نداشت.

" یوحنا ۱۰:۴ ؛ افسسیان ۵-۴:۲ ؛ رومیان ۸:۵ ؛ ارمیا ۲:۲۱ "

شفقت و محبت در يك رده می باشند. حس همدردی درونی نسبی به دیگران را در بر

دارد. " مزامیر ۱۵:۸۶ ؛ متی ۲۶:۹ ، ۱۴:۱۴ "

۲ - خشم : تقدس وی ناخشنودی او بر علیه اشرار را موجب شده است. زمانیکه

انسان اصرار می ورزد و توبه نمی کند

" کولسیان ۷-۵:۲ ؛ رومیان ۶-۴:۲ " تضادی با

محبت او نیست بلکه جنبه دیگری از شخصیت اوست.

رومیان ۱۸:۱ موضوع خشم او را " بر علیه همه بی خدایی ها و بی عدالتی ها " به ما

نشان می دهد.

۲ - فیض : بخشش بی ریای او نسبت به دیگران با وجود ناشایستگی شان، دین او در

پاسخ به اعمال نیکو نیست . " رومیان ۵-۴:۴ ، ۶:۱۱ "

فیض نجات را به انسان عرضه می دارد.

" افسسیان ۸:۲ ؛ تیتوس ۱۱:۲ "

۴ - بخشش : دلسوزی یا شفقت کاریست نسبت به خطا کاران و محتاجان و قتیکه

تسلّی بخشد. [شبیه فیض است.] " مزمور ۸:۱۰۲ "

خدا در بخشش دولتمند است. " افسسیان ۴:۲ "

۵ - قدّوس: او جدا از هستی های دیگر است و شرارت یا ناپاکی در او یافت

نمی شود. در مزامیر ۹:۹۹ ؛ اشعیاء ۱۵:۵۷ ، از او به قدوسیت نام برده شده است. در

آسمان قدوسیت او را می ستایند. " مکاشفه ۸:۴ ؛ اشعیاء ۲:۶ " به مفهوم مطلق به جز

خدا هیچ قدوسی نیست. " مکاشفه ۴:۱۵ ؛ عبرانیان ۲۶:۷ "

این صفت مجازات گناه را سبب می شود. " اشعیاء ۲:۵۹ "

چون او قدوس است ما نیز خوانده شدیم تا مقدس باشیم.

" ۱ پطرس ۱:۱۶ "

۶ - عدالت و داوری: منابع این لغات با زبان اصلی عهد جدید هم ریشه اند.

رفتار او در رابطه با دیگران بیطرفانه و منصفانه است.

هیچ خطایی نمی تواند از او سر بزند. " نحمیا ۲۳:۹ ؛ مزامیر ۱۷:۴۵ "

او داور عادل است. " ۲ تیموتائوس ۸:۴ "

او عدالت را بی خطا به عمل می آورد. " پیدایش ۲۵:۱۸ "

عدالتش ایجاب می کرد که جریمه گناه پرداخت بشود و محبتش این پرداخت را چنان

فراهم کرد که او بتواند هم عادل و هم زهاندۀ ایمانداران در عیسای مسیح باشد.

" رومیان ۲:۲۶ "

۷ - حقیقت : در قاموس خدا، مکر، بی وفایی ، و عدم ثبات وجود ندارد.

" اعداد ۱۹:۲۲ ؛ ۱ یوحنا ۲:۵ "

او حقیقت است. " یوحنا ۶:۱۴ "

او صادق [به مفهوم مطلق و کامل کلمه] است.

" ۲ تیموتائوس ۲ : ۱۲ ؛ مکاشفه ۱۱:۱۹ "

۸ - صبر : خودداری او در مقابل اعمال قدرت و خویشتنداری وی از قدرت

نمایی می‌تواند از صفات شخصی بسیار مقتدر وی باشد.

بردباری و تحملش در برابر رفتار ناپسند يك جنبه است.

« رومیان ۹:۲۲؛ اعمال ۸:۱۲ »

و دیگری اصرار ورزیدن وی ، در یافتن فرصتی بمنظور نیکویی کردن به دیگران است.

« ۲ پطرس ۹:۲ »

۹ - حکمت : خدا بر همه چیز عالم است، ولی کاربرد این دانش نمایشگر

حکمتی بی‌پایان است. درك عمیقی که مکمل قضاوتی کامل است.

« رومیان ۱۱:۲۲ ؛ افسسیان ۱۰:۲ »

فهم او را تفحص نتوان کرد « اشعیا ۲۸:۴۰ »

خدای دانای یکتا، قلبهای همه انسانها را تفحص مینماید.

« رومیان ۲۷:۸ ، ۲۷:۱۶ »

۱۰ - مهربانی : خوش قلبی او حالتی است که انسان را به توبه رهبری می‌کند.

« رومیان ۴:۲ »

خدا لبریز از عطوفت ، لطف و نیکخواهی است . « مزامیر ۶۸:۱۱۹ ، ۹:۱۴۵ »

مشکلات یا غصه‌های انسان هرگز نمی‌بایست سبب شود که ما به مهربانی او شک کنیم.

۱۱ - بخشندگی : خدا از همه بخشندگان بزرگتر است، و فوق از همه اینها آنها با

فدیه دادن پسرش نشان داد « یوحنا ۱۶:۲ ».

بدین دلیل او بخشندگان خوش را دوست می‌دازد. « ۲ قرتنان ۷:۹ »

خدا سخاوتمندانه میبخشد. « یعقوب ۵:۱ »

او خدایی است که روزنه‌های آسمان را گشود تا برکاتش فرو ریزد. روش وی بخشش

بی اندازه است که گنجایش آن خواهد بود. « ملاکی ۱۰:۲ »

سوالات درس سوم

همانندی خدا

راههایش نمودار شخصیت و صفات اوست. سؤالهای ذیل به ما کمک می‌کند تا او را بهتر درک کنیم.

۱ - برای انسان مشکل است که درک کند خدا شبیه چیست ؟
 زیرا.... [یکی را انتخاب کنید]

الف: انسان بر این باور است که خدا مثل اوست.

ب: راههای خدا فوق از راههای انسان است.

ج: هیچ چیز یا کسی نیست که خدا را با آن مقایسه کنیم.

د: خدا غیر قابل شناخت است.

ه: همه جوابهای فوق

و: از الف تا ج از جوابهای فوق

۲ - خدا چه رابطه‌ای با هستی دارد ؟ " اعمال رسولان ۱۷: ۲۴-۲۵ "

کدام صفات خدا در آیات زیر توضیح داده شده است که بر استقلال کامل و خود کفایی وی تأکید دارد؟
(با کلمات خود بیان کنید.)

یوحنا ۲۶:۵ ؛ ۱:۱ ؛ پیدایش ۱:۱

خروج ۱۴:۲ ؛ مزامیر داوود ۲:۹۰ ؛ مکاشفه ۸:۴

۱ پادشاهان ۲۷:۸

۲ - مزمویر ۱۲۹ را بخوانید. سه صفت خدا را در این عبارت نشان دهید.

الف :

ب :

ج :

۴ - رومیان ۲۴:۸ را با عبارت ساده تر بیان کنید.

از این عبارت يك مسیحی میتواند چه تسلی بیابد؟

۵ - کدامیک از پاسخهای زیر درباره محبت خدا درست نیست

الف: پاسخ را انتخاب کنید

الف: خدا تمام جهان را دوست دارد.

ب: بیش از آنکه ما او را دوست بداریم، او ما را دوست داشت.

ج: محبت او ابدی است.

د: محبت خدا از گناه چشم پوشی می کند.

۶ - خشم خدا نیز به اندازه محبت وی حقیقی است. چه مواردی خشم خدا را به هیجان

می آورد؟ [سه پاسخ را انتخاب کنید]

الف: هر نوع بی خدایی و بی عدالتی انسان

ب: قلب سخت و ناتوبه کار

ج: نافرمانی

د: گناهکارانی که آمرزیده شده اند.

۷ - صفات خدا را که در ذیل آمده با تعاریف سمت راست ارتباط دهید.

- | | |
|--|---|
| <p>الف: فیض
[افسسیان ۸:۲؛ تیطس ۲:۱۱]</p> <p>ب: قدوس
[مزامیر ۹۹:۹؛ مکاشفه ۴:۱۵]</p> <p>ج: ترحم
[مزمور ۱۰۳:۸؛ افسسیان ۲:۴]</p> <p>د: عدالت، داوری
[نحمیا ۹:۲۲؛ پیدایش ۱۸:۲۵]</p> | <p>— باوجود ناشایستگی و بدلیل خیریت برای
بشر و صرفنظر از حقوق خود، او با آغوش
باز بطرف نوع بشر قدم بر میدارد.</p> <p>— دلسوزی و همدردی نسبت به متخلفین
و نیازمندان.</p> <p>— از ناپاکی یا شرارت کاملاً مبرا است.
از همه موجودات دیگر کاملاً مستثنی
است.</p> <p>— انصاف و بیطرفی در رابطه با دیگران.</p> |
|--|---|

۸ - زمانیکه در کتاب مقدس از خدا بعنوان قدوس یاد میشود، بدین معنی است که :

۱ یکی را انتخاب کنید

- الف: او بیگناه است.
- ب: او از گناه متنفر است و هر آنچه نیکوست دوست میدارد.
- ج: او از گناهکاران جداست.
- د: همه جوابهای فوق

۹ - نظر شما چیست ؟

با توجه به توضیحات فوق، صفات او را دقیقاً مورد بررسی قرار دهید. کدامیک به شما دلداری مخصوص می دهد؟

کدامیک از صفات او شما را آشفته می کند؟ چرا؟ یا چرا نه؟

اغلب مردم می گویند: " فکر می کنم خدا اینکار را انجام می دهد" و یا " فکر نمیکنم او اینکار را انجام بدهد". چرا درك شخصیت خدا اهمیت دارد، پیش از آنکه به آنچه بیندیشیم (که ممکن است یا ممکن نیست) انجام دهد؟

۱۰- دیگران چه میگویند؟

این هفته حداقل با سه نفر ارتباط برقرار کنید و از آنها سؤلهای بعد را پرسید. ممکنست بخواهید چیزی شبیه مطالبی که می‌آید بگویید:

**من در يك گروه بررسی کتاب مقدس [اسم شهر] کار میکنم .

آیا می‌توانید با در میان گذاشتن نظریات خود درباره سه سؤال مهم مرا یاری کنید؟

۱ - بعضی صفات خدا که انسان در آن سهیم نیست چه میباشند؟

۲ - اینکه خدا قدوس است به چه معنی می باشد؟

۲ - شما چطور توضیح کتاب مقدس ، که خدا را به عنوانهای < الف : خدای محبت

ب : خدای خشم > بر میشمارید؟

از كمك شما بسیار سپاسگزارم .

آیا مایل هستید يك نسخه از نتایج بررسی را برای شما ارسال نمایم؟

با تشکر.**

همانگ کننده گروه، اسامی و آدرسها را روی کارت یادداشت کند. جوابها اگر بر ایج بررسی مطلوب دلالت دارد، در پشت صفحات مرقوم بشود و بعد کارتها را در جلسه ای کلاس بین آنها پخش کند. همانگ کننده، نتایج بررسی را جدول بندی کند و برای فردی که علاقه نشان داده است ، ارسال نماید.

درس چهارم

درک انسان

سراینده مزامیر می پرسد: انسان چیست، که او را بنیاد آوری؟ " مزمور ۴:۸ "

بدنهای ما از خاک است و بخاک بر خواهیم گشت . " پیدایش ۱۹:۲ "

ما چه هستیم؟

چرا ما مورد توجه قرار گرفتیم؟

هدف ما در زندگی چیست؟

پاسخ این پرسشها عمیقاً بر نظریات و روش زندگی ما تأثیر خواهد گذاشت

منشاء (پیدایش) انسان

بسیاری بزبانی ساده میگویند، انسان یکی از پدیده‌های زندگی است که تصادفاً در دنیا بوجود آمد. چیزی بجز [حیوانی برتر] و یا [شاهکار تکامل] نیست.

پدیده‌ای فناپذیر و بی ارزش است که زندگی گذرایی را داراست. و انسان این فرضیه را باور کرده است . مانند حیوانات زیسته و با خودخواهی در پی به چنگ آوردن هوسهای خود بوده و با یأس در انتظار آینده ای تاریک زندگی کرده است. عده ای دیگر، دیدگاهی عجیب و غریب دارند که گویا زندگی نوعی چرخ گردان است که بی‌وقفه در گردش است. آنها می‌گویند که زندگی همواره به نوعی وجود داشته است . انسان پدیدار میشود،

می‌میرد، در یک نوع "پوچی" غرق میشود و باز به گونه ای دیگر زندگی می‌یابد. هیچ توجهی برای منشاء هستی وجود ندارد، معیار سنجش درستی در دست نیست و نه خدایی که بتوان با او رابطه‌ای خصوصی برقرار کرد.

این دو طرز تفکر را مقایسه کنید . کدامیک منطقی تر بنظر می آید ؟

ایمان به منشاء [بخودی خود]

ایمان به خالق عالم

۱- هیچ چیز وجود نداشت. ماده و انرژی بدون دلیل یافت شد. بعد منظومه‌های سیارات بدون نقص بخودی خود بوجود آمد.

۱- خدا جهان را خلق کرد، شامل زمین، انسان، حیوانات، حیات در دریا، پرندگان و مخلوقات دیگر. پیدایش ۱:۱-۲:۲۵؛ یوحنا ۱:۱-۲؛ کولسیان ۱:۱۶؛ عبرانیان ۱۱:۲۰

۲- حیات در منظومه های سیارات مختلف بخودی خود تشکیل شد، بدون نقشه عقلانی از شکلی ساده به اشکالی پیچیده تر تکامل یافت. هیچ طراح یا پشتوانه منطقی وجود نداشت.

۲- خدا، خرد برتر، منشاء طرح، ترتیب و قوانین است. او منشاء همه زندگی است. انسان خلقت بخصوص اوست، از لحاظ روحانی شبیه و موافق او ساخته شده است.

۲۰- انسان از نیاکانی بدوی شبیه میمون استینتاج شد. او حیوانی بدون طبیعت روحانی است، يك اتفاق زیستی در فضا بدون دلیل و بی آینده است. بخودی خود تشکیل شد، بدون نقشه عقلانی از شکلی ساده به اشکالی پیچیده تر تکامل یافت. هیچ طراح یا پشتوانه منطقی وجود نداشت.

۲- نوع بشر از نسل انسان توسط خدا خلق شد. در پیدایش ۱ ، ۲ توضیح داده شده است . انسان در استعداد دانش روحانی و پرستش خدا با حیوان اختلاف دارد، در توانایی سخن گفتن و ارتباط مکاتبه‌ای، در داشتن جان و روان که پیوسته حیات دارد.

کتاب مقدس میفرماید:

"در ابتدا خدا آسمانها و زمین را آفرید....."

خدا آدم را آفرید. " پیدایش ۱:۱-۲۷ "

بدانید که یهوه خداست، او ما را آفرید. " مزمور ۱۰۰:۲ "

پیش از تولد ما، او ما را می شناخت. " مزمور ۱۲۹:۱۲-۱۶ "

چرا ما را آفرید؟

او ما را برای خوشنودی خود ساخت. " مکاشفه ۴:۱۱ "

او کوزه گر بود و ما گل بودیم. " رومیان ۹:۲۰-۲۱. "

آفریده شده ایم تا او جلال بیابد. " رومیان ۱:۲۱؛ مزمور ۸۶:۹؛ متی ۱۶:۵ "

تا امروز انسان از پرستش و خدمت آفریننده خود امتناع میورزد " رومیان ۱:۲۵ "

و در عوض در پی زندگی مستقل برای خود میباشد.

طبیعت انسان

انسان بصورت خدا و شبیه خدا ساخته شد" پیدایش ۲۶:۱ ، ۱:۵ ، ۶:۹ " ،
 این به معنی سایه یا شباهت است. چون خدا روح است این شباهت نه جسمانی بلکه
 روحانی است " افسسیان ۲:۴ ؛ کولسیان ۱۰:۲ " . این جنبه اصلی وحدانیت انسان است.
 انسان جنبه‌ای مادی نیز دارد که عملکرد آن از بسیاری جوانب شبیه پیکر سایر
 مخلوقات میباشد. تنها خیمه‌ای یا خانه‌ای زمینی است که در آن زندگی میکند "۲
 قرتیان ۴-۱:۵ ؛ ۲ پطرس ۱-۱۲:۱۴ " . به عبارت دقیقتر، روح و جان یا روان دارد که با
 هم تشکیل موجودی سه بعدی را داده است. " ۱ تسالونیکیان ۲۲:۵ " . تشخیص روح از
 جان [روان] مشکل است " عبرانیان ۲:۴ " . بدن می‌بایست بوسیله حواس با محیط
 اطرافمان در تماس باشد. بنابراین قرن بینش جهانی نامیده میشود. جان [روان] مرکز
 احساس استدلال و اراده است
 " مزمو ۲:۱۲ ؛ ۵:۴۲ " .

جایگاه خودآگاهی است ، با روح توان شناخت خدا و چیزهایی را می‌یابیم که در
 رابطه با حوزه مسائل روحانی است، که جایگاه خداجویی است. حتی کسی که خدا را نمی
 شناسد " یعقوب ۲۶:۲ " . وجود درونی انسان گاهی " دل " نامیده میشود
 " تشیه ۴:۲۹ ؛ مزامیر ۸:۴۰ ، ۱۲:۱۰ ؛ امثال سلیمان ۱۰:۱۴ ؛ اشعیا ۱۸:۴۴ " .

به اعتقاد عامه، ذهنیات، احساسات و آرزوها چنین سرچشمه‌ای دارد. چنانکه از مراجع
 معمولی بر میآید ، وجدان وسیله تشخیص راست و نادرست، نیکی و پلیدی است "
 رومیان ۱۵:۲ ؛ عبرانیان ۱۴:۵ " که در رابطه با حسن وظیفه شناسی یا مسئولیت همانند
 اصول اخلاقی ما عمل میکنند. اغلب میگوییم، " بگذارید وجدان راهنمای شما باشد " .
 حکمت در این است که حرمت وجدان خود را چه ضعیف و چه بسیار حساس نگهداریم "
 ۱ قرتیان ۱۰:۸ " . با این وجود ممکنست وجدانی نیک " اعمال ۱:۲۲ ؛ اتیموتانوس ۱:۵-۱۹ ؛
 عبرانیان ۱۸:۱۲ " یا پلید و ناپسند باشد " اتیموتانوس ۲:۴ ؛ عبرانیان ۲۲:۱۰ " . ممکنست
 پاک باشد " ۱ تیموتانوس ۶:۲ ؛ ۲ تیموتانوس ۲:۱ " یا ممکنست آلوده باشد. " تیطس
 ۱۵:۱ " . میبایست بدون خدشه بماند " اعمال ۱۶:۲۴ " .

حق انتخاب انسان

نیاز تصمیم گرفتن در يك مورد، انسان را در قالب می‌گذارد. خصوصاً در حیطة اخلاق و روحانیت، جدی‌ترین وظیفه وجدان انسانی است.

خدا خیلی روشن حق انتخاب را به انسان داد. و آنرا اصل داوری عدالت قرار داد

« تثنيه ۱۵:۲۰ - ۱۹ ؛ یوشع ۱۵:۲۴ ؛ مکاشفه ۱۲:۲۰-۱۲ »

انسان تصمیم گیری را دوست دارد ولی نمی‌خواهد پیوسته ثمره تصمیم گیریهای اشتباه را تحمل کند.

خدا، والدین، جامعه، رسوم و وقایع مختلف و زمانه را مقصر میدانند تا از خود رفع مسئولیت کرده آنرا بر دوش دیگری بگذارد، برای آنکه براهش | گر چه اشتباه است | ادامه بدهد.

اصول بعضی از مذاهب بر جبر (سرنوشت و تقدیر) استوار است ، یعنی خدایی که اختیار تام دارد و هیچ حق انتخاب حقیقی برای بشر قائل نیست. اما هیچ دلیل قانع کننده‌ای برای چنین تعلیمی نیاورده‌اند. خدا انسانرا برای تصمیم گیری فرا میخواند و میفرماید که اگر انسان از او رو نگرداند هیچ عذری ندارد " رومیان ۱:۲۰ " .

سقوط انسان

متفکرین، هزارها سال پیش تشخیص داده‌اند که انسان به گمراهی کشیده شده است. حتی انواع بخصوص حیوانات نشان می‌دهند که توانایی همزیستی مسالمت آمیز و همکاری در میان نوع خودشان را دارا هستند. چرا انسان می‌کشد، نفرت می‌ورزد، با درنده‌خویی رفتار می‌کند، اجازه می‌دهد دیگران از گرسنگی تلف شوند و بمیرند؟

چرا در بچه‌های کوچکتر بدون آموزش قبلی بدخلقی و خودخواهی دیده می‌شود؟ چرا میبایست کودکان را از اعمال زشت باز داشت و کارهای نیکو را به آنها آموخت؟

تمامی اصول نظری درباره محیط، روابط والدین، نیروی روانی، سیاسی و نظامهای اجتماعی پیشنهاد شده‌اند، اما هنوز کسی نتوانسته موضوعاتش را ثابت کند یا طبیعت انسان را با اصول نظریش پیروزمندانه دگرگون سازد. کتاب مقدس به ما می‌گوید که انسان چطور گمراه شد. اولین انسانها محیطی مطلوب داشتند و انتخاب ناشایستی کردند که همان بی‌اطاعتی از خداست "پیدایش باب ۲". در اینجا بود که گناه وارد جهان شد

" رومیان ۵: ۱۲-۱۹ " ، و با آن سلسله ای از آثار خشم ، (بلافاصله) داوری انجام شد ، زیرا آشکارا انسان گناهکار بود " پیدایش ۲: ۱۶-۲۴ " ، که نتیجه‌اش از دست دادن آن بهشت برین بود و اطمینان به مرگ جسمانی، درد و مشکل برای انسان و نسلهای بعدی او تا به امروز . و این سقوط انسان نامیده شد، نتایج این سقوط برای ما تشریح شده است . در پیدایش ۵: ۶ ؛ ۸: ۲۱ ؛ مزامیر داود ۱۲: ۱-۲ ؛ رومیان ۲: ۱۰-۲۳ و عبارات دیگر. که تا به امروز هم آثار پی در پی در طبیعت انسان دیده می‌شود. گناه بر درك روحانی بشر سایه افکنده است " افسسیان ۴: ۱۸ ؛ ۱ : ۱۴: ۲ " ، قلبی فریبکار بوی بده " ارمیا ۹: ۱۷ " و جسم او را نیز مانند روحش بی حرمت بساز " افسسیان ۲: ۲ " . کتابمقدس عامل تمامی گرفتاریها ، غصه‌ها و شرارت انسان را به گناه نسبت می‌دهد و میگوید که تا عمق طبیعت انسان نفوذ کرده است. این نیز آمده است که خلقت درونی انسان در حسی فیزیکی یا مادی، از رویش خار و خسهایی که در خلقت مواد گیاهی میباشد تا خشوتی چون قانون جنگل تأثیر داشته است.

مسئولیت انسان

انسان در مقابل خدایی که محبت است و حافظ وی میباشد، مسئول است.

خدا ارزش فراوانی برای انسان قائل شد " متی ۲۱:۱۰ " .

و برای او گرانبهاترین، قربانی را مقرر فرمود " یوحنا ۱۶:۲ " .

اهمیت این محبت در رفتار عیسای مسیح دیده شد، چون او برای اورشلیمی گریست که او را ترد کرده بودند " لوقا ۱۹:۴۱ " .

او مایل بود که آنها را نجات بدهد، ولی امتناع می ورزیدند " لوقا ۱۲:۴۲ " .

انسان، مستقل و خود مختار (خودکارا) نیست. گر چه گاهی اینچنین می پندارد، و عمل

مینماید. او از زیر دستهای خالق و نگهدارنده‌ای بیرون آمد که حتی برای کشیدن نفسی به

او وابسته است " ایوب ۴:۲۲ ، ۱۴:۲۴-۱۵ ؛ مزامیر ۱۰۴ : ۲۹-۳۰ ؛ اشعیا ۵:۴۲ " .

انسان میبایست روزی با خالق خود روبرو شود و به وی حساب پس بدهد.

" رومیان ۱۲:۱۴ ؛ عبرانیان ۲۷:۹ " .

در انجیل یوحنا ۳:۲۶ و رساله اول یوحنا ۱۲:۵ برای انتخاب انسان دو راه وجود دارد.

که اختیار انتخاب این دو راه مهم به انسان محول شده است .

سوالات درس چهارم

درک انسان

بسیار مهم است که طبیعت (انسانیت) خودمان را بشناسیم. از کجا آمده‌ایم، چرا هستیم و علت مشکلات ما چیست؟

۱ - اصل انسان (یکی از پاسخهای زیر را انتخاب کنید)

الف : با تکامل تدریجی و ابتدایی‌ترین شکل‌های زندگی است .

ب : سری که نمی توانیم درک کنیم.

ج : از زیر دست خالق خدا بیرون آمده است .

د : قسمت بی آغازی از چرخ هستی است.

۲ - علت وجود و هستی ما (انتخاب کنید)

الف: دست یابی به سرنوشت شخصی خودمان است.

ب: تا عمل بالقوه خود را پرورش دهیم.

ج: تا حدالامکان بتوانیم از زندگی لذت ببریم.

د: تنها خدا را جلال بدهیم

۲ - فعالیت و عملکرد در انسان چیست؟

الف : جسم

ب : جان (روان)

ج : روح

۴ - به نظر شما " شباہت " که در پیدایش ۱:۲۶ و ۱:۵ آمده است، چه مفهومی دارد؟

چگونه شبیه او هستیم ؟

۵ - چه چیز در دنیا بر تأیید این تعلیم کتاب مقدس گواهی می‌دهد که انسان طبیعتاً و بر طبق میل باطنی گناهکار است ؟

۶ - آزادی اراده انسان یا قدرت انتخاب وی:

- الف : توهمی بیش نیست چراکه عزم و رأی خدا والاتر از تمامی قوانین است.
 ب : آنچنان محدود است که در واقع مسئول نیست.
 ج : به انسان این امتیاز داده میشود، که محبت کند و مطیع خدا باشد.
 د : بموجب مقتضیات نابسامان زندگی غیر ممکن میشود.

۷ - معادل مزمور ۱۲۹: ۱۴-۱۶ را به زبان ساده بنویسید.

۸ - چطور آیه های زیر بر حق انتخابی که خدا به انسان عطا فرمود، دلالت دارد و چطور آنرا اساس داوری عادلانه قرار داد؟

" تثنیه ۲۰: ۱۵-۱۹ ؛ یوشع ۱۵: ۲۴ ؛ مکاشفه ۱۲: ۲۰-۱۳ "

۹ - نظر شما چیست؟

مختصراً بنویسید که چه احساس می کنید، مسئولیت شخص شما نسبت به خدا چیست، چطور خدا میتواند از شما راضی باشد و در زندگی شما جلال یابد؟

۱۰ - نظر دیگران چیست؟

این سؤالات را حداقل با سه نفر در این هفته در میان بگذارید. شاید بخواهید چیزی شبیه مطالب ذیل بگویید.

*** من در "اسم شهر" در بررسی مطالب کتاب مقدس همکاری دارم.

آیا شما میتوانید با در میان گذاشتن نظریات خود در مورد سه سؤال مهم به من کمک کنید؟

۱ - انسان از کجا آمد؟

۲ - به چه دلیلی انسان زندگی می کند؟

۳ - فکر می کنید مهمترین تصمیم شما در زندگی چیست؟

از کمک شما بسیار سپاسگزارم. آیا مایل هستید یک نسخه از نتایج بررسی را برای شما ارسال نمایم.

با کمال تشکر***

همانند کننده گروه، اسامی و آدرسها را روی کارت یادداشت کنید. جوابها اگر بر نتایج بررسی مطلوب دلالت دارد، در پشت صفحات مرقوم بشود. بعد کارتها را در جلسه بعدی کلاس بین آنها پخش کنید. همانند کننده، نتایج بررسی را جدول بندی کند و به هر فردی که علاقه نشان داده است ارسال نماید.

درس پنجم

مشکل گناه

چرا شرارت، غصه، رنج، جنگ نفرت در دنیا هست؟

چرا طمع، حسادت، غرور و ظلم هست؟

< چرا > حتی بچه‌های خردسال اعمالی مثل خود خواهی، دروغ، بی اطاعتی را مرتکب

میشوند، بدون آنکه کسی مستقیماً به آنها چنین آموزشی داده باشد، که باعث دل

شکستگی و رنج نزدیکان خود می شوند؟

آیا این ارتباطی با فساد جامعه دارد؟

کتاب مقدس به ما میگوید که قبل از آنکه محیط خارج در انسان تأثیری داشته باشد،

رفتار آدمی از بدو تولد اینچنین تعیین شده است.

" مزمور ۵۱ : ۵ ، ۵۸ : ۴ ."

مشکلات انسان بدون قبول < مشکل گناه > نمی‌تواند بطور صحیح قابل درک باشد.

دیدگاه همگانی نسبت به گناه

گناه چیست؟

در فرهنگ لغات همگانی تعریف این واژه آمده است که یورشی بر ضد قوانین اخلاقی و یا در برابر قوانین خداست. به اندازه کافی واضح است. در اینجا انسان حرکتی را از تعریفی ساده آغاز کرده است تا عقاید عجیب و غریب مختلف (مشروحه زیر را) معرفی نماید.

- ۱ - گناهی نیست. درست و غلط تنها موضوعی برای تداوم حرکت جامعه است.
- ۲ - آنچه باعث آسیب رسیدن به دیگریست ، گناه است. ولی آنچه فردا انجام دهید، در ارتباط با شخص شماست.
- ۳ - وجود رابطه‌ای بین گناه و زشتیها و پلیدیها گوناگون . اینها توسط گروههای مختلف و به طرق گوناگون به چشم میخورد.
- ۴ - گناه پنداری بد و یا داوری اشتباهی است.
- ۵ - گناه خدا را خشنود نمی سازد ولی اهمیتی هم ندارد. همه آنرا انجام می دهند. در ثانی ما انسانیم و انسان جایزالخطا است.

ویشه و نتیجه گناه

اولین مورد گناه ثبت شده، در جایگاه آسمانی انجام شد. فرشته شیطان الوسیفراً آرزوی برابر شدن با خدا را در سر می پروراند. " اشعیاء ۱۴ : ۱۲-۱۴ " .

گناه او ، غرور بود" زکریا ۲۸ : ۱۵-۱۷ " . اینچنین او از جایگاه آسمانی به زیر افکنده شد و به ابلیس مؤسم گشت. و با وسوسه از طریق اولین خانواده انسان، گناه را به دنیا معرفی کرد.

و آن گناه بی اطاعتی از خدا بود " پیدایش ۲ : ۱۶ - ۱۷ : ۲ : ۱ - ۶ " . انسان مسئول گناه خود بود و بر طبق آن نیز داوری شد " پیدایش ۲ : ۱۶ - ۲۴ " .

در کتاب پیدایش باب ۲ مشاهده می گردد که اولین انسان، مشارکت خود را با خدا از دست داد. و محکوم به جدایی از حضور خدا شد. آنها اولین کسانی بودند که ذائقه مرگ جسمانی را چشیدند، که جدایی روح از جسم بود. آنها فوراً مرگ روحانی را تجربه کردند که جدایی جان از مشارکت با خدا بود. آنها حقیقت این عبارت اصولی کتاب مقدس را دریافتند، که "مزد گناه مرگ است" " رومیان ۶ : ۲۳ " .

آن چیزهایی که ما بدست می آوریم و با لیاقتشان را داریم پاداش ماست. جان که مرتکب گناه شد می بایست بمیرد" " حزقیال ۱۸ : ۴ " .

تنها مرگ جریمه گناه است. مرگی که مرگ ثانی را در بردارد " مکاشفه ۲۰ : ۱۴ " که به مفهوم جدایی ابدی از خداست. گناهان انسان در آسمان ثبت شده و به عنوان مبنای داوری محسوب می شود . " مکاشفه ۲۰ : ۱۲ "

پول، نماز خواندن، حضور در کلیسا و کردار خوب، جرم گناه را نمی پوشاند

(آموزش گناه را در بر ندارد)

!!! خدا گناهکاران را دوست دارد و می پذیرد!!!

این حقیقت باور نکردنی است که خدا قدوس است ، و با تمامی نفرتش از گناه ، باز گناهکار را دوست دارد .

لیکن خدا محبت خود را در ما ثابت میکند از اینکه هنگامیکه ما هنوز گناهکار بودیم، مسیح در راه ما مرد .

" رومیان ۵ : ۸ "

و نه آنکه ما خدا را محبت نمودیم بلکه او ما را محبت نمود!

" یوحنا ۴ : ۱۰ "

او محبتش را با فرستادن پسر یگانه اش نشان داد، تا ما را رهایی بخشد!

" یوحنا ۲ : ۱۶ "

خدا با مرگ پسرش برای ما قادر به تفریض بخشش گناهان است !

" اعمال ۱۳ : ۲۸ ؛ افسسیان ۱ : ۷ "

اعتراف به گناه بایست مقدم بر دستیابی حقیقی به بخشش باشد .

مرزور نویس چنین میگوید: " به معصیت خود اعتراف میکنم " مزور ۵۱ : ۲ .

او به جهت پاک شدن نزد خدا اعتراف میکند، و هیچیک از گناهانش را کتمان نکرد .

پسر گمشده با خود گفت : "برخاسته نزد پدر خود میروم و بدو خواهم گفت : ای

پدر به آسمان و به حضور تو گناه کرده ام" " لوقا ۱۵ : ۱۸ "

منجی ما از دو مرد که دعا میکردند، حکایتی نقل کرد . یکی از آنها سرافکنده بود و با

مشت بر سینه خود میکوبید و فریاد میزد: خدایا، بر من گنهکار ترحم فرما . عیسای مسیح

اظهار فرمود که این مرد عادل شمرده شد . " لوقا ۱۸ : ۱۲-۱۴ "

روح قدوس خدا کار میکند تا ما را قلباً نسبت به گناه ملزم سازد .

" یوحنا ۱۶ : ۸ - ۱۱ "

خدا گناهکاران را به توبه فرا می‌خواند

عیسای مسیح فرمود : " نیآمده‌ام تا عادلان بلکه تا عاصیان را به توبه بخوانم " " لوقا ۵ : ۲۲ ."

کار متقاعد سازی روح القدس انسان را به توبه می‌کشانند " یوحنا ۱۶ : ۸ ."
این واژه توبه به مفهوم ساده به معنی " تغییر عقیده " است. در کتاب مقدس، مورد استفاده‌اش مستلزم رشته‌ای از افکار است که به نیت بازگشت از گناه، به قصد بازگشت بسوی خداست. ندای عهدعتیق " بازگشت نمایید " بود " زکریا ۱ : ۲ ."
تنها نیکویی خداست که ما را به توبه می‌کشانند " رومیان ۲ : ۴ ."

گناه عاملی که باعث درد و رنج ، غم و اندوه می‌باشد جایز نیست که کوچک شمرده شود.
" ۲ قرن تیان ۷ : ۹ - ۱۰ ."

توبه (دگرگونی) آنست که ثمره نیکو آورد، نه آنکه تنها حرف تو خالی باشد.

" متی ۲ : ۸ ؛ لوقا ۱۲ : ۲ و ۵ ؛ اعمال رسولان ۲۶ : ۲۰ ."

از ابتدا در مسیحیت مردم را در موعظه‌ها به توبه دعوت میکردند

" اعمال رسولان ۲۸:۲ ؛ ۲ : ۱۹ ؛ ۱۷ : ۳۰ ."

مراسم توبه [تشریفاتی و فرمایشی] ما را به سوی خدا هدایت نمیکند.

بلکه توبه اعترافی آگاهانه نسبت به وضعیت نکبت بار است. توبه نزد خدا

[از طریق ایمان به خداوند ما عیسای مسیح] در عمل پاسخ درستی در برابر خداست

" اعمال ۲۰ : ۲۱ ."

توبه کاری نیست که نجات را به ارمغان بیاورد. این فقط پاسخی به خداست و

اعتراف جدی به گناه و میل به تغییر است " اشعیا ۵۵ : ۷ ."

گر مایل به ملاقات با منجی‌مان باشیم ، مهم است که بدانیم گمشده هستیم.

" لوقا ۱۹ : ۱۰ ."

نیاز به خود آزمایی

در بازگشت به سوی خدا میبایست، از (ریشه این کم‌گشتگی یعنی گناه) توبه نمود.

۱ - آیا تا بحال خودخواه نبوده‌اید؟

۲ - آیا از حسادت و طمع بری بوده‌اید؟

۳ - آیا تا بحال توانائی انجام پیروزمندانه هر نیکوکاری را داشته‌اید؟

۴ - آیا همواره نسبت به همه مهربان و در فکر ایشان بوده‌اید؟

۵ - آیا همواره خدا را با تمامی دل، جان، فکر و توانائی خود محبت نموده‌اید؟

۶ - آیا همواره نسبت به دیگران هم همانند خود محبت داشته‌اید؟

۷ - آیا همواره به کاملی خداوند عیسای مسیح بوده‌اید؟

اگر پاسخ تمامی پرسشهای بالا منفی است، کتاب مقدس شما را جزء گناهکاران بشمار می‌آورد.

اگر کسی از تمام شریعت فقط در یک جزئی از آن خطا ورزد، ملزم تمام شریعت

میباشد " یعقوب ۲ : ۱۰ "

یک خطا هم در برابر کاملیت و قدوسیت خدا انسان را گناهکار به شمار می‌آورد.

خداوند عیسای مسیح به این جهان آمد تا قوم خود را از اسارت گناه رهانی دهد.

" متی ۱ : ۲۱ " قدرت و مجازات گناه هولناک است. تصور مرگ ثانی وحشتناک است.

سراینده مزامیر می نویسد:

خوشا به حال کسیکه عصیان او آمرزیده شد، و گناه وی پوشیده گردید.

خوشا به حال کسیکه خداوند به وی جرمی در حساب نیاورد، و در روح او حيله نمیباشد

مزامیر ۲۲ : ۱ - ۲، چه خوب است انسانیکه ادعا میکند که مسیحی است و در گناه زندگی

می کند، از خود بپرسد، کسیکه از گناهانش آزاد نشده است، از چه چیز

نجات یافته است؟

سوالات درس پنجم

مشکل گناه

پرسشهای زیر ممکن است در روشن شدن بزرگترین مشکل انسان را یاری نمایند..

۱ - پس از بررسی آیات زیر

" متی ۵ : ۲۸ ؛ رومیان ۳ : ۲۲ ؛ یعقوب ۴ : ۱۷ ؛ یوحنا ۳ : ۴ "

تعریف گناه را با عباراتی ساده بنویسید.

اشعیا ۵۲ : ۶ را با عبارتی ساده تعریف کنید.

۲ - طبق اشعیا ۱۴ : ۱۲ - ۱۴ و حزقیال ۲۸ : ۱۵ - ۱۷ سر چشمه گناه در آسمان بود و ریشه‌هایش در

[یکی از پاسخ های زیر را انتخاب کنید] :

الف : غرور

ب : عدم داوری صحیح

ج : تصور اشتباه

۲ - طبق پیدایش ۲ : ۱۷ ؛ ۲ : ۱ - ۶ ریشه اولین گناهی که در زمین انجام شد، عامل آن :

الف : بی ایمانی و نافرمانی

ب : شهوت و مسائل غیر اخلاقی

ج : خشم، ساقط شدن انگیزه پیشرفت

د : تصور اشتباه

۴ - عکس‌العمل خدا در مورد گناه چیست؟ « حبقوق ۱ : ۱۲ »

در عهد عتیق خداوند چه جریمه‌ای را بعوض گناه مقرر فرمود؟ « رومیان ۶ : ۲۲ »

۵ - در کتاب مقدس از مرگ به سه گونه یاد شده است :

الف : مرگ جسمانی (جدایی جان یا روان از بدن)

ب : مرگ روحانی (جدایی روح انسان از روح خدا)

ج : مرگ ثانی (جدایی ابدی روح انسان از روح خدا هنگامیست که روح مرده و مرگ جسمانی انجام میگیرد)

این آیات را با سه نوع مرگ مربوط سازید :

الف : افسسیان ۲ : ۱ - ۲

- مرگ جسمانی

ب : عبرانیان ۹ : ۲۷

- مرگ روحانی

ج : مکاشفه ۲۰ : ۱۱ - ۱۵

- مرگ ثانی

۶ - طبق رومیان ۵ : ۸ ، عیسی مسیح برای چه کسی مُرد ؟

چنانکه در لوقا ۱۸ : ۱۰ - ۱۴ آمده است :

گناهکاران دو گروهند، گروهی میپذیرند که گناهکارند و دیگری نمیپذیرند.

چرا اهمیت دارد که تشخیص بدهیم که گناهکاریم ؟

چگونه و چه وقت خود را نسبت به گناه مقصر دانسته و به نجات‌دهنده نیاز داشته‌اید؟

۱۰ - نظر دیگران چیست؟

این سوالات را حداقل با سه نفر در این هفته در میان بگذارید، شاید بخواهید چیزی شبیه مطالب ذیل بگویید.

*** من در (اسم شهر) در بررسی مطالب کتاب مقدس همکاری دارم. آیا شما می‌توانید با در میان گذاشتن نظریات خود در مورد سه سوال مهم به من کمک کنید؟

۱- به نظر شما، گناه چیست؟

۲- آیا چیزی در روزنامه‌ها یا تلویزیون می‌بینید که دلالت داشته باشد بر اینکه انسان گناهکار است؟

۲- شما فکر می‌کنید خدای عادل برای گناه چه تدبیری می‌اندیشد؟

از کمک شما بسیار سپاسگزاریم. آیا مایل هستید یک نسخه از نتایج بررسی را برای شما ارسال نمایم.

با کمال تشکر ***

همهانگ کننده گروه، اسامی و آدرسها را روی کارت یادداشت کند. اگر جوابها بر نتایج بررسی مطلوب دلالت دارد، در پشت صفحات مرقوم بشود. بعد کارتها را در جلسه بعدی کلاس بین آنها پخش کنید. همهانگ کننده، نتایج بررسی را جدول بندی کند و به هر فردی که علاقه نشان داده است، ارسال نماید.

درس ششم

ماوراء ابدیت

" ولی هنگامیکه انسان می‌میرد، فاسد می‌شود و اثری از او برجا نمی‌ماند."

" ایوب ۱۴ : ۱۰ " افراد

فکوری که فقط با مشاهده تشییع جنازه‌ها ، مجالس ترحیم و آکهی‌های مرگ و میر روزنامه‌ها و محلی ، این آگاهی را می‌یابند و تشخیص می‌دهند که عمرشان بر روی زمین محدود است و قایع فوق این فرصت را برایشان پیش می‌آورد که فکر کنند آیا بعد از این دوره کوتاه زندگی بر روی زمین می‌توانند امیدی به زندگی پس از مرگ داشته باشند. دیگران شاید می‌کنند مرگ را نادیده انگارند، گونی که هیچگاه نخواهند مُرد.

البته ، نادیده انگاشتن مطلبی ، حقیقت را تغییر نمی‌دهد، بلکه تنها خود را از درد فکرکرد [درباره آن موضوع] راحت می‌سازند. در زندگی هر فرد زمانیست که این سؤال برایش پیش می‌آید:

پس از مرگ چه می‌شود؟

نظریات آنها در چندین فصل بوقوع می‌پیوندد.

۱ - نیستی : وقفه‌ای در هستی است. گاهی آنرا " فنا " گویند. "وقتی که مُردید، دیگر

مُرده‌اید".

۲ - تناسخ : آدمی ب خاک رجوع کرده و به شکل دیگری از زندگی تبدیل میشود. و یا در جسم فرد دیگری حلول می کند.

۳ - ارتباط با ارواح : مردگان در دنیای عجیب ارواح زندگی می کنند و شاید در جستجوی افرادی باشند که هنوز بر روی زمین زندگی میکنند تا ارتباطشان را با زمین برقرار نمایند.

۴ - ناشناختنی : حالت بعد از مرگ فوق دانش بشری است. این سؤال پیش میآید که آیا زندگی پس از مرگ وجود دارد یا خیر. بایست منتظر شد و دید. اگر زندگی بعد از مرگ وجود دارد به زندگی خوبمان یا هر سرنوشتی اعتماد کنیم . هیچیک از نظریات فوق نمی توانند کاملاً مطابق تعلیم کتاب مقدس باشند. کتاب مقدس جلوه گر مرگ روشنفکران و هوشیاران ، که در نهایت تصاحب کنندگان این دو جایگاه میباشند. در حضور خدا " ۲ قرنتیمان ۵ : ۸ " در مقام برکت " مکاشفه ۱۴ : ۱۲ " و یا جدایی [ابدی] از خدا در مکان عذاب عظیم " مکاشفه ۲۰ : ۱۰ ، ۱۵ "

رستاخیز از مردگان

واژه رستاخیز به چه " قیام " یا " برخاستن [از مردگان] " میباشد.

پاسخ خداوند عیسی مسیح در آن زمان به منکرین قیامت [صدوقیان] وجود رابطه اسم خدا با مردان بزرگ > که همزمان هم نبوده اند < بود :

او خدای مردگان نیست بلکه خدای زندگان میباشد. " لوقا ۲۰ : ۲۷ - ۲۸ " .

موعظه رسولان بر پایه اعلام قیامت مردگان بود

" اعمال ۱ : ۲۲ ؛ ۲ : ۲ ؛ ۱۷ ؛ ۱۸ ؛ ۲۲ ؛ ۲۳ : ۶ " .

به گفته پولس رسول ، بیشتر از ۵۰۰ نفر شاهد قیام عیسی مسیح بودند

" ۱ قرتیان ۱۵ : ۴ - ۸ " .

و اگر حقیقت نمی داشت به چیزی واهی ایمان داشتند " ۱ قرتیان ۱۵ : ۱۲ - ۱۷ " .

اگر چه حقیقت برجسته کتاب مقدس این است که در قیامت دو گروه هستند که کاملاً

می باشند . و بسیاری از آنانیکه در خاک زمین خوابیده اند ، بیدار خواهند شد ، اما اینان به جهت

حیات جاودانی و آنان به جهت خجالت و حقارت جاودانی .

" دانیال ۱۲ : ۲ " .

" جمیع و بیرون خواهند آمد هر که اعمال نیکو کرد برای قیامت حیات و هر که اعمال بد

کرد بجهت قیامت داوری " یوحنا ۵ : ۲۸ - ۲۹ " .

" که قیامت مردگان از عادلان و ظالمان نیز خواهد شد " اعمال ۲۴ : ۱۵ " .

دو امکان در بررسی داوری خدا هست .

" عبرانیان ۲ : ۶ ؛ ۲۷ : ۹ "

امکان هولناک آن همان داوری ابدی

" یوحنا ۲ : ۱۶ " .

و دیگری حیات ابدی است

و به موجب آن آزادی از محکومیت آن داوری " یوحنا ۵ : ۲۴ ؛ رومیان ۸ : ۱ " .

خط سیر ابدیت

شگفت آوراست که کتاب مقدس کلماتی مانند " ابدیت"، " جاودانگی"، "همیشه یا تا ابدالآباد" را به گونه‌ای تعلیم میدهد که میبایست محدودیتی را دارا باشد. هنوز هم برخی به زبان اصلی کتاب مقدس رجوع می کنند تا تحقیق کرده به اثبات برسانند که این اصطلاحات تنها دوره‌ای بی انتها و مبهم را در بر دارد. استفاده از چنین واژه‌هایی در کتاب مقدس روشن میسازد که محدودیتی در طول زمان ابدیت نیست، حتی اگر سالیان سال چنین ترجمه شود. آیات ذیل روشنگر اینستکه مفاهیم " ابد" و " جاودانی" در موارد استفاده مختلف یکی میباشند.

۱- نسبتهایی به خدا

" جاودانگی خدا"	" رومیان ۱۶ : ۲۶ "
" روح ابدی"	" عبرانیان ۹ : ۱۴ ،
" جلال ابدی"	" ۱ پطرس ۵ : ۱۰ ،
" قدرت بی زوال"	" ۱ تیموتائوس ۶ : ۱۶ ،
" پادشاهی ابدی"	" ۲ پطرس ۱ : ۱۱ .

۲- نسبتهایی به آینده ایمانداران

" فدیة ابدی"	" عبرانیان ۹ : ۱۲ "
" نجات ابدی"	" عبرانیان ۵ : ۹ ،
" حیات جاودانی"	" یوحنا ۲ : ۱۵ ، ۱۶ ، ۳۶ ،
" حیات جاودانی"	" لوقا ۱۸ : ۲۰ ."

۲- نسبتهایی به آینده بی ایمانان

"متی ۱۸ : ۸ ،"	"آتش جاودانی"
"متی ۲۵ : ۴۶ ،"	"مجازات ابدی"
"۲ تسالونیکیان ۱ : ۹ ،"	"هلاکت ابدی"
"یهودا ۷"	"آتش ابدی"

همین مقایسه زمانیست که عبارت "تا ابدالابد" استفاده میشود. و مورد استفاده اش درباره خدا و تخت اوست

"مکاشفه ۴ : ۹ - ۱۰ ، ۱۰ : ۶ ، ۱۵ : ۷"

سلطنت آینده ایمانداران با خداوند

"مکاشفه ۲۲ : ۵ ،"

عذاب دائمی

"مکاشفه ۱۴ : ۱۱ ، ۲۰ : ۱۰"

برخی از واژه‌ها مانند "خرابی" ، "هلاکت" و "فساد" بمعنای "فنا؛ نابودسازی" برداشت شده است.

دیگر آشکار است که ابلیس تباه کننده است "عبرانیان ۲ : ۱۴"

ولی نابود نمی سازد "مکاشفه ۲۰ : ۱۰"

ایمانداران با حرف دیگران ممکنست از پای در نیایند ولی هلاک نمیشوند

"غلاطیان ۵ : ۱۵"

پسر گمشده به خود آمد که هلاک می شود،

بنابراین تسلیم سرنوشت نشد تا آنکه بعنوان يك انسان زندگی کند

"لوقا ۱۵ : ۱۷"

اکثریت هلاک شدگان تا ابد در نابودی اند "۲ تسالونیکیان ۱ : ۹"

اینکه خرابی ابدی است دال بر نابودی هستی نیست.

و از دست دادن تندرستی (سلامت) و خوشی بمعنای از دست دادن هستی (موجودیت) نیست.

شرایط گمشدگان

۱- نقل قولی از خود عیسی‌ای خداوند :

عیسی‌ای خداوند داستان ایلغازِ فقیر و مرد ثروتمند را بیان کرد که برخی بعنوان مثل می‌انگارند

« لوقا ۱۶ : ۱۹ - ۲۱ ».

در حالی که کتاب مقدس از آن بعنوان مثل یاد نمیکند.
اگر چه آنرا، حتی بشکل مثل به حساب آورند [استفاده از زبان اشاره] ، تغییری در محتوای حقیقت امر (نقل قول) [که تعلیم داده شده] ایجاد نمی‌نماید.
تلاش منجی ما از گفتن این داستان برای تعلیم نکات مهم زیر بوده
و ما نیز میکوشیم تا در درسها تفکر و اندیشه کنیم.

در آنجا:

- الف - هستی با مرگ پایان نمی‌یابد.
- ب - انسان به حالت اغماز ، خلسه و بیهوشی نیست.
- و جایی برای خوابیدن [جان و روان] هم نیست.
- ج - نجات همه انسانها نبود.
- د - بخت نویی پیشنهاد نمی‌شد.
- ه - حیات تازه یا بازگشت به زمین نیست.
- و - پایانی بر عذاب یا امیدی برای هالکان نیست.
- ز - جای تطهیر نیست بلکه عذاب جاودان.

۲- طبق تعلیم بعدی عیسای مسیح

وقایع هولناکی که بشرح زیر آمده، همگی توسط کسی تعریف شده که محبت و لای خود را
 [که برترین محبت‌هاست] برای انسان ارزانی کرد، و جان خود را در راه ما نهاد.
 او حقیقت را بسادگی بیان فرمود، به جهت آنانیکه دنیا را غفلتاً
 [در عالم بیخیالی] ترك کرده، و همچنین کسانیکه او را انکار میکنند.

" متی ۲ : ۱۲ : ۱۸ : ۸ :

لوقا ۹ : ۴۸ - ۴۴ "

الف - آتشی که خاموشی ندارد.

" مکاشفه ۱۴ : ۱۱ "

ب - عذاب جاودانی.

" متی ۲۲ : ۱۲ : ۲۵ : ۲۰ :

ج - ظلمت خارجی.

" متی ۱۲ : ۴۲ :

د - گریه و فشار دندان.

متی ۵۰ : ۵۱ - ۲۴ :

لوقا ۱۲ : ۲۸ "

" مکاشفه ۲۰ : ۱۵ "

ه - دریاچه آتش.

اعتراض به تعلیم تنبیه ابدی

اعتراضهایی چند بر این تعلیم [که مورد پسند مردم هم میباشد] وارد آمده است.

۱- این ناسازگاری با محبت خداست.

خداوند میفرماید : به حیات خودم قسم که من از مردن شیر خوش نیستم بلکه (خوش هستم) که شیر از طریق خود بازگشت نموده زنده مانده بازگشت نمایید از طریقهای بد خویش بازگشت نمایید زیرا چرا بمیرید ؟ " حزقیال ۲۲ :

عیسای خداوند شهری که او را رد کرده بود نظاره کرد و بر آن بگریست
" لوقا ۱۹ : ۴۱ "

او براسستی محبت خداست، ولی او نمیتواند [بنام عدالت] کسی را که نجات او را رد کرده باشد، تبرئه نماید.
" اعداد ۱۴ : ۲۸ "

۲ - توسل به ترس انگیزه خوبی نیست.

شاید حقیقت داشته باشد که بهترین انگیزه‌ها محبت خدا یا بهترین آرزوها باشد، همچنین ترس میبایست در مواقع عبادتی و عقوبت جدی آن حتی بتواند پیوسته از ما در مقابل رفتار غلط و قانون شکنی حمایت نماید.
عیسای خداوند بوضوح به ترس از خدا و رسیدن داوری او اشاره مینماید
" متی ۱۰ : ۲۸ "

ابتدای حکمت ترس خداوند است " امثال ۹ : ۱۰ "

سراسر کتب مقدسه حس انسان را به ترس خدا تصحیح و ترغیب مینماید
" ۱ پطرس ۲ : ۱۷ ؛ مکاشفه ۱۴ : ۷ ، ۱۵ : ۴ "

۲ - سختگیری شایسته خدا نیست.

خدایی که انسان را دوست میدارد راه نجات را به او نشان میدهد. و جای تعجب نیست انسانیکه در مقابل پاسخ و رفتار امتناع ورزانه، بهانه جوینانه و طفره آمیزانه اش مینایست در انتظار پاداش نامناسی (داوری شدید) را داشته باشد.

" خود را فریب مسدهید، خدا را نمیتوان استهزا کرد. زیرا که آنچه آدمی بکارد، همانرا درو خواهدکرد"

" غلاطیان ۶ : ۷ "

اهانت به محبت بی پایان و صبر بی نهایت خدا مجازاتی ابدی را بدنبال میآورد.

شرایط رهایی

آخر و عاقبت وضعیت عادلان مقایسه واضحی با مطالب فوق میباشد.

" به حضور تو تمام خوشی است و بدست راست تو لذتها تا ابدالآباد "

" مزامیر ۱۶:۱۱ "

" خوشا بحال کسانی که از این پس بخاطر خداوند میمیرند؟... " " مکاشفه ۱۴:۱۴ "

ایماندار در انتظار شهریست با بنیاد استوار که معمار و سازنده اش خداست.

" عبرانیان ۱۱:۱۰ "

جانیکه برتر از آنست که در فکری بگنجد.

وضعیت ابدی و مسکن ایماندار بدین شرح است:

۱- نزد مسیح است:

من می روم تا مکانی برای شما آماده سازم.... جایی که من هستم شما نیز باشید.

" یوحنا ۲۴ : ۱۷ ؛ مقایسه شود با ؛ ۲ : ۱۴ "

غربت از جسم همانا نزد خداوند متوطن شدن میباشد.

" ۲ قرن تیان ۵ : ۸ "

۲- در بدنی متبدل شده است.

" فیلیپیان ۲ : ۲۱ "

" شباهت بدن اوست ..

" ۱ قرن تیان ۱۵ : ۲۵-۴۴ "

و در نتیجه فسادناپذیر

، ما مثل خداوند شناخته خواهیم شد

" متی ۲۸ : ۹ ، ۱۷ ؛ لوقا ۲۴ : ۲۱ ، ۲۹ ، ۴۰ "

رستاخیز جسمانی آنانیکه در مسیح میباشند، در بازگشت ثانوی مسیح جامه عمل خواهد

پوشید." " ۱ تسالونیکیان ۴ : ۱۵ - ۱۷ "

۲- آنچه دیگر در آنجا نیست .

دیگر مرگ، غصه، اشک، درد و همه آن چیزهایی که زندگی را مشکل و یا انسانرا ناراحت بسازد، نخواهند بود. " مکاشفه ۴ : ۲۱ "

۴- جایی که بی اندازه زیباست.

" شهر از زرناب و مانند شیشه پاک و روشن بود " مکاشفه ۲۱ : ۱۸ - ۲۱ "

به همه سنگهای زینتی آراسته شده بود.

۵- جایی که چیزی نامقدس یا آلوده کننده ، در آن راه نخواهد یافت.

" مکاشفه ۲۱:۲۷ "

گاهی جایگاه نجات یافتگان " اورشلیم جدید " نامیده شده است که ما به آن آسمان میگوییم.

ایماندار یهودی در زمان حیات موقت عیسای مسیح بر روی زمین و پیش از مرگ و رستاخیزش از مردگان آنجا را " فردوس " یا " آغوش ابراهیم " نامید.

هرآنچه آنرا بنامیم ، آرزوی قلبی هر ایماندار است. چنانکه پولس میگوید، "..... و مردن نفع " فیلیپیان ۱ : ۲۱ " .

چقدر عالی بود هنگامیکه عیسای خداوند به دزدی که بر روی صلیب بود و از گناهانش توبه کرد و ایمان آورد، فرمود:

" امروز با من در فردوس خواهی بود " لوقا ۲۲ : ۴۲ .

آیا شما آنجا با او خواهید بود؟

سوالات درس ششم

ماوراء ابدیت

این سؤال مرسوم قدیمی که میگوید: " آیا پس از مرگ، زندگی دوباره وجود دارد " امروزه نیز اهمیت زیادی را دارا میباشد. بعد از مرگ چه میشود؟

۱- کتاب مقدس نشان میدهد که انسان، پس از مرگ آگاهانه در یکی از این دو مکان خود را مییابد، این دو مکان کجا هستند؟

" ۲ قرنیتان ۵ : ۸ ؛ مکاشفه ۲۰ : ۱۰ ، ۱۵ "

۲- بعلاوه کتاب مقدس دلالت دارد بر اینکه مردگان از مرگ قیام خواهند کرد (برمیخیزند).
دو سرنوشت گوناگون انسان را توضیح دهید. « دانیال ۲: ۱۲ ؛ یوحنا ۵: ۲۸-۲۹ ؛ اعمال ۱۵: ۲۴ »

۳- تفسیر آیات زیر را انشاء نمایند. « یوحنا ۲ : ۱۶ ؛ ۲ تسالونیکیان ۱ : ۸-۹ »

۴- سیرابدیت کی پایان می پذیرد؟ آیا تجسم خود را می توانید بیان نمایند؟

۵- عیسی‌ای مسیح دربارهٔ مردی که به جهنم رفت، صحبت کرد. " لوقا ۱۶ : ۱۹ - ۲۱ ". طبق این گفته، کدامیک از پاسخهای زیر درست میباشد (یکی از آنها را انتخاب کنید)؟

- الف: هنگامیکه انسان میمیرد، بسادگی از هستی وجود ساقط میشود .
- ب : انسان مرده حالت اغماء یا بی اختیاری را تجربه مینماید. (جانش در خواب است)
- ج : جهنم جای واهی و خیالی نبوده و عذابش همیشگی است.
- د : همهٔ انسانها نجات مییابند.
- ه : انسانیکه به جهنم میرود، فرصتی دیگر نیز بوی داده خواهد شد.

۶- کدامیک از پاسخهای زیر را عیسی‌ای مسیح برای توضیح جهنم بکار برد؟
[یکی را انتخاب کنید]

- الف : آتشی خاموش ناپذیر.
- ب : عذاب ابدی.
- ج : ظلمت خارجی.
- د : شیون و فشار دندان.
- ه : تطهیر موقتی (برزخ)
- و : دریاچه آتش

۷- به ایرادهای زیر چگونه پاسخ می‌دهید.

- الف: تعلیم جهنم با محبت خدا ناسازگار است.
 ب: این تعلیم متوسل به ترس میشود.
 ج: چنین سخت‌گیری از جانب خدا انصاف نیست.

۸- کتاب مقدس آینده ایماندار را در بهشت توصیف مینماید.
 [یکی از پاسخها را انتخاب کنید]

- الف: تاابد با مسیح بودن.
 ب: در بدن مبدل شده زیستن.
 ج: آزاد شدن از غصه و درد.
 د: حضور در جایی که هیچ ناپاکی در آن وارد نمیشود.
 ه: همه جوابهای فوق.
 و: الف و ج

۹- شما چه می‌گویید؟

آیا هیچگاه در تجربه روحانی به آنجایی رسیده‌اید که با اطمینان بدانید
 اگر امشب مُردید، به بهشت خواهید رفت؟ توضیح دهید.

۱۰- نظر دیگران چیست؟

.....

.....

.....

.....

این سوالات را حداقل با سه نفر در این هفته در میان بگذارید. شاید بخواهید چیزی شنبه مطالب ذیل بگویید.

"من در (اسم شهر) در بررسی مطالب کتاب مقدس همکاری دارم.

آیا شما میتوانید با در میان گذاشتن نظریات خود در مورد سه سوال مهم به من کمک کنید؟

۱- به نظر شما وقتی کسی میمیرد چه اتفاقی برایش میافتد؟

۲- واژه‌های **بهشت** و **جهنم** به معنای چیست؟

۳- اگر میتوانستید درباره زندگی پس از مرگ سوالی را مطرح کنید، که پاسخ آن شما را قانع کند، چه می پرسیدید؟

از کمک شما بسیار سپاسگزاریم، آیا مایل هستید یک نسخه از نتایج بررسی را برای شما ارسال نمایم.

با کمال تشکر"

همانگ کننده گروه، اسامی و آدرسها را روی کارت یادداشت کند. اگر جوابها بر نتایج بررسی مطلوب دلالت دارد، در پشت صفحات مرقوم بشود. بعد کارتها را در جلسه بعدی کلاس بین آنها پخش کنید. همانگ کننده نتایج بررسی را جدول بندی کند و به هر فردی که علاقه نشان داده است، ارسال نماید.

درس هفتم

عیسایا ، مسیح موعود

طرح نقشه خدا جهت آموزش گناه بشر!

زن سامری بدو گفت : " میدانم که مسیح یعنی مسح شده خدا [تعیین یا تأیید شده بمنظور پادشاهی] می آید."

عیسایا گفت : " من که با تو سخن می گویم همانم ". " یوحنا ۴: ۲۵-۲۶ "

پیش از آن ماهیگیری جلیلی به برادرش گفت : " مسیح را که ترجمه آن کریستوس است ، یافتیم ". " یوحنا ۱: ۴۲ "

او با برقراری پادشاهی ابدی خود عدالت جاودانی را خواهد آورد. " دانیال ۹: ۲۴ ". عیسایا ناصری حدود ۲۰۰۰ سال پیش متولد شد و تولد او نقطه عطف تمامی تاریخ بشر است. در آن زمان بوسیله عهدعتیق بعنوان مسیح موعود شناخته شد.

او بعنوان :.....

۱- پادشاه موعود و رهاننده قوم یهود " ۲ سمونیل ۱۱: ۷-۱۲ "

۲- خدا او را فرستاد تا نجات دهنده جهان باشد " لوقا ۱۱: ۲ ؛ یوحنا ۴: ۲۲ "

۳- خدا با ما (عمانوییل ، ایمانوییل) ، منجی آسمانی

" متی ۱: ۲۲ ؛ اشعیا ۷: ۱۴ "

..... آمد

نبوت‌هایی درباره عیسی مسیح

اهمیت عیسی مسیح (عیسی ماشیح) زندگی او و تأثیر او بر تاریخ دنیا انکار ناپذیر است. شواهد بسیاری که در عهدعتیق مدتها پیش از تولد وی نگاشته شده است گواه بر "مسیح بودن" وی می‌باشد.

- ۱- ذریت زن " پیدایش ۱۵:۲ ؛ غلاطیان ۴:۴ ."
 - ۲- تولد در بیت‌لحم " میکا ۲:۵ ؛ متی ۱:۲ ، ۲:۶ ."
 - ۳- تولدش از باکره " اشعیا ۱۴:۷ ؛ متی ۱۸:۱ ، ۲۵-۲۳ ."
 - ۴- آماده سازی راه خدا " اشعیا ۴۰:۳ ؛ متی ۳-۱:۳ ."
 - ۵- ورود او به اورشلیم " زکریا ۹:۹ ؛ لوقا ۱۹-۲۵:۲۸ ."
 - ۶- طرد شدن او " اشعیا ۴:۵۲ ؛ مزامیر ۸:۶۹ ؛ یوحنا ۵:۷ ، ۱۵:۱۹ ."
 - ۷- خیانت نسبت به وی " زکریا ۱۲:۱۱ ؛ متی ۲۶:۱۴-۱۵ ."
 - ۸- ضربت خورده و آب دهان بر وی افکنده شده " اشعیا ۵۰:۶ ؛ متی ۲۶:۶۷ ."
 - ۹- برای گناه دیگران زحمت دیده " اشعیا ۵۳:۵ ؛ ۱ پطرس ۲:۲۴ ؛ ۱۸:۲ ."
 - ۱۰- روی صلیب می‌خکوب و نیزه زده شده " مزامیر ۱۶:۴۲ ؛ زکریا ۱۰:۱۲ ؛ یوحنا ۱۹:۲۴ ، ۲۷ ."
 - ۱۱- دعا برای دشمنان " اشعیا ۵۲:۱۲ ؛ لوقا ۲۴:۲۳ ."
 - ۱۲- با جنایتکاران مصلوب شده " اشعیا ۵۳:۹ ، ۱۲ ؛ متی ۲۷:۲۸ ."
 - ۱۳- در آرامگاه دولتمندی خاکسپاری شده " اشعیا ۵۳:۹ ؛ متی ۲۷:۵۷-۶۰ ."
 - ۱۴- رستاخیز از مردگان " مزامیر ۸:۱۰-۱۶ ؛ لوقا ۲۴:۴۶ ؛ اعمال ۱۳-۲۲:۲۵ ."
- همینطور نبوت کتاب مقدس از بازگشت ثانوی او
- " مزامیر داود ۲:۵۰-۶ ؛ دانیال ۱۲:۷ ؛ زکریا ۱۰:۱۲ ، ۱۴:۴ ."

بعلاوه بسیاری از مراجع عهد جدید، فرمانروایی او را بر تمامی جهان پیشگویی کرده‌اند

" ۱ تواریخ ۱۱:۱۷-۱۴ ؛ اشعیا ۷:۹ ؛ دانیال ۱۴:۷ ؛ مزامیر ۲:۸-۸ ، ۶:۷-۷ ، ۸:۷۲ ، ۱۱۰-۱:۳ ."

عناوین عیسی مسیح

عیسای خداوند سه عنوان بزرگ خدایی را بگونه‌ای بی همتا در خود بطور واحد داشت.

۱- او پیامبر است

او از همه والاتر است " مرقس ۴: ۶ ؛ اعمال رسولان ۲۲: ۳
 او همان کسی بود که موسی از او سخن گفت " تثنیه ۱۸: ۱۵-۱۹ "

۲- او کاهن اعظم است .

او در برابر پدر شفاعت انسانها را کرد و برای آنها دعا کرد
 " عبرانیان ۴: ۱۴-۱۶ ، ۲۵: ۷ " . در ۱ سمونیل ۲: ۲۵ از او سخن به میان آمده است.

۳- او یک پادشاه است ،

پادشاه پادشاهان " مکاشفه ۱۶: ۱۹ " . در ابتدا او به عنوان پادشاه یهودیان آمد

" یوحنا ۱۹: ۱۹ "

امروزه او در قلوب مردمش پادشاه است. و در بازگشت موعودش هرکس (هر زبانی) او را

اقرار خواهد کرد

" فیلیپیان ۲: ۹-۱۰ "

الوهیت عیسی مسیح

کتاب مقدس اعلان میکند که عیسی مسیح خدا بود که در جسم آشکار شد^۱ تیموتائوس ۱:۲-۱۶
 او دقیقاً شبیه خدای نادیده است " کولسیان ۱:۱۵ "
 چقدر شگفت انگیز بود که " خدای زنده در جسم ظاهر شد " " یوحنا ۱:۱، ۱۴ ."
 و چقدر غم انگیز بود که " او در جهان بود، و جهان او را شناخت " " یوحنا ۱:۱۰ ."
 لازم بود که خدا ما را نجات بخشد . تنها او این قدرت را داشت . " من یهوه هستم و غیر از من
 نجات دهنده‌ای نیست " اشعیا ۴۲:۱۱ ."
 او بعنوان عیسی ناصری آمد تا " خدای " عظیم و نجات دهنده ما باشد " تیطوس ۲:۱۲ ."
 مریم گفت : روح من به رهاننده من خدا به وجد آمد " لوقا ۱:۴۷ "
 او پسری را که دنیا آورد خدا و نجات دهنده‌اش بود. مراجع زیادی در کتاب مقدس هست که از
 عیسی مسیح بعنوان خدا یاد میکند.

۱- مستقیماً خدا نامیده شد " یوحنا ۱:۱، ۱۴ ، ۲۸:۲۰ ، رومیان ۵:۹ ، ۲:۱ پطرس ۱:۱ ؛
 ۱ یوحنا ۲:۵ "

پدر پسر را بعنوان خدا مورد خطاب قرار میدهد " عبرانیان ۸:۱ ."

۲- او پسر خدا نامیده شده است .

شنوندگانش بوضوح متوجه این ادعای او شدند که " او خداست " " یوحنا ۱۰:۲۲-۲۶ ."
 از واژه " پسر خدا " کمتر استفاده می شده است.
 ولی او یگانه (یکتای) پسر خداست " یوحنا ۱:۱۴ ، ۱۸ ."

۲- همه پُری خدا در او ساکن است " کولسیان ۱:۱۹ ، ۹:۲ "

از خدا کمتر نیست .

۴- او اسامی خدا را دز بر دارد.

او " الف و یا " نامیده شده است ،

اول و آخر ، آغاز و انتها " مکاشفه ۱۲:۲۲ ، ۸:۱ ، ۱۷ ؛ اشعیاء ۶:۴۴ "

او " من هستم " است . " یوحنا ۲۴:۸ ، ۵۸ ؛ خروج ۱۴:۲۰ "

وقتیکه عیسای مسیح درباره خود میفرماید:

" من هستم " او در واقع الوهیت خود را اینچنین افشاء نموده است.

۵- او چون خدا پرستیده شده است

" متی ۲۲:۱۴ ؛ یوحنا ۲۸:۲۰ ؛ فیلیپیان ۱۰:۲ ؛ عبرانیان ۶:۱ ؛ اشعیاء ۲۳:۴۵ "

خدا فقط شایسته پرستش است " متی ۱۰:۴ ؛ مکاشفه ۸:۲۲-۹ . "

۶- او میبایست همچون خدا مورد احترام باشد " یوحنا ۲۲:۵ "

خدا جلال خود را به دیگری نمیدهد " اشعیاء ۸:۴۲ . "

۷- او دارای مقامات الهی است " کولسیان ۱۶:۱-۱۷ ؛ عبرانیان ۲:۱ ، ۱۰ . "

او داور همگان است " یوحنا ۲۲:۵ . "

او بخشاینده گناهان است " متی ۶:۲۹-۶ ، "

حالا تنها خدا این کار را انجام میدهد " اشعیاء ۲۵:۴۳ "

۸- او در درون خود حیات داشت " یوحنا ۲۶:۵ . "

او به دیگران حیات می بخشد، حال آنکه خود منشاء حیات است (قائم به ذات)

۹- او همه صفات الهی را داراست .

او تغیر ناپذیر است " عبرانیان ۸:۱۲ " .

او قادر مطلق است " مکاشفه ۸:۱ " ،

همه جا حاضر است " متی ۲۰:۲۸ " ،

بر همه چیز داناست " یوحنا ۱۷:۲۱ " ،

ابدی است " میکاه ۲:۵ ؛ ۱ تیموتائوس ۱۶:۱-۱۷ " .

و او [همه] دیگر صفات الهی را نیز داراست .

۱۰- او کارهای خدا را به انجام رسانید .

عناصر طبیعی فرمانبردار او بودند " متی ۲۶:۸-۲۷ ؛ مرقس ۴:۲۹-۴۱ " .

با اندک غذا توده مردم را غذا داد " متی ۱۴:۱۹-۲۱ ، ۱۵:۲۶-۲۸ " .

او مردگان را بز خیزانید " یوحنا ۱۱:۲۲-۴۴ ؛ لوقا ۷:۱۲-۱۶ " .

هویت انسانی عیسی مسیح

اگرچه او کاملاً خدا بود . " شخص عیسی مسیح " نیز بود " ۱ تیموتائوس ۲:۵ " .

عیسی مسیح اغلب از خود به عنوان پسر انسان یاد میکرد .

او هویت انسانی را در همه چیز بجز گناه بر خود گرفت تا شبیه ما بشود .

او احساسات ما را تجربه کرد [گرسنه شد ، تشنه شد ، رنج برد ، گریه کرد و خسته شد .

شیطان او را تجربه کرد " متی ۱:۴-۱۱ " .

او رنج برد ، خون وی ریخته شد ، مُرد ، دفن شد و از مُردگان قیام کرد .

او با مردم عادی تفاوت داشت . لیکن او انسانی [باشخصیت والا] کامل بود .

۱- او والدین انسانی داشت ، از نسل داوود پادشاه اسرائیل و می توان نسل انسانی او را تا به آدم پیگیری کرد " لوقا ۲۲:۲-۲۸ " ،
 گرچه توسط روح القدس از باکره متولد شد " متی ۱۸:۱-۲۲ " .

۲- او بدنی طبیعی داشت و در مقام مقایسه شبیه دیگران بود " رومیان ۲:۸ ؛ یوحنا ۹:۴ " .
 او طبق رسم طبیعی انسان رشد کرد " لوقا ۴:۲ ، ۵:۲ " ،
 ولی زندگی او خالی از گناه بود " عبرانیان ۱۵:۴ "

۳- او وجودی سه گانه بود، مثل دیگران ، او یک بدن داشت " عبرانیان ۵:۱۰ " .
 یک جان " متی ۲۸:۲۶ " و یک روح " لوقا ۴۶:۲۲ " ،
 ولی او الوهیت خود را بشکل پرطنینی ارانه داد و چگونگی مشارکت درونی و قلبی خود را با پدر آسمانی ، که هیچ انسانی از آن بزرگوار نبود .
 بسیاری از سخنان او را میتوان تنها از دیدگاهای انسانیش درک نمود . فریاد او بر روی صلیب
 " متی ۴۶:۲۷ " و مرگ آنچنانیش مهمترین سؤالی که عیسای مسیح از انسانها پرسید این بود
 که : پس چه کسی به شما گفت که " من هستم " " متی ۱۵:۱۶ " ؟
 و او همچنین می گوید که شما در گناهان خود خواهید مُرد ، اگر از طریق صحیحی بمن ایمان
 نیاورید " یوحنا ۸ : ۲۴ " .

شما عیسای مسیح را چه کسی میدانید؟

سوالات درس هفتم

مسیح

عیسای مسیح پرسید : شما مرا چه کسی می دانید؟

حانز اهمیت است که انسان او وهویتش را اعتراف کند

۱- زن سامری در انتظار چه کسی بود تا برایش حقیقت خدا را آشکار نماید «یوحنا ۴: ۲۵»؟

عیسی چطور به گفته او (زن سامری) پاسخ داد « یوحنا ۴: ۲۶ » ؟

۲- آمدن مسیح (در ترجمه یونانی " کریستس " آمده است) . صدها سال قبل از

نوشته های عهدعتیق پیشگویی شد. آیات ذیل را که در سمت چپ هستند با نبوتهای سمت

راست مقایسه نمایند.

الف - اشعیا ۱۴: ۷ ؛ متی ۱۸: ۱ ، ۲۳-۲۵

- تولد در بیت لحم

ب - اشعیا ۴۰: ۳ ؛ متی ۲: ۱

- تولد وی از باکره

ج - اشعیا ۵۳: ۵ ؛ اپطرس ۲: ۲۴ ؛ ۱۸: ۳

- منادیانش

د - اشعیا ۹: ۵۲ ، ۱۲ ؛ متی ۲۷: ۲۸

- ورودش به اورشلیم

ه - اشعیا ۹: ۵۲ ؛ متی ۲۷: ۵۷ ، ۶۰

- تسلیم کردن وی

و - میکا ۴: ۵ ؛ متی ۱: ۲ ، ۶-۷

- رنج کشیدن از گناهان دیگران

ز - مزامیر ۱۶: ۸-۱۰ ؛ لوقا ۲۴: ۲۶ ؛ اعمال ۱۲: ۲۳-۲۵

- میخکوب شدن بر روی صلیب

ح - مزامیر ۱۶: ۲۲ ؛ زکریا ۱۰: ۱۲ ؛ یوحنا ۱۹: ۳۴ ، ۳۷

- مصلوب شدن با تبهکاران (مجرمین)

ط - زکریا ۹: ۹ ؛ لوقا ۱۹: ۳۵-۳۸

- مدفون شدن در آرامگاه يك دولتمند

ی - زکریا ۱۲: ۱۱ ؛ متی ۱۰: ۴ ، ۲۶-۱۴-۱۵

- قیام از مُردگان

۲- سه وظیفه مهم مسیح (کریستس) را پیدا کنید:

الف - تثنيه ۱۵:۱۸ - ۱۹ ؛ مرقس ۴:۶

ب - ۱ سمونیل ۲:۲۵ ؛ عبرانیان ۴:۱۴-۱۶ ، ۷:۲۵

ج - مکاشفه ۱۶:۱۹ ؛ یوحنا ۱۹:۱۹ ؛ فیلیپیان ۲:۹-۱۰

۴ - عیسای مسیح زمانیکه بر روی زمین میزیست از چه لحاظ شبیه دیگر مردمان بود؟

چه چیز شما را کمک میکند تا بفهمید که عیسای مسیح تجربه احساسات مردمان عادی را داشت.

عیسای مسیح زمانیکه بر روی زمین میزیست چه تفاوتی با دیگر مردمان داشت (برطبق آیات ذیل)

متی ۲۳:۱

یوحنا ۸:۶

یوحنا ۷:۶

مرقس ۴:۲۷-۴۱

لوقا ۲۲:۷

۵ - کدامیک از صفات الوهیت عیسای مسیح در آیات مشروحه زیر نوشته شده است .

متی ۲۰:۲۸

مرقس ۲:۵-۷

۱ تیموتائوس ۱:۱۷

عبرانیان ۱۲:۸

مکاشفه ۱:۸

۶ - جواب درست یا غلط را با دایره‌ای مشخص کنید. یکی از جوابها را انتخاب کنید (

الف - خدای پدر عیسای مسیح را بعنوان خدا خطاب می‌سازد. " عبرانیان ۸:۱ " (درست یا غلط)

ب - عیسای مسیح به مردم اجازه نمی‌داد تا او را بپرستند. " متی ۲۲:۱۴ ؛ یوحنا ۲۰:۲۸-۲۹ "

(درست یا غلط)

ج - خداوند عیسای هیچگاه ادعا نکرد که خداست. " یوحنا ۸:۵۸ ، ۱۰:۲۰ " (درست یا غلط)

- ۷- زمانیکه عیسی مسیح بر روی زمین متولد شد (یکی از جوابها را انتخاب کنید)
- الف - زمانیکه انسان شد (جسم پوشید) از خدا بودن باز ایستاد.
- ب - او در شخص خودش انسانیت و الوهیت هر دو را به هم پیوست.
- ج - او در حقیقت انسان نبود ، چون او خدا بود.
- د - پدر حقیقی وی یوسف بود همانطور که مادر حقیقی اش مریم بود.
- ۸ - تفسیر کنید (آنچه را یاد گرفتید بنویسید) " یوحنا ۱: ۱-۲ ، ۱۴ " .

۹- شما چه می گوئید؟

نامه پولس رسول به " فیلیپیان ۲ : ۹-۱۱ " بیان میکند که هر مخلوقی در زمانی در آینده زانو زده خَم خواهد شد.

چه زمانی و چگونه شما در زندگیتان اینکار را انجام خواهید داد؟

۱۰- نظر دیگران چیست؟

این پرسشها را حداقل با سه نفر در این هفته در میان بگذارید، شاید بخواهید چیزی شبیه مطالب ذیل بگویید.

*** من در " اسم شهر " در بررسی مطالب کتاب مقدس همکاری دارم.

آیا شما می توانید با در میان گذاشتن نظریات خود در مورد سه سؤال مهم به من کمک کنید؟

۱- عیسای مسیح کیست؟

۲- کتاب مقدس تعلیم می دهد که خدا انسان شد. اگر به شما این فرصت داده بشود که با او

باشید، انتظار دارید او چه شباهتی داشته باشد؟

۳- آیا ادعای " پسر خدا " و " خدای پسر " برای شما به یک مفهوم است؟ لطفاً شرح بدهید.

از کمک شما بسیار سپاسگزارم.

آیا مایل هستید نسخه‌ای از نتایج بررسی را برای شما ارسال نمایم؟

با کمال تشکر***

همانگ کننده گروه اسامی و آدرسها را روی کارت یادداشت کند. اگر جوابها بر نتایج بررسی

مطلوب دلالت دارد، در پشت صفحات مرقوم بشود. سپس کارتها را در جلسه بعدی کلاس بین آنها

پخش کند. همانگ کننده نتایج بررسی را جدول بندی کند و به هر فردی که علاقه نشان داده

است، ارسال نماید.

درس هشتم

مفهوم صلیب

صلیب بزرگترین نشانه ایمان مسیحی است. روی صلیب نجات دهنده ما مزد. موعظه صلیب را خدا مقرر فرمود " ۱ قرتیان ۱: ۱۷-۱۸ " .

میلیونها نفر بر این باورند که مسیح بر روی صلیب بخاطر گناهان ما مرد.

اما این به چه مفهوم است؟

چرا اینکار لازم بود؟

چه چیز آنرا به انجام رسانید؟

این پرسشها اغلب معترفین به مسیحی بودن را در سردرگمی نگه میدارد.

لازمه صلیب

چرا مردن مسیح بر روی صلیب لازم بود؟

۱- خدا عادل و قُدس است " ۱ پطرس ۱:۱۶ ؛ اشعیا ۲:۲۶-۲۰ " .

هر آنچه آلوده کننده باشد نمی تواند در حضور او داخل شود " مکاشفه ۲۱:۲۷ " .

۲- گناه باید داوری شود " رومیان ۱۲:۲-۱۲ " .

به هیچ وجه خدا نمی تواند گناهکار را بدون مجازات رها سازد " خروج ۷:۲۴ ؛ ایوب ۱۰:۱۴ " .

همه دنیا در برابر خدا گناهکار است " رومیان ۱۹:۲ " .

مزد گناه مرگ است " رومیان ۲۲:۶ " .

جریمه می بایست پرداخت بشود . مشکل خدا این بود که چطور دروناً عادل باشد و در عین حال

گناهکار را داوری نماید " رومیان ۲۶:۲ " .

چطور عدالت و حقیقت خدا توانست با ترحم او وفق داده بشود؟

بنیاد جانشین سازی (جایگزینی)

زمانیکه کسی یا چیزی جای چیز یا کسی دیگر را بگیرد، این کار را جایگزینی (جانشین سازی ، نیابت و یا کفالت) نامیده میشود .

جایگزینی حیوانات [بی گناه ، بی عیب] به نیابت گناهکار شکلی از دستیابی به خدا در عهدعتیق بود .

بره قربانی (برهٔ پَسَح) فدا میشد، تا پوششی در برابر داوری خدا باشد

" خروج ۱۲:۳-۱۷ "

براساس این پیمان میلیونها قربانی به خدا تقدیم می شد. چنین هدایایی [فدیهِ سَرَبها و یا خون بها] سبب آشتی گشته و " کفارهِ " نامیده شد " لایان ۱۰:۵ " و بدین معناست که گناه با مرگ قربانی [حیوانی] بی گناه پوشیده شد .

کفارهِ = پوشش

حائز اهمیت است تا گفته شود که یحیای تعمیددهنده در ملاءم عیسای مسیح را به

عنوان " بره خدا " که گناه جهان را بر می دارد " مورد خطاب قرار داد

" یوحنا ۱:۲۹ "

او عیسا را کسی دید که آن قربانی حقیقی وقف شده می بود که از ازل تعیین شده ، قبلاً همه قربانیها تا آن روز موعود [جمعة الصلیب] بوی اشاره می کردند .

او یگانه و آخرین جایگزین حقیقی قربانیهای گذشته می بود، انبیاء به وضوح پیشگویی

کردند که خدا مسیح موعود را بخاطر گناهان دیگران واگذارد و بنابراین او همه داوری را متحمل شد " اشعیا ۵۲:۶-۷ " .

نبض بشارت ایمانداران مسیحی در اعلام اینستکه " طبق پیشگویی کتاب

" ا قرتیان ۱۵:۲ "

مقدس مسیح برای گناهان ما مُرد "

کتاب مقدس را [که تعلیم دهنده جایگزینی مرگ می‌باشد] میبایست با دقت مورد مطالعه قرارداد

" رومیان ۸:۵-۸ ؛ ۱ پطرس ۲:۲ ، ۱۸:۲ ."

نجات دهنده جای گناهکار را گرفت.

عادل جای ناعادل را گرفت.

بیگناه جای مجرم را گرفت.

مرگ عیسا تنها يك نمونه اخلاق و فداکاری نبود، بلکه :

گناهان ما آنرا مطالبه میکرد. " رومیان ۲۵:۴ ."

برحسب تدبیر خدا بود " اعمال ۲۲:۲ ."

او مایل بود که قربانی بشود و هیچ کس زندگیش را از او نگرفت " یوحنا ۱۰:۱۷-۱۸ ."

او خود را برای ما داد " غلاطیان ۴:۱ ."

بخاطر ما گناه شد " ۲ قرنتیان ۵:۲۱ ."

بخاطر ما لعنت شد " غلاطیان ۱۲:۳ ."

بنابراین عیسا ما را خرید، یا باز خرید کرد " ۱ پطرس ۱:۱۸-۱۹ ؛ متی ۲۸:۲۰ ."

او با خورش بر روی صلیب سلامتی را آورد " کولسیان ۲۰:۱ ."

گناهکار تبرئه شد، یا عادل شمرده شد، و با مرگ عیسا با خدا آشتی داده شد

" رومیان ۹:۵-۱۰ ."

فضایل قربانی

واژه قربانی در کتاب مقدس به کرات مورد استفاده واقع شده است و بگونه‌ای هسته مرکزی خبر انجیل (مژده) را در مسیحیت تشکیل میدهد. مرگ قربانی وار عیسی مسیح را میباید به طریق‌های مشروح زیر بررسی کرد.

۱ - قربانی خون " عبرانیان ۲۲:۹ "

بدون ریختن خون ، آموزش یا بخشش گناهان میسر نیست.

۲ - قربانی انسان " عبرانیان ۱۲:۹-۱۴ ، ۴:۱۰ "

برای جلب رضایت عدالت خدا تنها راه ممکنه آنستکه انسانی بجای انسان دیگری بمیرد.

۳ - بیگناهی قربانی " عبرانیان ۱۵:۴ ؛ اپطرس ۱۹:۱ ؛ یوحنا ۲۹:۸ ، ۴۶ " "

فردی بدون گناه می تواند برای گناهان دیگری بمیرد.

قربانی شونده (نایب المحکوم) به جهت اعدام میبایست از هر جهت شایسته ، پاک ، بیعیب و از هر گناه بری باشد.

۴ - قربانی الهی " عبرانیان ۲-۱:۱ ؛ کولسیان ۹-۸:۲ ؛ ۲ قرنتیان ۱۹:۵ " "

او گناهان ما را پاک میسازد.

کسی جز خدا نمی تواند این کار را انجام بدهد " اشعیا ۲۵:۴۲ " "

۵ - قربانی محبت " افسسیان ۲۵:۵ ؛ مکاشفه ۵:۱ " "

صلیب بیانگر شدت محبت خدا برای بخشش گناهان آدمیست.

۶ - کفایت قربانی " ۱ یوحنا ۲:۲ ؛ عبرانیان ۱۰:۱۰ " "

بخاطر لیاقت و شایستگی عیسی مسیح جوابگوی هر ادعایی که به انجام عدالت و داوری مربوط میشد بر آن پیروزمندانه و سرافراز چیره شد.

کار انجام شده

عیسا به پدر گفت " کاری را که به من سپردی تا بکنم بانجام رسانیدم " یوحنا ۴:۱۷ ."

روی صلیب جمله " تمام شد " ، آخرین فریاد پیروزمندانۀ او بود " یوحنا ۱۹:۳۰ ."

کار بزرگ او چه بود که برای پایان رساندنش آمد؟

زیرا پسر انسان آمد تا گمشده را بجوید و نجات بخشد " لوقا ۱۰:۱۹ ."

پدر پسر را فرستاد تا نجات دهنده جهان بشود " ۱ یوحنا ۴:۱۴ ."

[مأموریتش این بود] که امت خویش را از گناهانشان برهاند " متی ۲۱:۱ ."

توجه کنید که تا چه اندازه کار محوله خود را به نحو شایسته‌ای به اتمام رسانید.

۱- او تمامی جریمۀ انسان را پرداخت کرد " رومیان ۴:۲۸-۴ ."

۲- ما را عادل می‌شمارد، از هر آنچه که با شریعت موسا برایمان غیرممکن بود

تا عادل شمرده شویم " اعمال ۱۳:۲۹ ."

۳- او ما را از تمامی محکومیتهای موجود آزاد ساخت " رومیان ۸:۱ ."

۴- عدالت و تقدسش او را خوشنود ساخت " مزامیر ۱۰:۸۵ ."

۵- کار او بر صلیب برای نجات همه گناهکاران کافی است

" ۱ یوحنا ۲:۲ ؛ یوحنا ۱:۲۹ ، ۲۲:۱۲ ."

او نمیتواند کسی را نجات دهد، مگر آنکه انسان برای دریافت نجات به سوی او بیاید

" متی ۲۷:۲۲ ."

۶- او يك قربانی برای گناهان بشر تا ابدالآباد گذرانید

اثبات قبولی

کلیسای اولیه پیوسته اعلام کرد که خدا عیسا را از مردگان برخیزانید. بر این اساس

انسانها به ایمان بدو خوانده شدند " اعمال ۲: ۲۴، ۲۶، ۱۵: ۲ ، ۴۰: ۱۰ ."

۱ - او طبق کُتب مُقدَّسه قیام کرد " ۱ قرتیان ۴: ۱۵ " او با انجام کار، نبوت به

تعویق افتاده هزار ساله‌ای را به اجرا در آورد " مزامیر ۱۰: ۱۶ ؛ اعمال ۲۷-۲۵: ۱۲ "

۲ - او طبق وعده‌اش قیام کرد " متی ۴۰-۳۹: ۱۲ ، ۲۱: ۱۶ ؛ لوقا ۲۳-۲۱: ۱۸ ."

و روز دقیق قیامش را معین کرد " متی ۲۷: ۶۲ ."

۳ - با وجود [نگهبانی از سوی سربازان رومی ، در جهت پاسداری آرامگاهش ، و

بمنظور عقیم نمودن هر گونه تلاش ، بخاطر جلوگیری از شیوع خبر رستاخیزش]

او از مردگان قیام کرد " متی ۲۷: ۶۲-۶۶ ."

و توسط شاهدان بسیاری دیده شد " ۱ قرتیان ۸۵: ۱۵ ."

۴- او با قدرت خدا قیام کرد و به روش قانع کننده‌ای ثابت کرد که هر آنچه او

گفت و انجام داد کاملاً از جانب خدا پذیرفته شد " رومیان ۴: ۲۰ ؛ افسسیان ۱۹: ۱-۲۰ ."

۵- او قیام کرد زیرا رستاخیزش لازمه توجیه حقانیت ما بود

" رومیان ۴: ۲۵ ."

عظمت کار او انسان را دگرگون ساخت. همه انسانها به خودی خود بصورت يك مللت

یا نژاد نجات نیافتند. هر يك میبایست شخصاً به عیسا مسیح و ادعایش ایمان آورده و

پاسخ مثبت بدهد " یوحنا ۱۸: ۲ ؛ اعمال ۱۹: ۲ ."

سوالات درس هشتم

مفهوم صلیب

میلیونها نفر معتقدند و میگویند که عیسا بر روی صلیب برای گناهان انسان مُرد، اما آنها آنچه را میگویند درک نمی کنند:

۱- عیسا بر روی صلیب مرد چراکه

(یکی از جوابها را انتخاب کنید)

الف - او يك قربانی شرایط محیط بود.

ب - او قربانی يك اشتباه حزن انگیز بود.

ج - اگر می بایست به حضور خدا می آمدم گناهان باید داوری میشد.

د - او نمی توانست از رومی ها یا رهبران یهود بگریزد.

۲- خدا قادر است گناهکاران را از مجازات مرگ برهاند از اینکه :

(یکی از پاسخها را انتخاب کنید)

الف - به آنها اجازه بدهد تا توبه (پشیمان شده و طلب بخشش) کنند.

ب - چشم پوشی از تقصیرات [بواسطه محبتش]

ج - قربانی بی عیبی برای گناهان انسان آماده ساخت.

د - چون خداست هر آنچه بخواهد انجام میدهد.

۲- اگر عیسا روی صلیب نمی مرد ما میبودیم
(یکی از پاسخها را انتخاب کنید)

الف - نا امید و گمشده ابدی.

ب - آموخته میشد که همه راهها به خدا ختم میشود.

ج - انجام فرایض (صواب) سخت به منظور خوشنودی خدا

د - بخاطر محبتش مقبول

۴ - تفسیر آیات " ۱ پطرس ۱۸:۲ ؛ اشعیا ۴:۵۲-۵ " را بقلم خود بنویسید.

۵- اگر خدا پسرش را دوست می داشت ، چطور اجازه داد بر روی صلیب رنج کشیده بمیرد

" رومیان ۴ : ۲۵ ؛ ۵ : ۸-۶ "

۶- عیسا برای چه کسی مُرد " یوحنا ۱۶:۲ ؛ ۱ یوحنا ۲:۲ " ؟

۷ - منظور عیسا چه بود وقتی گفت : تمام شد " یوحنا ۱۹:۳۰ " ؟

۸ - اثبات قانع کننده‌ای از قیام عیساى مسیح را بنویسید.

۹ - نظر شما چیست؟

با عباراتی ساده بیان کنید (به نظر شما چرا عیسا بر روی صلیب مُرد).

۱۰ - نظر دیگران چیست؟

در این هفته حداقل با سه نفر این پرسشها را در میان بگذارید شاید بخواهید چیزی شبیه مطالب ذیل بگویید.

*** من در (اسم شهر) در بررسی مطالب کتاب مقدس همکاری دارم.

آیا شما می توانید بادر میان گذاشتن نظریات خود در مورد سه سؤال مهم به من کمک کنید؟

۱- به نظر شما دلیل مرگ عیسای مسیح بر روی صلیب چه بود؟

۲- آیا معتقدید که عیسای مسیح از قبر برخاست و امروز زنده است؟

۲- اعتقاد به قیام عیسا چه اثری باید روی زندگی فرد داشته باشد؟

از کمک شما بسیار سپاسگزارم. آیا مایل هستید يك نسخه از نتایج بررسی را برای شما ارسال نمایم .

با کمال تشکر***

هماهنگ کننده گروه، اسامی و آدرسها را روی کارت یادداشت کنند. اگر جوابها بر نتایج بررسی مطلوب دلالت دارد در پشت صفحات مرقوم بشود. سپس کارتها را در جلسه بعدی کلاس بین آنها پخش کنید. هماهنگ کننده، نتایج بررسی را جدول بندی کند و به هر فردی که علاقه نشان داده است ارسال نماید.

درس نهم

تولد تازه

" اگر کسی از سر نو مولود نشود ملکوت خدا را نمیتواند دید " یوحنا ۲:۲ .
 عیسای مسیح این سخنان را به کسی فرمود که برای عرض ادب آمده بود .
 مردی مذهبی (روحانی) پارسا منش که همیشه وفاداران در کنیسه فعالیت مستقیم داشت ،
 انسانی سرشار از معنویات [دارای قوه مُمیزه یعنی تشخیص نیک و بد] .
 باوجود تمام محسنات نیقودیموس ، او را کافی نبود که رابطه درونی با خدا داشته باشد .
 آیا شما برای ملاقات با خدا آمادگی دارید ؟

منظور از تولد دوباره چیست ؟

تولد دوباره تهذیب اخلاق میکند (زندگی جدید می بخشد) . زمانیکه عیسای مسیح به
 نیقودیموس فرمود که احتیاجش از سر نو مولود شدن است از تولد جسمانی سخن نمی گفت
 بلکه از تولد روحانی " یوحنا ۲:۲۶-۶ " . عیسای مسیح پرسید : چرا او تحت عنوان یک معلم [
 قوم خود] این را درک نکرده است " یوحنا ۱۰:۲ " .

تولد دوباره یافتن یا بازسازی نسل اسرائیل در عهد عتیق تعلیم داده شده است

" حزقیایا ۲۶:۲۶ ، ۱۰-۱:۲۷ " .

رهانی خلقت از چنگال لعنت گناه که در آینده اتفاق خواهد افتاد نوعی از تولد دوباره میباشد. که این نیز تعلیمی مهم و معروفیست "متی ۱۹:۲۸".

نیفودیئوس درک نکرده بود که واژه تولد دوباره زمانی در مورد يك فرد بكار برده میشود که عضو خانواده خدا باشد.

از سر نو مولود شدن رویدادی (تجربه) شخصی (خصوصی و فردی) است.

زندگی کاملاً جدید با بستگانی تازه (و وابستگیهای مخصوص به خود) در خانواده‌ای جدید، که نیروی تازه‌ای را در خود داراست.

کتاب مقدس می‌فرماید ما به ملکوت خدا چنان وارد می‌شویم مثل کسی از مرگ به حیات می‌گذرد "یوحنا ۵:۲۴".

ما از قدم زدن در تاریکی به راه رفتن در نور گذر کردیم "یوحنا ۸:۱۲".

ما از حریم شیطان به قلمرو (پادشاهی) پسر محبوب خدا وارد شدیم "کولسیان ۱:۱۲".
ما خلقتی تازه یافته‌ایم "۲ قرنتیان ۵:۱۷".

خلقت تازه از عدالت تشکیل است که مقدس و حقیقت است "افسیان ۴:۲۴".

چرا انسان طبیعی می‌بایست تولد تازه داشته باشد؟

انسان طبیعی کسی است که به محض تولدش در جسم زندگی آغاز کند پیش از آنکه زندگی تازه‌ای از جانب خدا بدو عطا شده باشد.

۱- او فاسد شده است "پیدایش ۸:۲۱".

او دلی فریب خورنده دارد "ارمیا ۹:۱۷".

در جسمش هیچ خوبی یا نیکویی ساکن نیست "رومیان ۷:۱۸".

۲- او در گناهان مرده است " افسسیان ۱:۲ ".
با معیار خدا، زندگی روحانی وجود ندارد.

۳- او در اختیار شیطان است یا تحت نظارت شیطان است.
" افسسیان ۲:۲ ".

۴- او دشمن خداست " رومیان ۱:۵ ".
او امیدی ندارد و در این دنیا بدون خداست " افسسیان ۱۲:۲ ".
همه فرزندان خدا زمانی در این وضعیت بوده‌اند.

چطور کسی میتواند تولد تازه داشته باشد؟

۱- دو تصویر گویا از تولد تازه : مطالعه دقیق [یوحنا باب سوم] اعتقاد بیشتر مردم درباره رفتن به ملکوت خدا را تأیید نمی نماید.
در این باب عیسی مسیح به اعمال نیکو ، پیوستن به سازمانهای مذهبی و یا توسل به نیروی مراسم مذهبی اصلاً اشاره‌ای هم نکرده است.

او دو نگاره با مثال از تولد دوباره داد.

الف - باد " یوحنا ۳:۸ ". غیر قابل رویت است (دیدنی نیست). در کارهایش غیر قابل پیشگویی است و آثاری واضح و روشن دارد. سرچشمه‌اش خداست نه انسان.
تولد دوباره از خدا نشأت گرفته است " یوحنا ۱:۱۲ ".
از جانب او فرستاده شد تا در تغییر زندگی بطرز غیر قابل رویت ولی مقتدرانه عمل کند.

ب - مار برنجین " یوحنا ۲: ۱۴-۱۵ ؛ اعداد ۶: ۹-۶: ۹ ."

زمانیکه مردم قوم گناه کردند، خدا به موسا دستور داد تا ماری برنجین بسازد و آنرا روی دیرک برافرازد.

و همه کسانی که کلام موسا را باور کرده به آن چیزی که خدا آماده کرده بود نگریستند رهایی یافتند.

عیسای مسیح فرمود: میبایست پسر انسان مثل آن مار روی تیرک بالا برده شود تا موضوع ایمان گشته نجات بخشد. آن برافراشته شدن بوضوح می بایست بر روی صلیب میبود " یوحنا ۲۲: ۱۲-۲۲: ۱۲ ."

رویداد تولد دوباره با نگریستن به عیسای مسیح برافراشته شده | به عنوان يك قرآنی برای گناهان ما نصیب ما میگردد.

۲ - دو سازه یا عامل بزرگ در تولد تازه:

الف - کلام خدا " اپطرس ۱: ۲۲ ؛ یعقوب ۱: ۱۸ ."

ما کلام حقیقت را می شنویم و به آن ایمان می آوریم که نجات می بخشد" افسسیان ۱: ۱۳ ؛ رومیان ۱۷: ۱۰ . کلام خدا بذر نجات است " متی ۱۲: ۲-۹ ، ۱۸-۲۳ ."

تولد تازه زمانی است که ما به کلام خدا حقیقتاً ایمان آوریم و از آن اطاعت کنیم؟

ب - روح القدس " تیطس ۵: ۲ ؛ یوحنا ۵: ۲ ، ۶ ، ۸ . " او آدمی را به گناه ملزم

(محکوم) میسازد " یوحنا ۱۶: ۸-۱۱ " تا انسان را به عیسای مسیح رهنمون کند. تولد تازه حرکتی از جانب روح القدس است. با محکوم شماری گناه شروع شده و به يك زندگی پاک کرده شده " شسته شده با خون برة خدا به يك زندگی جدید " رهبری می نماید.

باید اشاره شود که هیچیک از مطالب فوق هیچ رابطه‌ای با تعمید آب ندارد. در حقیقت از

تعمید ذکر می نشد. از آب در کتاب مقدس به عنوان نشانه روح استفاده شده است
 « یوحنا ۲۸:۷-۲۹ ».

و همچنین کلام خدا « افسسیان ۲۶:۵ » تعمید آب هیچ وجه اشتراکی با نگاره‌هایی که
 عیسای مسیح از باد و ماربرنجین استفاده کرد ندارد.
 تعمید آب تصویری از نجات انسان است. تعمید آب اهمیت بسزایی دارد، و تولد تازه را پیروی
 می‌کند. اما باعث تولد تازه نیست « اعمال ۸:۱۲-۱۳ ، ۲۷-۲۸ ».

نتایج تولد تازه چیست ؟

- ۱- ما دلی تازه و روحی تازه داریم « حزقیال ۱۹:۱۱ ».
 - ۲- ما هنوز هم تا اندازه‌ای از طبیعت الهی را دارا هستیم « ۲ پطرس ۱:۴ ».
 - ۳- ما با روح خدا ساکن شدیم « رومیان ۸:۹ ».
 - ۴- ما در خانواده خدا فرزندان هستیم « ایوحنا ۱:۲ ».
 - ۵- ما حیات ابدی داریم « ایوحنا ۵:۱۱-۱۲ ».
 - ۶- ما خداوند عیسای مسیح را دوست داریم « ایوحنا ۱:۵ ».
 - ۷- ما دیگران خصوصاً مسیحیان را دوست داریم « ایوحنا ۱۴:۲ ، ۷:۴ ».
 - ۸- ما اراده داریم که از خداوند عیسای مسیح اطاعت کنیم « ایوحنا ۳:۲ ».
 - ۹- ما گناه را پیشه نخواهیم کرد « ایوحنا ۹:۲ ».
 - ۱۰- ما عدالت را پیشه خود کردیم « ایوحنا ۲:۲۹ ».
- آیا می‌دانید محکوم شمردن گناه و بازگشت بسوی عیسای مسیح برای رهایی چیست؟
 آیا به انجیل (مژده) نجات خود ایمان آوردید و در مسیح اعتماد دارید؟

سوالات درس نهم

تولد تازه

عیسای مسیح فرمود: کسی نمی تواند ملکوت خدا را ببیند مگر آن کسی که تولد تازه داشته باشد. اگر موضوع فوق قاطع و قابل درک است. لطفاً به این پرسشها فکر کرده سپس پاسخ گوید.

۱- با کشیدن دایره ای بر کلمه درست یا اشتباه پاسخ دهید.

الف - هرکس با تعمید در آب، تولد تازه می یابد. (درست یا اشتباه)

ب - دو نگاره با مثال تولد تازه که عیسای مسیح آورد، دریا و مار برنجین است. (درست یا اشتباه)

ج - " تولد دوباره" عبارت پذیرفته شده ایست که اساساً برای تغییری در مذهبمان بکار برده شده است. (درست یا اشتباه)

۲- نیکودیموس ابتدا به عنوان..... نزد عیسای مسیح آمد. (یکی از پاسخها را انتخاب کنید)

الف - يك ايماندار به خدا.

ب - يك شخص اخلاقی (که می تواند خوب و بد را تمیز دهد)

ج - يك شخصی که به کنیسه می رود (در جلسات حضور بهم می رساند)

د- شخصی که به وی علاقمند است.

ه - همه جوابهای فوق.

۶ - نقش کلام خدا در تولد دوباره چیست "متی ۹:۱۳-۲۲ ، ۱۸-۲۲ ؛ رومیان ۱۷:۱۰ ؛ افسسیان ۱۳:۱ ؛ اپطرس ۱:۲۳" ؟

۷ - نقش روح القدس در تولد تازه چیست "یوحنا ۸:۶-۸ ، ۱۶:۷-۱۱ ؛ تیطس ۲:۵ ؛ اعمال ۲:۲۷" ؟

۸ - برخی از نتایج تولد تازه را نام ببرید؟

۹ - نظر شما چیست؟ تولد تازه را طبق آنچه فهمیده‌اید شرح دهید.

۱۰. نظر دیگران چیست؟

این سؤاها را حداقل با سه نفر در این هفته در میان بگذارید. شاید بخواهید چیزی شبیه مطالب ذیل بگویید.

*** من در (اسم شهر) در بررسی مطالب کتاب مقدس همکاری دارم.

آیا شما میتوانید با در میان گذاشتن نظریات خود در مورد سه سؤال مهم به من کمک کنید؟

۱- بسیاری از مردم اصطلاح تولد تازه را بکار می گیرند. این اصطلاح برای شما چه مفهومی دارد؟

۲- به نظر شما، چطور کسی عضو خانواده خدا می شود؟

۳- فکر میکنید چرا عیسای مسیح این اصطلاح را استفاده کرد تا وصف کند مسیحی شدن به چه معنی است؟

از کمک شما بسیار سپاسگزاریم .

آیا مایل هستید يك نسخه از نتایج بررسی را برای شما ارسال نمایم .

با کمال تشکر.***

ابها بر نتایج بررسی

مطلوب دلالت دارد در پشت صفحات مرقوم بشود. سپس کارتها را در جلسه بعدی کلاس بین

آنها پخش کنید. هماهنگ کننده، نتایج بررسی را جدول بندی کند و به هر فردی که علاقه نشان

داده است ارسال نماید.

درس دهم

نجات توسط فیض

"زیرا که محض فیض نجات یافته‌اید، بوسیله ایمان و این از شما نیست بلکه بخشش خداست. و نه از اعمال، تا هیچ کس فخر نکند" " افسسیان ۲:۹-۸". نجات توسط فیض است و بدان معناست که هر آدمی شایستگی خدا را ندارد. هدیه‌ایست بدین مفهوم که نمی‌توان خرید و یا آنرا بدست آورد. این تعلیمی است که افرادی با تفکر مذهبی آنرا مشکل می‌پذیرند. اغلب قسمتی از آن پذیرفته شده تا بطریقی حقیقت محتوای آنرا انکار کند.

در کتاب مقدس [عهد عتیق] کلمه فیض به مفهوم فروتنی مافوق از روی مهربانی (احسان) به شخص زیر دست (نالایق) است . یک شرح کامل از اقدام خدا نسبت به ماست . این کلمه در [عهد جدید] به مفهوم " احسان، سخاوت بی ریا، مهربانی به کسی و بعنوان یک هدیه گرانبهاست ". این نشان می‌دهد که نجات خریدنی و یا بدست آوردنی (کسب کردنی) بدلیل شایستگی داشتن نیست. نجات در عیسای مسیح " هدیه خداست " و بخشنده به گیرنده (فیض یافته) اجازه پاداش یا بازپرداخت نمی‌دهد. [معامله پایاپای هم نیست]

اندیشه های اشتباه درباره فیض

شاید دلیل انسان به او بگوید که اعمال بخصوصی کمک می کنند تا شایستگی نجات در برابر خدا را بدست آورد. این گفته ها را با کلام خدا درباره چنین اندیشه هایی بررسی کنید:

۱- کارها یا اعمال به عنوان راهی به سوی خدا؛ اگر از راه فیض است دیگر از اعمال نیست " رومیان ۶:۱۱ ". نه بسبب اعمالی که ما به عدالت کرده بودیم، بلکه محض رحمت خود، ما را نجات داد " تیطس ۵:۲ ". عدالت خدا مهربانانه برقرار شد " اما کسی که عمل نکند " " رومیان ۵:۴ ". کسی که تلاش می کند برای نجات از اعمال انسانی التفاتی کسب کند ، به دنبال آنست که خدا را مدیون خود بسازد " رومیان ۴:۴ " .

۲- نگهداشتن ده فرمان ؛ به این ترتیب به اعمال شریعت هیچ بشری درحضور او عادل شمرده نخواهد شد چونکه دانستن گناه از شریعت است " رومیان ۲۰:۲ ". شما زیر شریعت نیستید بلکه زیر فیض " رومیان ۱۴:۶ ". همه شما که از شریعت عادل می شوید از مسیح باطل و از فیض ساقط گشته اید " غلاطیان ۴:۵ ". در یوحنا ۱۷:۱ متباین (تفاوت آشکار) آن دیده میشود، زیرا شریعت بوسیله موسا عطا شد اما فیض و راستی بوسیله عیسی مسیح رسید. مزیت با خدا بودن به هیچوجه نمی تواند برای کسی فخر باشد " رومیان ۲۷:۲ ". انسان هیچگاه با اعمال نیکوی خود و یا با انجام فرایض مذهبی خویش قادر به برافراشتن نردبانی بسوی خدا نمی باشد. انسان با اندک تسلیم شدن به خدا ، معامله کردن با خدا و یا کوششهای افراط آمیز در جهت جبران خرابیهای وجود خود [با وجود نقشه کامل و قابل اجراء خدا] نجات را تحصیل نمیکنند. تلاش انسان در راه جبران سست عنصری که ناشی از عدم رعایت قانونی از قوانین و مراسمی از مراسم نجات را برایش به ارمغان نمی آورد. حتی از طریق مدیون کردن خدا یا منت گذاردن بر او عامل نجات نمیشود .

چرا فیض لازم است؟

۱- شرایط یا موقعیت اخلاقی انسان

او توانایی ندارد با اخلاقیات (عدالت شخصی) به خدا نزدیک شود « رومیان ۶:۵-۶ ». انسان گناهکار است « رومیان ۹:۲ ». انسان دشمن خداست « کولسیان ۲۱:۱ ». و در گناهان مرده است « افسسیان ۱:۲ ». پس او چطور می‌توانست راهی برای خود به سوی خدا هموار سازد؟

۲- قدوسیت محض خدا؛ انسان هرگز نمی‌تواند با کوشش‌های خودش به خدا برسد. قدوسیت خدا، حتی از بهترین انسان بالاتر است « اشعیا ۵-۶:۶ ». خدا در فیض به انسان سر فرود می‌آورد.

اثرات فیض چیست؟

- ۱- ما با فیض نجات یافتیم « رومیان ۲:۲۴؛ ۱۶:۴ » بدون ابتکار یا تراوشات فکری آدمیست.
- ۲- ما با فیض محافظت شده ایم « یوحنا ۱۰:۲۸-۲۹؛ اپطرس ۱:۵؛ ۱۰:۵ ». او ما را در دستهای خود نگه می‌دارد و ما را با قدرتش محافظت می‌نماید. ما با قوانین شریعت یا اعمال دیگر حفظ نمی‌شویم « غلاطیان ۲:۲-۲ ». ما زیر فیض هستیم نه شریعت « رومیان ۱۴:۴ ».
- ۳- ما در فیض بر پا شدیم « رومیان ۲:۵؛ اپطرس ۱۲:۵ ». خدا با ما بر این مبنا رسیدگی می‌کند.
- ۴- ما با فیض زندگی می‌کنیم « عبرانیان ۲۱:۱۲؛ فیلیپیان ۱۲:۲ ». خداست در ما عمل می‌کند و اختیار یک زندگی مسیحایی می‌بخشد.

اخطارهایی درباره فیض

هیچیک از پیشنهادهای این کتاب مجوزی در جهت انجام گناه نبوده و نه آنکه دلیل بر لکه‌دار کردن ارزشهای معنوی الهی است .

۱- گناه نمی‌کنیم که امکان فیض را بیفزاییم " رومیان ۱:۶ " .

۲- ما فیض خدا را از روی بهانه‌جویی بمنظور مقاصد پلید (ناپاک) مبدل نمی‌کنیم " یهودا ۴ " .

آزادی فرصتی برای شرارت نیست بلکه محبت فداکارانه است " غلاطیان ۱۲:۵ " .

۳- ما برای انجام اعمال نیکو نجات یافتیم " افسسیان ۱:۲ ؛ تیتس ۲:۸ " .

ما گناه را پیشه خود نمی‌سازیم " ایوحنا ۹:۲ " .

ما کلام خدا را نگه‌می‌داریم (اطاعت می‌کنیم) " ایوحنا ۲:۲-۵ " .

اما همه اینها ثمرات نجات هستند و هیچیک از آنها اصلی که موجب خوشنودی خدا شود نیست . ما برای خدا زندگی می‌کنیم چون ما خداوند عیسای مسیح را دوست داریم " یوحنا ۱۴:۱۵ ، ۲۱ " .

پیام خارق‌العاده یک مسیحی ، اعلام مژده فیض خداست " اعمال ۲:۱۴ ؛ ۲۲،۲۴:۲۰ " . این انجیل از خدای فیاض نشأت گرفته شده است " اپطرس ۱:۵ " . چیزیکه ما را در پیشگاه تخت رحمت (فیض) می‌پذیرد ؛ اساسی بی‌زوال از شخصیت خداست و روش رفتار دادگری وی بمانست . ما هرگز با هیچ فکر، منت و یا الزامی به جانب او نخواهیم رسید .

سوالات درس دهم

نجات توسط فیض

ایمان مسیحی در تأکید بر حقیقت نجات بوسیله فیض بی همتاست. روشهای دیگر رسیدن به خدا، این حقیقت را در جزء یا کل انکار می کند. با پاسخ به این پرسشها، اطمینان پیدا کنید که این اصول را فهمیده‌اید.

۱- نگهداشتن ده فرمان (یکی از پاسخها را انتخاب کنید)

الف - لازمه نجات مسیحی است.

ب - می بایست پیوستگی با کار مسیح بر روی صلیب داشته باشد.

ج - حالا می توان آنرا کاملاً بی اهمیت شمرد.

د- معیار است کامل برای نایل شدن به عدالت مقررۀ خدا .

ه - هیچ کدام از پاسخهای فوق.

۲- فیض آنستکه خدا..... درست ترین جواب را علامت بگذارید.

الف - دست دراز کرده تا احسان خود را به نالایقان برساند.

ب - دست دراز کرده تا احسان خود را به شایستگان برساند.

ج - دست دراز کرده تا عدالت خود را به شایستگان برساند.

۳- طبق کتاب مقدس، همه انسانها..... (یکی از پاسخها را انتخاب کنید)

الف - اساساً خوب هستند.

ب - اساساً خدا جویند.

ج - اساساً فاسد شده‌اند.

د - اساساً با حسن نیت ولی ضعیف هستند.

- ۴ - خدا میتواند گناهکاران را با فیض نجات دهد و باز قُدُس بماند زیرا
 (یکی از پاسخها را انتخاب کنید)
- الف - عیسی‌ای مسیح جان خود را بعوض جرم گناهکار داد و بخاطر ما رنج کشید.
 ب - خدا می تواند هر آن چه را که خشنودش بسازد، انجام دهد، حتی اگر متناقض یا ناجور باشد.
 ج - هر آنچه که جدی است گناه نمیباشد.
 د - این وظیفه او نسبت به مخلوقاتش است.

۵ - تفسیر (بازنویسی آنچه آموخته‌اید) " افسسیان ۲: ۸-۹ " .

۶ - در هر يك از آیه‌های زیر دو چیز را مقایسه کنید:

الف - ۱ پطرس ۵: ۵

ب - یهودا ۴

ج - غلاطیان ۴: ۵

د - رومیان ۶: ۱۱

ه - رومیان ۴: ۴

۷ - کدامیک از گفته های کتاب مقدس فیض را منعکس میسازد؟

الف - اینرا انجام دهید تا زنده بمانید.

ب - می بایست خداوند، خدای خود را دوست بدارید.

ج - ما او را دوست داریم، چون اول او ما را محبت نمود.

د - جان که گناهکار است، خواهد مرد.

۸ - چه اعتقاد اشتباهی درباره فیض به وسیله یهودا:۴ و اپطرس ۱:۲ تصحیح شده است؟

۹ - نظر شما چیست؟

فیض خدا برای شما چه مفهومی دارد، آنچه را آموخته‌اید بیان نمایید.

۱۰- نظر دیگران چیست؟

این سوالات را حداقل با سه نفر در این هفته در میان بگذارید شاید بخواهید چیزی شبیه مطالب ذیل بگویید.

***من در (اسم شهر) در بررسی مطالب کتاب مقدس همکاری دارم .

آیا شما می توانید با در میان گذاشتن نظریات خود در مورد سه سوال مهم به من کمک کنید؟

۱- دلیل ده فرمان چه بود؟

۲- آیا هرگز اصطلاح " فیض " را در سخنان روزانه خود مثل آنچه در این دوره آموخته‌اید بکار میبرید؟

۳- فکر میکنید منظور کتاب مقدس زمانیکه عبارت " نجات بوسیله فیض " را می آورد چیست؟

از کمک شما بسیار سپاسگزاریم .

آیا مایل هستید يك نسخه از نتایج بررسی را برای شما ارسال نمایم ؟

با کمال تشکر***

همانگ کننده گروه، اسامی و آدرسها را در روی کارت یادداشت کند. اگر جوابها بر نتایج بررسی مطلوب دلالت دارد، در پشت صفحات مرقوم شود. سپس کارتها را در جلسه بعدی کلاس بین آنها پخش کنید. همانگ کننده گروه ، نتایج بررسی را جدول بندی کند و به هر فردی که علاقه نشان داده است، ارسال نماید.

درس یازدهم

ایمان به عیسای مسیح

زندانبانی در شهر فیلیپی پرسید: "چه باید بکنم تا نجات یابم"؟
پولس رسول پاسخ داد:

"به عیسای مسیح ایمان بیاور، و نجات خواهی یافت" "اعمال ۱۶: ۲۰-۲۱".
ولی "به عیسای مسیح ایمان بیاور"، به چه مفهوم است؟

بسیاری از مردم عقاید عجیب و غریبی برای این موضوع سرنوشت ساز دارند. بعضی از همگانی ترین
[مثالهای غیر کتابمقدسی] در اینجا آورده شده.
آنها می گویند: "البته که من معتقدم".....

- ۱- چون آنها زندگی و مرگ عیسای مسیح را بر روی زمین تأیید می کنند.
 - ۲- چون آنها جنبه اخلاقی و معنوی عیسای مسیح را قابل ستایش میدانند.
 - ۳- چون آنها به گروهی مذهبی می پیوندند.
 - ۴- چون آنها نزد خدا دعا می کنند.
 - ۵- چون آنها دعاها و نمازها دانماً ورد زبانشان بوده و آنها را تکرار می کنند.
- آیا این ایمان به مسیح طبق کتاب مقدس است؟
آیا این نوع ایمان زندگی مردم را دگرگون می سازد؟
آیا يك چنین ایمانی میتواند اطمینان به بهشت رفتن کسی را تضمین کند؟

پس ایمان چیست ؟

ایمان آوردن به عیسای مسیح چه معنایی را در بر دارد؟ کتاب مقدس ایمان را که شامل اطمینان خاطر، اعتماد شخصی اعتقاد کامل میباشد تعریف نموده است. ما می گوئیم " من به آن شخص ایمان دارم". این مخالف شك است. این ساده لوحی یا سادگی نیست. ایمان دارای اصول ذیل می باشد:

۱- ایمان دارای مفعول است .

ایمان به کسی (چیزی) است . برای مسیحیان، این کس يك فرد زنده است، یعنی خداوند عیسای مسیح " اعمال ۲۱:۲۰ ". این کار خداست، که شما به آن کس که او فرستاد ایمان بیاورید " یوحنا ۲۹:۶ ". خداوند عیسای مسیح از مرد بیناشده پرسید " آیا تو به پسر خدا ایمان داری؟ " یوحنا ۲۵:۹ ". یکی از هم‌مرگان عیسای مسیح که دزد بود [و میخکوب بر صلیب] ، برای رفتن به بهشت به عیسای مسیح تنها ایمان آورد " لوقا ۲۲:۴۲-۴۳ ". این ایمان مرکز پیام مسیحیت است " اعمال ۲۷:۲۵-۲۸ ؛ یوحنا ۱۲:۵ ". داشتن ایمان به کمیت نیست بلکه مهم این است که ما به چه کسی ایمان داریم ، او اینچنین ایمانی را می پذیرد " یوحنا ۱:۱۲".

۲- ایمان میبایست برای خود دارای مفهوم باشد.

ما باید کلام انجیل را بشنویم و بدان ایمان بیاوریم " اعمال ۷:۱۵ ". مردم قرتیان زمانی نجات یافتند که پولس انجیل را بدیشان موعظه کرد . این مژده (انجیل) بطور کامل ، مقتدرانه و دقیقاً در اول قرتیان باب ۱۵:۱-۴ داده شده است. که عیسای مسیح برای گناهان ما مرد، دفن شد و بر طبق پیشگویی کتب مقدسه از مردگان قیام کرد. شنیدن این مژده (انجیل) ، ایجاد کننده اعتماد به مسیح در مناست و بعد کلام حقیقت نامیده میشود " افسسیان ۱:۱۲ ". این انجیل چنان با ارزش و حیاتی است که هر انسان یا فرشته‌ای که آنرا تحریف کند زیر لعنت است " غلاطیان ۶:۱-۹".

۲- ایمان يك اساس دارد.

اساس فناپذیر ایمان کلام خداست " ۱ تسالونیکیان ۱۲:۲ ؛ رومیان ۱۷:۱۰ " .

ایمان مسیحی به عنوان هدف و مقصود انسان چیزی را داراست که در کتاب مقدس "شاهد خدا" نامیده شده است " ایوحنا ۹:۵ " .

ایمان حقیقت خدا را میپذیرد " ۱ تسالونیکیان ۱۲:۲ " و معتقد است که خدا حقیقت است .
اگرچه همه انسانها دروغگو باشند. " رومیان ۴:۲:۲ "

ما در تاریکی جست و خیز نمی کنیم تا ایمان کورکوزانه را عمل کنیم ، و یا به احساس هیجان آمیز خویش اعتماد کنیم. ما بر کلام خدا ایمان و اطمینان داریم.

۴- ایمان با خود تحرك را به همراه دارد.

ممکنست نظر به این باشد که ایمان تنها موافقتی فکری با بیانیة معینی است، ولی اینطور نیست. به اثر واژه‌های ذیل توجه کنید:

مردم نزد عیسای مسیح آمدند، نزد او افتادند و کلام او را اطاعت کردند.

عیسای مسیح به مردی گفت که دستش را به سمت جلو دراز کند " متی ۱۲:۱۲ "

به دیگری گفت رختخوابش را بردارد " متی ۶:۹ "

به دیگری فرمان داد که در آب حوض بخصوصی شستشو نماید " یوحنا ۷:۹ "

[او همه را مکرراً به کار و فعالیت خواند.]

ابراهیم نمونه مردیست که به خدا ایمان آورد.

وقتی پیدایش ۱۲-۱-۴ ، اعمال ۲-۲-۷ و عبرانیان ۸:۱۱ با هم مقایسه می‌شوند، دیده میشود که او

کلام خدا را شنیده و با ترك ولایتش به آن پاسخ مثبت داد بدون آنکه بداند خدا او را به کجا

هدایت می کند. این پاسخ ایمان بوضوح ایمان او را نشان می دهد. ایمانی که نجات می‌بخشد، ایمانی

است که تأثیر را ایجاد می کند. ایمان نجات بخش هیچگاه خنثی یا بی‌تحرك نبوده ، خواهان

رضایت خاطر واقعیتهای تاریخی را هم نداشتند. همچنین ایمانی که کاری انجام

نمی‌دهد به "ایمان مرده" معروف است. وقتی شخصی حقیقتاً به عیسای مسیح ایمان می‌آورد، نتیجه‌اش يك زندگي با اعمال نيكو خواهد بود. [به " یعقوب ۲: ۱۴-۲۶ " نگاه کنید جایی که "ایمان نجاتبخش" و "ایمان مرده" متباین و مقابله می‌شوند.]

چه اختلاف بزرگی بین

"ایمان نجاتبخش"

و ایمان آوردن به آن واقعیت‌های تاریخی درباره عیسای مسیح و مرگ او که حقیقت غیرقابل انکاری است؟

ما به پسر خدا ایمان داریم و شخصاً بوی تسلیم شده‌ایم.

نمونه‌هایی از ایمان حقیقی

کتاب مقدس پر از نمونه‌ها و مثالهای ایمان [واقعی] است. بخش یازدهم عبرانیان ، نگارش " نامداران ایمان " نامیده شده است . در این باب برخی مردان و زنان برجسته‌ای را یاد کرده است که ایمان نجات بخش داشتند. این مطالب را دوباره بخوانید و کارهایی که این پیشتازان ایمان انجام داده‌اند ، علامت گذاری کنید .
می‌توان به شرح دو مثال دیگر از ایمان دگرگون کننده پرداخت .

<- یکی از آنها ایمان افسر رومی است " متی ۵:۸-۱۰ " .
افسر رومی بر این اعتقاد بود که عیسی مسیح تنها با گفتن کلامی می‌توانسته خدمتگزار او را شفا بخشد .

<- و دیگری ایمان زن کنعانی است " متی ۱۵:۲۸-۲۲ " .
او در خواست کرد که خداوند دخترش را از دیوها (ارواح شریر) رهایی بخشد .
ایمان او متواضعانه و با اصرار بود .

چطور نزد مسیح بیاییم ؟

زمانیکه نزد مسیح می‌آییم ، با وقایع مشروحه زیر روبرو می‌شویم .
۱- روح ما را بخاطر گناه مقصر میداند " یوحنا ۸:۱۶-۱۱ " .
ما گناهان خود را به خدا اعتراف می‌کنیم " لوقا ۱۵:۱۸ ؛ ۱۸:۱۳-۱۴ " .

۲- ما از گناهان خود توبه می کنیم " لوقا ۱۲:۳ ؛ اعمال ۱۹:۳ ؛ ۲۰:۱۷ ؛ ۲۱:۲۰ " .
 ما می خواهیم با باز گشت از گناهانمان نزد مسیح دگرگون بشویم .

۳- با انجیل آشنا می شویم .

ما باید بدان ایمان بیاوریم تا نجات یابیم " اعمال ۷:۱۵-۹ ؛ ۱ قرتیان ۱:۱۵-۴ " . هدف پیام خداوند عیسی مسیح می باشد .

۴- ما به کلمه خدا ایمان داریم " مرقس ۴:۲۰ ؛ یوحنا ۵:۲۴ " .

۵- ما با ایمان پسر خدا را پذیرا می شویم " یوحنا ۱:۱۲ ؛ یوحنا ۱۲:۵-۱۳ " .
 و پیروش می شویم " یوحنا ۱۰:۲۷ ، ۴-۵ " .

۶- در نتیجه ما او را نزد دیگران اقرار می کنیم

" متی ۱۰:۲۲ ؛ لوقا ۱۲:۸ ؛ رومیان ۱۰:۹ " .

ما توسط " ایمان نجاتبخش " تمام وزنه مشکلات را به خداوند عیسی مسیح و به کار موفقیت آمیزش محول میکنیم . ایمان وسیله و مجرای است ، که فیض خدا از آن جاری میشود .
 ایمان سرچشمه نجات نیست ، کار شایسته ای نیست . و نه برتری و فضیلت اخلاقی دارد که کسی را بالارزش جلوه گر سازد .

ایمانرا به دست خالی انسان میتوان تشبیه کرد که پذیرنده هر آنچه را خدا آزادانه تقدیم میکند . و عذاب وحشتناکی نصیب ردکنندگان این هدیه مهیا شده [با درد و رنج] یعنی انجیل (مژده) در نظر گرفته شده است

" ۲ تسالونیکیان ۱:۸ " .

ایمان همه جلال را به خدا می‌دهد. و می‌تواند در همه توده‌های مردم و قشرهای متفاوت اجتماع و یا گروهها، بدون در نظر گرفتن شرایط سنی، وضعیت سیاسی اجتماعی و هوش و استعداد فعالانه عمل کند. در تمام دنیا در دسترس انسانهاست.

شاید با ایمان اشتباه کسی توسط بکار بردن نام عیسای مسیح کارهای عظیم به انجام برساند، ولی عیسای مسیح در روز داوری او را رسوا کرده و از خود میراند.

" متی ۲۱:۷-۲۲ ؛ لوقا ۱۲:۲۸ " ، زیرا اینها مانند [علفهای هرزه] در گندم هستند. "

متی ۱۲:۲۴-۲۰. " ایمان حقیقی دگرگونی زندگی را آشکار می‌سازد " عبرانیان ۶:۹-۱۰. " ایمانداران

حقیقی کلام خدا را اطاعت می‌کنند " ایوحنا ۲:۴-۵ " ، محبت نسبت به بقیه ایمانداران در

انسان ایجاد میشود " ۱ یوحنا ۲:۱۴ " ، اعمال نیکو انجام دهید

" افسسیان ۲:۱۰ " ،

عدالت را پیشه میکنند" ایوحنا ۷:۲، ۱۰، ۷:۲ ؛ افسسیان ۴:۲۲-۲۴ " و گناه را پیشه نمی‌کند

" یوحنا ۱۳:۹-۱۰ ؛ غلاطیان ۵:۱۹-۲۱. "

آیا شما به خداوند عیسای مسیح ایمان آورده‌اید؟

سوالات درس یازدهم

ایمان به عیسی مسیح

مهمترین و منطقی‌ترین سؤال هر انسان در حال حاضر یا در ابدیت برای هر انسان اینست که آیا ما تا ابد با خدا یا جدا از او خواهیم بود. با دقت به مطالب ذیل فکر کنید:

- ۱- میتوانم مطمئن باشم که نجات یافته‌ام چون..... (یکی از پاسخها را انتخاب کنید)
 - الف - در يك دعا از عیسی مسیح در خواست نمودم که به قلب من بیاید.
 - ب - خدا جواب بسیاری از دعاها را مرا داده است.
 - ج - حالا من کتاب مقدس را خوانده‌ام و به کلیسا وارد شده‌ام.
 - د - هیچکدام از جوابهای فوق.

- ۲- ایمان نجات بخش است. (یکی از پاسخها را انتخاب کنید)
 - الف - موافقت با آنچه که کتاب مقدس می فرماید.
 - ب - با تمامی قلب به خدا ایمان آوردن
 - ج - ایمان آوردن که چیزهای روحانی یا مذهبی، ضروریند.
 - د- ایمان آوردن به اینکه عیسی مسیح بر روی زمین زندگی کرد ، مُرد و بزرگترین شخصیت تاریخی است.

۳- آنچه از ایمان نجات بخش می دانید بنویسید.

۴- " دزد با انصاف بر روی صلیب " به چه چیز ایمان آورد " لوقا ۲۳:۲۹-۴۳ "

۵- سه نکته اساسی انجیل را که در اول قرن‌تین ۱:۱۵-۴ آمده است فهرست وار بنویسید.

و کنار هر یک از آنها که ایمان آوردنش برایتان مشکل تر هست، علامت بگذارید.

الف -

ب -

ج -

۶- آنچه از این آیه اول یوحنا ۹:۵ درک می کنید بنویسید.

آیا کاملاً این شهادت را قبول دارید؟ توضیح دهید.

۷ - چه چیز نشان دهنده ایمان واقعی زن کنعانی در متی ۲۲:۱۵-۲۸ بود؟

آیا شما هم در برابر خداوند عیسی مسیح همان وضع را دارید؟

۸ - شما شخصاً از چه طریق طبق آیات زیر می دانید یا عمل می کنید؟

لوقا ۲:۱۲

لوقا ۱۲:۱۸-۱۴

یوحنا ۷:۱۶-۹

رومیان ۹:۱۰-۱۰

افسیان ۱:۱۲

مکاشفه ۲:۲۰

۹- نظر شما چیست؟

آیا برای شما هنوز هم " مفهوم واقعی ایمان به عیسای مسیح " سوال ساز است؟
در چه زمینه‌ای؟

اگر امروز بمیرید و در برابر تخت داوری خدا بایستید، و او از شما بپرسد، به چه دلیل می‌بایست اجازه ورود به قلمروی (ملکوت یا بهشت) خود را به تو بدهم ؟
چه خواهید گفت؟

۱۰ - نظر دیگران چیست؟

این سؤاها را حداقل با سه نفر در این هفته در میان بگذارید. شاید بخواهید چیزی شبیه مطالب ذیل بگویید.

*** من در (اسم شهر) در بررسی مطالب کتاب مقدس همکاری دارم.

آیا شما می‌توانید با در میان گذاشتن نظریات خود در مورد سه سوال مهم به من کمک کنید؟

- ۱- اغلب اصطلاح " ایمان به عیسای مسیح " را می‌شنویم. آیا فکر میکنید " ایمان به عیسای مسیح مفهومی والاتر از موافقت فکری به واقعیتهای بخصوصی درباره او و زندگیش می‌باشد؟
- ۲ - فکر می‌کنید ایمان حقیقی چیست؟
- ۳ - آیا فکر می‌کنید برای مردم امکان دارد به خدا در مورد امور روزانه اعتماد کنند و به او برای آینده ابدیشان بی اعتماد باشند.

از کمک شما بسیار سپاسگزارم .

آیا مایل هستید يك نسخه از نتایج بررسی را برای شما ارسال نمایم ؟

باکمال تشکر.***

همانگ کننده گروه، اسامی و آدرسها را روی کارت یادداشت کند. اگر جوابها بر نتایج بررسی مطلوب دلالت دارد، در پشت صفحات مرقوم بشود. سپس کارتها را در جلسه بعدی کلاس بین آنها پخش کنید. همانگ کننده نتایج بررسی را جدول بندی کند و به هر فردی که علاقه نشان داده است ارسال نماید.

درس دوازدهم

اطمینان نجات

اغلب گفته شده است، "هیچکس نمی‌تواند با اطمینان بداند که به آسمان (بهشت) می‌رود." معمولاً این موضوع با اعتراضهایی چند مواجه شده است. گفته میشود آنچه‌هایی که ما در زندگی انجام می‌دهیم ممکنست برای ما باعث از دست دادن نجات بشود. روی چه اساسی می‌توانیم با اطمینان بدانیم که زندگی ابدی را داریم؟ این سؤال باید با مراجعه به کتاب مقدس جواب داده شود.

امکان اطمینان نجات

"اینرا نوشتم به شما که به اسم پسر خدا ایمان آورده‌اید تا بدانید که حیات جاودانی دارید" "یوحنا ۱۲:۵". باید توجه کرد که گفته نشده است، که شاید شما احساس کنید یا امیدوارید یا فکر می‌کنید یا خیال می‌کنید. میگوید: تا بدانید که حیات جاودانی دارید. یوحنا در اولین رساله‌اش بیش از ۲۰ بار کلمه "دانستن" را به اشکال گوناگونی تکرار کرده است.

این عبارات را بررسی کنید:

می دانیم که او را می شناسیم "۲:۲"

می دانیم که از موت گذشته داخل حیات گشته ایم "۱۴:۲"

می شناسیم که در ما ساکن است "۲۴:۳"

خواهیم دانست که از حق هستیم "۱۹:۲"

می دانیم که در وی ساکنیم "۱۲:۴"

مطمئناً حقیقت اینست که " نه هر که مرا خداوند خداوند گوید داخل ملکوت آسمان گردد " " متی ۲۱:۷ ". بعلاوه، کسانی که اعتراف دارند که ایماندارند و خودشان را با مسیحیان مرتبط می دانند و با خداوند باز گردانیده خواهند شد " لوقا ۱۲: ۲۵-۲۷ ". نجات دهنده میفرماید ایشان را از میوه های ایشان خواهید شناخت " متی ۲۰:۷ ". تازه مشروط بر اینکه شخص تولد تازه روحانی واقعی (حقیقی) داشته که با روح القدس مَهر (تأیید) شده باشد " افسسیان ۱: ۱۲ " ، و با زندگی شخص تطبیق داشته باشد " یوحنا ۶:۲ " ، تحت شرایط فوق یک ایماندار می تواند اطمینان حیات ابدی داشته باشد " ۲ تیموتائوس ۱: ۱۲ ؛ رومیان ۸: ۲۸-۲۹ " .

اطمینان بعنوان " اعتماد یا یک ابراز یقین " تعریف شده است.

اطمینان نجات اعتماد یا ابراز یقین یک مسیحی است که حداقل نجات [حیات ابدی] خودش را دارد. کتاب مقدس بوضوح نشان می دهد که خدا از مسیحیان خواست تا بداند او در آسمان است. اطمینان نجات تنها خوش بینی یا فرض انسان نیست. حقیقتی است که به شهادت (گواهی) کافی [الهی] بستگی دارد که ما رابطه صحیحی نسبت به خدا را دارا هستیم.

سه شاهد برای اطمینان ایمانداران

خدا برای مسیحیان سه شاهد آورد که گواهی می دهند بر اینکه با خدا بستگی دارند و می بایست اطمینانشان را بر آن اساس بگذارند:

۱- کلام خدا :

این موثرترین گواه ماست. درست همانطور که نجات ما بسته به ایمان ما و به کلام خداست " پیدایش ۱۵:۶؛ رومیان ۹:۱۰-۱۰:۱۰". بنابراین اطمینان ما بسته به کلام اوست. او که به پسر ایمان آورد. حیات جاوید دارد " یوحنا ۱۶:۲؛ ۳۶؛ ۲۴:۵". نجات ما بسته به این واقعیت است که ما پسر خدا را داریم، نه اینکه ما احساس بخصوصی داریم " یوحنا ۱۴:۱۲". در هیچ جا کتاب مقدس صحبتی از " احساس" نکرده است که نجات می بخشد. اگر نزد عیسی مسیح بیاییم، کلام او را داریم که ما را بیرون خواهد انداخت " یوحنا ۶:۲۷".

۲- بازتاب و تغییر مسیر در زندگی روزمره :

گواه مهم دیگر حقیقت یک زندگی دگرگون شده است، دزد روی صلیب فرصت ایستادن در برابر مسیح را محدود کرده بود، ولی او در برابر مردم به ایمانش اعتراف کرد و دزد دیگر را توبیخ کرد " لوقا ۲۲:۴۰-۴۳". اگر چه ایماندارانی هستند که یک زندگی شهوانی و جسمانی را می گذرانند " ۱ قرتیان ۲:۱-۴"، که لوط یکی از نمونه هایشان است " ۲ پطرس ۲:۷-۸"، این موضوع بیانگر آن نیست که در زندگیشان اثری از زندگی روحانی را نشان نمی دهد. بخاطر جبران شکست (واماندگی) انسان کتاب مقدس راه مفری (نجاتی) را ارائه می دهد. " ۱ یوحنا ۹:۱، ۲:۱-۲"، ناگفته نماند که این نیز مجوزی در جهت ادامه زندگی گناه آلود نیست.

بازتابهای مشروحه زیر در زندگی روحانی هر فرد ایماندار طبق پیشگویی کتابمقدس بوجود می آید.

الف: مسیح را اقرار کردن " رومیان ۱۰-۹:۱۰ " .

ب : اعمال نیکو " یعقوب ۲:۱۴-۲۶ ؛ افسسیان ۱۰:۲ " .

ج : فرمانبرداری از کلام " ۱ یوحنا ۲:۴-۵ ، ۲:۲-۳ " .

د : دوست نداشتن دنیا " ۱ یوحنا ۲:۱۵ " .

ه : پیشه کردن عدالت " ۱ یوحنا ۲:۷ ، ۱۰ " .

و : گناه را پیشه نکردن " ۱ یوحنا ۲:۹-۱۰ ؛ غلطیان ۲۱:۵ " .

ز : محبت به ایمانداران آشنا " ۱ یوحنا ۳:۱۴ " .

ح : تصدیق الوهیت مسیح " ۲ یوحنا ۹ " .

ط : پذیرش خطایا و گناهان و اعتراف به آنها [بعنوان يك ایماندار] " ۱ یوحنا ۱-۸:۹ " .

۲- شهادت درونی سومین شهادت یا گواه احساسات خود ماست.

این ضعیف ترین شهادت است زیرا که ذهنی و باطنی است و شاید شخص خودش را بفریسد. باز هم در مقایسه با دو گونه دیگر، شاهد مهمی است.

در ذیلاً بازتابهای ذهنی از حقیقت زندگی روحانی [الهی] ریشه گرفته است.

الف - شهادت روح با روحهای ما " رومیان ۱۶:۸ " .

ب - عدم بیداری گناه به عنوان دینی پرداخت نشده " عبرانیان ۲:۱۰ " .

ج - زمانیکه گناه می کنیم پریشان می شویم " مزامیر ۲:۲۲-۵ " .

د - روش زندگی ما دگرگون شده است [به بازتاب و تغییر مسیر زندگی مراجعه کنید] ،

ما در حقیقت جواب دعای خود را در واقعیت بچشم می بینیم ، ما نگران گمشدگان

هستیم ، ما مشتاق کلام خدا هستیم ، و چیزهایی نظیر آن .

مسیحیان دو دل در برابر اساتید نجات نیافته

گرچه شك و تردید اساس ایمان را بطور جدی به مخاطره می‌اندازد و حتی خود عامل گناه است و بیشتر مسیحیان با چنین دو دلی‌هایی در تجربیاتشان در زمانهای مختلف بستوه آمده‌اند. شاید رهنمونهای ذیل برای آن دسته از کسانی که نجاتشان را زیر سؤال قرار میدهند ، کمک موثری در تحکیم و اثبات آن باشد.

اساتید نجات نیافته	مسیحیان دو دل
<p>۱- گرایش به بی توجهی ، حتی باجسارت هم هستند.</p>	<p>۱- نگران رابطه خودشان با خدا هستند [آنها در سؤالهای خود مدفون شده‌اند]</p>
<p>۲- ایمانشان را در ظاهر که مخالف زندگی روزمره‌شان است قویاً تصدیق می‌کنند. در هر گونه پرنسشی در این زمینه مقاوم و بی‌میل‌اند.</p>	<p>۲- اغلب نگرانی متداوم در مورد نجاتشان را نشان میدهند.</p>
<p>۳- اغلب ایمانداران را مورد انتقاد قرار داده و کلیسا ایشان را برای چیزهای مختلفی با زبانی ناگوار مورد سرزنش قرار می‌دهند.</p>	<p>۳- اگر چه آنها اغلب احساس بی‌ارزشی می‌نمایند و در آرزویند که خود را یکی از مسیحیان بدانند</p>
<p>۴- در هیچ زمانی اعتراف به نیاز گرچه بمقیاس کم جلوه کند آنرا نشان نمی‌دهند.</p>	<p>۴- اغلب در زمانهای تنگی زندگیشان نجات خود را زیر شلاق سؤالات قرار میدهند. چه [جسمانی ، و روحانی و روانی]</p>

رفتار با دو دلها

۱- تشخیص دو دلها.

شاید شما به نتایجی شبیه نتایج مشروحه زیر رسیده باشید :

زمانیکه مسیح را پذیرفتم، هیچ اتفاقی در من رخ نداد. دگرگونی احساس نکردم. نمیدانستم به راه درستی ایمان آورده‌ام یاخیر. من شهادت روح را نداشتم. من اعتراف می‌کنم که در گناه غیر قابل بخششی گرفتار شده‌ام. و نشانی از مسیحی بودنم در زندگی من دیده نمی‌شد. و نصیب من يك زندگي رقت‌انگيز توأم با شده است.

۲- خود آزمایی

سوالهای ذیل شاید کمکی باشد تا هرکس جایگاه روحانی و حقیقی خود را دقیقاً پیدا کند. آیا هرگز در طول زندگی خودتان به گناه محکوم شده‌اید؟

چه زمانی و تحت چه شرایطی مسیح را یافتید؟

ایماندار حقیقی گناه را محکوم دانسته و از آن بازگشت می‌نماید (توبه می‌کند) و اساس امید نجاتش را روحاً تنها به عملکرد عیسای مسیح و واکنش وی بر روی صلیب جُلجُتا است. عموماً، می‌توانید زمانی را بیاد آورید که با عیسای مسیح به عنوان خداوند و نجات دهنده، بدون قید و شرط پیمان سرسپردگی بسته‌اید. اگر از زمان آن بی‌اطلاع هستید، حداقل می‌دانید که سر سپرده‌اید.

۲- ارزیابی دعای خود

با دعا در قلبتان عیسای مسیح را به عنوان خداوند و نجات دهنده خود پذیرفتید اما وقتی در آن شك داشته باشید. دعاهای بعدی و تکراری [از همان قماش] نمی‌توانند مؤثر واقع شوند. مگرآنکه تکیه (اطاعت) محض از کلام خدا را جایگزین تسلیم خود به احساسات [همیشه متغیر] ترجیح دهید.

ارزش ارزیابی خود

عیسای مسیح در خصوص نجات ابدی به خود فریبان اخطار می‌کنند. بسیاری ادعا می‌کنند که او را شناخته‌اند و خدمات بسیاری بخاطر وی انجام داده‌اند، با اینحال آنها در ظلمت خارجی افکنده می‌شوند زیرا ایمانداران حقیقی نبودند " متی ۲۱:۷-۲۳؛ لوقا ۱۳:۲۲-۲۸". بنابراین اگر شکی داریم، باید خود را بیازماییم که آیا در ایمان هستیم " ۲ قرتیان ۵:۱۲ ". با استفاده از [۲- بازتاب و تغییر مسیر در زندگی روزمره] که در بالا آورده شد. اگر هنوز هم در دل خود شک‌هایی وجود دارد، می‌توانید آنها را به عیسای مسیح که خداوند و نجات دهنده توست واگذار کنید.

سوالات درس دوازدهم

اطمینان نجات

بهترین نکته دیگر برای شناخت خدا داشتن اطمینان نجات است که ما برای همیشه جزء متعلقین او هستیم .

چطور می‌توانیم با اطمینان بدانیم که زندگی ابدی داریم؟
با دقت پرسشهای ذیل را بررسی کنید:

- ۱- کدامیک از عبارات زیر تصور کتاب مقدسی بهتری از اطمینان نجات را منعکس می‌کند؟
 - الف - فکر می‌کنم زندگی ابدی را دارم.
 - ب - امیدوارم که زندگی ابدی را داشته باشم.
 - ج - می‌دانم زندگی ابدی را دارم.
 - د - پس از مرگ متوجه خواهم شد که آیا حیات ابدی را دارا هستم یا خیر.

۲ - درست یا اشتباه بودن جوابهای زیر را علامت گذاری کنید.

- الف - غیر ممکن است که کسی با اطمینان بداند که حیات ابدی دارد. (درست یا اشتباه)
- ب - امکان دارد که اطمینان نجات بر اساس دلایل اشتباه باشد. (درست یا اشتباه)
- ج - برخی باوجود اینکه اعتراف ایمان را دارند، محروم خواهند شد. (درست یا اشتباه)
- د - اطمینان نجات تنها یک خوش بینی ، احتمال و تخیل است. (درست یا اشتباه)

۳ - تفسیر کنید (طبق آنچه از آیه یوحنا ۱۰:۵-۱۲ آموخته‌اید آنها به رشته تحریر در آورید).

۴ - آیه‌های ذیل انسان را توانایی می‌بخشد تا بداند که زندگی ابدی دارد، دلالت آنها بر چیست؟

۱ یوحنا ۲:۲

۱ یوحنا ۱۴:۲

۱ یوحنا ۱۹:۲

۱ یوحنا ۲۴:۲

۱ یوحنا ۱۲:۴

۵ - کدامیک از پاسخهای ذیل بهترین شاهد واقعی رابطه ما با خداست؟
 آنها به ترتیب اهمیت (الویت) بنویسید.

الف : شهادت دوستان ()

ب : کلام خدا ()

ج : (۲- بازتاب و تغییر مسیر در زندگی روزمره) ()

د : شهادت درونی ()

۶- از متی ۲۱:۷-۲۲، چرا اهمیت اطمینان نجات ما، به پایه و اساسی مطمئن احتیاج دارد؟

۷- کدامیک از [بازتابها و تغییرات مسیر در زندگی روزمره] که آمده است در زندگی شما دیده می شود؟

۸- آیا قبل از یافتن مسیح به عنوان خداوند و نجات دهنده ، هیچ شکی نسبت به زندگی ابدی خود داشتید؟ با آنها چگونه برخورد میکردید؟

۹- شما چه فکر می کنید؟

اگر کسی از شما بپرسد، چگونه با اطمینان می دانید که زندگی ابدی دارید، چه پاسخی خواهید داد؟

۱۰- نظر دیگران چیست؟

این هفته حداقل با سه نفر این سؤاها را در میان بگذارید. شاید بخواهید چیزی شبیه مطالب ذیل بگویید:

*** من در اسم شهر) در بررسی مطالب کتاب مقدس همکاری دارم .

آیا شما می‌توانید با در میان گذاشتن نظریات خود در مورد سه سؤال مهم به من کمک کنید؟

۱- آیا فکر می‌کنید برای کسی ممکن است تا با اطمینان بداند که زندگی ابدی دارد؟

۲- فکر می‌کنید منظور یوحنا ی رسول از نوشتن " این چیزها را به شما نوشتم تا بدانید، تا شما بدانید که زندگی ابدی دارید " چه بود " ۱ یوحنا ۱۲:۵ "؟

۳- آیا هرگز در تجربه روحانی شخصی خودتان بجایی رسیده‌اید که با اطمینان بدانید زندگی ابدی دارید؟

از کمک شما بسیار سپاسگزارم .

آیا مایل هستید يك نسخه از نتایج بررسی را برای شما ارسال نمایم؟

با کمال تشکر***

هماهنگ کننده گروه، اسامی و آدرسها را روی کارت یادداشت کند. اگر جوابها برنتایج بررسی مطلوب دلالت دارد، در پشت صفحات مرقوم بشود. سپس کارتها را در جلسه بعدی کلاس بین آنها پخش کند. هماهنگ کننده ، نتایج بررسی را جدول بندی کند و به هر فردی که علاقه نشان داده است ارسال نماید.

درس سیزدهم

زندگی در حیات تازه

"من آمدم تا ایشان حیات یابند و آنرا زیادت‌تر حاصل کنند" " یوحنا ۱۰:۱۰ "

کسی که به من ایمان آورد چنانکه کلام خدا می‌فرماید از بطن او نهرهای آب زنده جاری خواهد شد " یوحنا ۷:۲۸ "

زیرا آنچه از خدا مولود شده است بر دنیا غلبه می‌یابد " ۱ یوحنا ۵:۴۵ "

این ادعاهای مرتعش‌کننده، برای زندگی کسی است که به خداوند عیسای مسیح ایمان دارد، و تعیین‌کننده روش زندگیش کتاب مقدس (عهد جدید) است، معیاری که در نوع خود بی‌همتا و سرراست‌ترین خطسیر زندگی یک مسیحی را نشان می‌دهد. آشتی، آرامش و قدرت روحانی در میان پیروان عیسای مسیح نجات‌دهنده تجربه‌ای مقرر می‌باشد و هیچکس مستثنی نمی‌باشد، اما عملکرد آن معیار تجربه شخصی در زندگی است. خداوند نه تنها تقصیر و گناه را عفو می‌فرماید و اطمینان نجات می‌بخشد، بلکه زندگی جدیدی را هم هدیه می‌دهد، که در آن روح عیسای مسیح فعالانه کار میکند تا راه ما را دگرگون ساخته و افکار ما را بازسازی نماید. می‌توانیم چنین زندگی را داشته باشیم، اگر به آنچه کتاب مقدس درباره چگونه زیستن می‌فرماید. می‌بایست توجه داشته باشیم، برکت و قدرت روحانی برای ایمانداران بطور خودکار نبوده، بلکه آنها شدیداً در قید شرایط هستند.

سخنانی برای نو ایمان

ما لزوم اطمینان نجات داشتن را برشمرديم ، که توسط عيسای مسيح خداوندمان حيات ابدی را داريم . حانز اهميت است ، که اميدمان را توسط او بر وعده های روشن کلام خدا استوار کنیم . همچنين مهم است به عنوان شاهد واقعی ، زندگی دگرگون شده ای در ما شکوفا شده تا ادعای ما آشکار شود که خداوند عيسای مسيح را ميشناسيم .

کلماتی چند برای تشويق (پند و اندرز)

۱- اعتراف به عيسای مسيح به عنوان خداوندتان در برابر ديگران

" رومیان ۱۰:۹-۱۰ ؛ لوقا ۸:۱۲ "

ایمانداری مخفی یا ساکت نباشید.

۲- از عادات و معاشرت مضر و بی ثمر بپرهیزید

" مزمور ۱ ؛ ۲ قرتیان ۱۴:۶-۱۸ "

زمانیکه می کوشید به دیگران کمک کنید اجازه ندهید شما را از لحاظ روحانی پایین کشیده و آسیب برسانند.

۳- مددکار و یاورى ا که در ایمان هم بالغ است ا برای خود

" جامعه ۱۰:۹:۴ "

جستجو کنید

و بدین ترتیب شما در زندگی روحانی خود پیشرفت شایانی خواهید کرد .

سرچشمه زندگی روحانی

زندگی پیروزمندانه مسیحی تنها برای مبشرین (واعظین) و شاگردان بخصوص نیست. بلکه این اراده مسیح ، برای همه مردمش می باشد " ۲:۲ قرتیان ۱۴:۲ ؛ افسسیان ۱۳:۲ ".
بررسیهای ذیل راه پیروزی هر روزه را نشان می دهند.

۱- هر روزه مطیع عیسای مسیح به عنوان خداوند باشید

" کولسیان ۶:۲ ؛ ۲:۴ قرتیان ۵:۸ ". او نمی تواند کسی را برکت بدهد که از خم شدن در برابر رافت و محبت وی امتناع می ورزد. ما دیگر متعلق به خود نیستیم بلکه از آن او هستیم
" ۱:۱ قرتیان ۱۹:۶-۲۰ "

۲- هر روزه گوش بزننگ صدای روح القدس باشید که به شما چه

میگوید " رومیان ۱۳:۶-۱۹ ؛ ۱۴:۸ ".

ما نباید به هیچ وجه او را که در ما مسکن گزیده و ما را تدهین کرده محزون سازیم ، خاموش کنیم و یا با او مخالفت بورزیم " زومیان ۹:۸ ؛ ۱:۱ یوحنا ۲۷:۲ ". می باید پیوسته از روح القدس پر شویم و مراتب از او هدایت شویم " افسسیان ۱۸:۵ ". ایماندار پر از روح همیشه گامهای بالارزشی در خداوند بر می دارد " کولسیان ۱:۱۰۱ ".

۳- فرورفتن در عیسای مسیح را از غرق شدن در خود را ترجیح

دهید " عبرانیان ۲:۱۲-۲۰ ".

باید ذهنهای خود را به سوی او متمرکز کنیم " کولسیان ۲:۲ " ، در زندگی درونی ما باید مسیح محور و نه خود محوری باشد. انکار خود بخش لازمی از تغیر (جابجایی) انسانیت کهنه و پوسیده ماست.

۴- اطاعت از کلام خدا "یوحنا ۱۴:۱۵، ۲۱:۱۵، ۱۰:۱۵، ۱: یوحنا ۲۴:۳".

اطاعت از خدا برتر از همه قربانیهاست " ۱ سمونیل ۲۲:۱۵".

چطور می‌توانیم عیسای مسیح را ارباب (خداوند) زندگی خود بنامیم (پیرو او شده) و از گفته‌هایش پیروی نکنیم " لوقا ۴:۶ " ؟ آزادی روح چنان عمل نمی‌کند که ما را راضی نماید بلکه چنان عمل می‌کند که او خوشنود باشد. افزایش نور در زندگی آدمی از اطاعت کلام خدا پدیدار میشود " عبرانیان ۱۴:۵ ". ما می‌باید اراده خدا را عمل کنیم . یوحنا ۱۷:۷ " ما می‌توانیم انتظار داشته باشیم در این قسمت از ثمره اطاعتمان آزموده (تجربه) شویم " پیدایش ۱:۲۲-۱۸ ". هرگز نباید اطاعت را با شریعت پیشه‌گی (رستگاری از راه نیکوکاری) یکی دانست. شریعت باری اضافه برای انسان ، و بیش از توقع خدا ، در راه نجات ما توسط فیض است . چه در رابطه با نجات و یا تجربه زندگی مسیحایی.

۵- در هر احتیاجی به خدا ایمان بیاورید و بوی اعتماد کنید

" عبرانیان ۸:۱۱ ؛ یوحنا ۱:۱۴ "

قدم ما باید با ایمان باشد " ۲ قرتیان ۵:۷ ". ایمان به يك معنی هدیه‌ای از خداست ولی عبارتی دیگر مسئولیت اخلاقی انسان می‌باشد. به همین دلیل عیسای مسیح برخی از شاگردانش را برای بی‌ایمانیشان توبیخ کرد " متی ۲۶:۸ ؛ لوقا ۲۵:۲۴ ".

۶- دیگران را بخاطر عیسای مسیح خدمت کنید " غلاطیان ۵:۱۳ ؛

۲ قرتیان ۵:۴ ؛ کولسیان ۲۴:۲-۲۴ ". هر که سیراب میکند خود نیز سیراب خواهد گشت " امثال ۲۵:۱۱ ". هیچ ایمانداری نتوانسته تنها با جذب برکات خدا ، و سهم نکردن دیگران در آنها، رشد کند. این چنین ایمانداری را به دریای مرده میتوان تشبیح کرد. از این جهت مرده ، چون همیشه پذیرای برکات بوده ، ولی از جاری شدن آن برای دیگران جلوگیری بعمل آمده است.

۷- زندگی خود را نظم و ترتیب ببخشید " قرنتیان ۹: ۲۷ ". یکی از ثمرات روح تسلط بر خود یا اعتدال است " غلاطیان ۲۲: ۵ ؛ ۲ پطرس ۱: ۶ ". ایماندار به کسی گفته می شود که اعمال جسم را بکشد (می گذارد تا بمیرند) " رومیان ۸: ۱۲ ؛ کولسیان ۲: ۵ ". خدا با ما بدین ترتیب کار میکند " عبرانیان ۱۲: ۶-۷ ". لازمست هر روزه در حضور خدا آماده باشیم " رومیان ۱۲: ۱-۲ ". باید با شریر مقاومت کنید " یعقوب ۴: ۷ " ، در برابر آزمایشها بردبار باشیم و بر آنها پیروز بشویم " یعقوب ۱: ۱۲ " ، برای کارهای نیکو غیور باشیم " تیتس ۲: ۱۴ " و یکدیگر را محبت کنیم " یوحنا ۱۳: ۲۴ ". زمانیکه اشتباهی کردیم باید اعتراف کنیم و گناه را ترك کنیم " امثال سلیمان ۱۲: ۲۸ ".

پیشگیری از شکست و ناکامی

آیا ایمانداران همیشه می لغزند و یا درمانده اند؟ البته لغزش می خورند و درمانده هم میشوند. داود ، پطرس و دیگر مردان بزرگ خدا را ملاحظه کنید. حائز اهمیت آنست که در صدد بازگشت مجدد بسوی خدا باشیم. تا او مجبور به تنبیه ما نشود " عبرانیان ۱۲: ۵-۹ ".

درمان الهی بشرح زیر میباشد:

۱- انجام مسؤلیت های شما

الف - اعتراف و ترك همه اندیشه ها یا کارهایی که می دانید خارج از اراده خداست

" امثال سلیمان ۱۲: ۲۸ ؛ ۱ یوحنا ۹: ۱ "

ب - همه مشکلات و گره هایی که در رابطه با دیگران ، در صورت امکان حل کنید

" متی ۲۳: ۵-۲۴ ؛ رومیان ۱۲: ۱۸ "

ج - با گذشت باشید " متی ۱۴: ۶-۱۵ ، ۱۸: ۲۵ " ، بردبار باشید " کولسیان ۳: ۱۲ " تا آنجا

که امکان دارد خطایای دیگران را با محبت ببوشانید " ۱ پطرس ۴: ۸ ؛ ۱ قرنتیان ۱۳: ۴-۷ " .

د- از داشتن مشارکت کامل با خدا در کلام ، دعا و با دیگر ایمانداران ، در جماعت هرگز غافل نشوید.

۲- به پیروزی مسیح تکیه کنید. بیاد داشته باشید که خداوند عیسای مسیح ، اصلی را برای رهایی زندگی ما ، از زیر سلطه گناه ، پیروزمندانه به اتمام رسانیده است . در نتیجه خود را [توسط فیض] از دام گناهان تکراری و اعترافات مکرر رها کنید.

الف - او طبیعت و قدرت گناه را در هم شکست " رومیان ۶:۶ " و گناه را در جسم محکوم ساخت " رومیان ۲:۸ " . ما که زمانی برده گناه بودیم " رومیان ۶:۲۰ " . الحال آزاد شده ایم. این بدان معنی نیست که این طبیعت گناه آلود زودده یا ریشه کن شده است " غلاطیان ۱۷-۱۶:۵ ؛ رومیان ۲۲:۷ ؛ متی ۴۱:۲۶ " . ولی او اقتدار و نظام تسلط گناه را در هم شکست.

ب - دیگر لزومی ندارد که ایمانداران از شیطان بترسند. او بر روی صلیب شکست داده شده است " یوحنا ۳۱:۱۲ ؛ ۱۱:۱۶ " ، و اقتدارش بر روی ایمانداران در هم شکسته است " کولسیان ۱۵:۲ ؛ عبرانیان ۱۴:۲ " . ولی به ما گفتند با او مقاومت کنیم " ۱ پطرس ۵:۸-۹ ؛ یعقوب ۷:۴ " ، و نباید به او مجال دهیم " افسسیان ۲۷:۴ " .

ج - دشمن دیگر مسیحیان ایماندار دنیا که شامل بی وجدانیها ، سیستمهای شیطانی و خطسیرهای تعیین شده علیه خدا می باشد. " ۱ یوحنا ۱۵:۲-۱۶ " . اختلافی بین ساکنین این دنیا که خدا را محبت می نمایند، و دنیای نفسانی که ترتیب دهنده نظامهای ضد خداست . ناگفته نماند که این سازمانبندها توسط خداوندمان عیسای مسیح محکوم شده است " یوحنا ۲۱:۱۲ ؛ ۱ قرنتیان ۲۲:۱۱ " . او برای ما دعا می کند تا از آن [دنیای نفسانی] محفوظ بمانیم " یوحنا ۱۵:۱۷ " . ما بر آن پیروز شده ایم " ۱ یوحنا ۴:۴ ؛ ۴:۵ " .

روش ادامه حیات روحانی

هر ایمانداری باید روزانه به خدا وقت بدهد. زندگی ما به مشارکت درونی با شخص عیسی مسیح دارد، تمرینهای ویژه یک ایماندار [که شرح آن ذیلاً آمده است] بیانگر تغییر ماهیت اوست که چقدر برکت (فیض) از خدا دریافت کرده است ؟

۱- هنگام رازگهان

کوشهای شاگردان حساس شد تا صدای خدا را بشنوند " اشعیاء ۴:۵۰ " . بخش اول هر روز ، باید با دادن وقت به او ، آغاز شود " مرقس ۲۵:۱ " . شب هنگام و یا دیگر قسمتهای روز ، شاید برای مطالعه کتاب مقدس و دعا کردن در نظر گرفته شده باشد ، ولی تجربه بسیاری از مقدسین کتاب مقدس ، همچنین نمونه و خداوند ما عیسی مسیح ، لزوم آغاز روز با خدا را تصدیق و تأیید می کنند. این زمان معین و مقرر برای تعمق و رابطه مستقیم با خدا بصورت بستن یک عهد و پیمان میباشد.

۲- دعا

نجات دهنده و خداوند ما عیسی مسیح می فرماید " انسان باید همیشه دعا کند " " لوقا ۱:۱۸ " . او غیر از دعا کردن ، در خلال زندگی چند ساله اش بر روی زمین ، به خود این اجازه را نمی داد که دعا نکند، ما هم بهتر است بعنوان پیرو او به خود این اجازه را ندهیم. این تنها خط ارتباطی بین ما و خدا میباشد. اگر دریافت نمی کنیم ، علت آنست که دعا نمی کنیم " متی ۷:۷ " . از این جهت آغاز هر روز مهم است که بدنهای مان را برای اهداف خداوند بوی بسپاریم و در طول روز راهنمایی او را بخواهیم.

۳- مطالعه کلام خدا .

کتاب مقدس از جانب خدا داده شد تا غذایی برای روحهای ما باشد" عبرانیان ۱۴:۲۰:۵ ؛
 مزامیر داوود ۱۰:۱۹ " . ما باید کلام خدا را بخوریم " ارمیا ۱۶:۱۵ " . بچه چیز مرد جوان
 نوایمان راه خود را پاک می سازد؟ " به نگاه داشتنش موافق کلام تو " مزامیر ۱۱۹:۹ .

روشهای مطالعه کلام خدا از دیدگاههای مختلف :

الف : صبحگاهان وقت مناسبی بجهت مطالعه عمیق قسمت کوتاهی از کتاب مقدس ،

ب : مطالعه مداوم یا مرتب تمام کتاب مقدس ،

ج : مطالعه مخصوص برای دریافت نکات ظریف و مهم .

قابل توجه است که ما کتاب مقدس را برای خودمان بخوانیم و زندگی شخصی خود را با
 حقیقت کلام زینت دهیم . همچنین آیات کلام خدا را در حافظه خود جا دهید که باعث احیاء ،
 تشویق و دلگرمی است " مزامیر ۱۱۹:۱۱ " .

۴- شهادت

خدا به ما قدرت داده است تا در این دنیا شاهد عیسای مسیح باشیم " اعمال ۸:۱ " . روش
 طبیعی شهادت زندگی ما اینستکه به اطرافیانمان مژده نجاتی را که یافته ایم ، به عنوان تنها راه
 زندگی ابدی برسائیم . با تسلط بر ترس انسان ، قادر خواهیم بود درباره عیسای مسیح در
 برابر کسانی که در اطراف ما هستند صحبت کنیم ، که گم شده اند و روانه تاریکی ابدی هستند
 و در آنجا دیگر از نجات عیسای مسیح خبری نیست .

قوانین کلیسا

خداوند عیسی‌ای مسیح برای کلیسایش (جماعتش) محبت بینهایت دارد، باتمامی کمبودهای دنیوی « افسسیان ۲۵:۵ ». تشکیل کلیسای او از مردمی است که به قیمت خون گرانبهایش باز خرید شده‌اند. او از ایشان می‌خواهد که در مکانهایی گوناگون گرد هم آیند تا یکدیگر را تشویق کنند، خداوند را بپرستند، کلام او را موعظه کرده و فرمان او را اطاعت کنند. کتاب مقدس از ایمان‌داری یاد نمی‌کند که از کلیسای محلی روگردان و در رابطه‌اش با خدا بی‌علاقه است. در کتاب اعمال رسولان ۴۲-۴۱:۲ موضوع مهم و قابل مطالعه‌ای در رابطه با مسنولیتها و فعالیت‌های کلیسای طبیعی به رشته تحریر در آمده است.

۱- تعمید.

این اعتراف ایمان در ملامت از سوی نوایمانان به خداوند عیسی‌ای مسیح است « اعمال ۲۶:۸-۲۷ ».

۲- تعلیم رسولان.

هم اکنون عیسی‌ای مسیح و شاگردان (رسولان) او، و هر آنچه انبیاء پیش از آنها (در عهدعتیق) تعلیم داده‌اند، به نگارش در آمده و این مجموعه نفیس کتاب مقدس نامیده شده است، که همه آن کلام خدا نیز میباشد.

موعظه و تعلیم کلام خدا کمک به پیوستن ایمانداران به یکدیگر، یکی از اهداف پیش‌بینی شده خدا برای رشد روحانی است، او ترتیب آموزش منظمی را فراهم می‌آورد تا کتاب مقدس بطور شایسته و مرتب یادگرفته شود و انسانرا به خواندن کتاب مقدس در خلوت تشویق می‌کند.

۳- مشارکت.

به ایمانداران پند داده شده که از شرکت در گردهمایی با سایر ایمانداران غفلت نورزند
 « عبرانیان ۲۵:۱۰ ». همینطور گفته شده ، آن کسانی که این معاشرتها را ترك می کنند از
 ما نیستند « ۱ یوحنا ۱۹:۲ ». فرد عزلت گزین یا تکرّو نمیتواند تجربه درخشانی در زندگی
 مسیحایی خود داشته باشد . به یاد داشته باشید که ایمانداران اولیه چطور به یکدیگر
 وابستگی داشتند « اعمال ۲:۴۴-۴۷ ». این روش را بیشتر رساله های عهد جدید تعلیم میدهند،
 که لازم به توجه است .

۴- شکستن نان.

در شبی که بوی خیانت ورزیده شد، آخرین مراسم شام عید پَسَخ که با نان و شراب ، توسط
 خداوند به جهت یادگاری برای تمامی اعصار مقرر گردید « لوقا ۲۲:۱۹-۲۰ ». انجام این مراسم
 در نزد ایمانداران اولیه نیز مشاهده گردید « اعمال ۷:۲۰ ؛ ۱ قرتیان ۱۱:۲۳-۲۴ » .

۵- دعا.

همانطور که دعاهای شخصی جایز اهمیت بوده ، همچنان دعا با سایر ایمانداران نیز از اهمیت
 ویژه ای برخوردار است « اعمال ۱:۱۴ ». مشارکت در دعای دسته جمعی وعده با ارزشی نیز
 همراه دارد « متی ۱۸:۱۹ ». آنها گام که ایمانداران با یکدیگر در یکدلی دعا می کنند،
 رویدادهای جیرت انگیزی نیز بوقوع می پیوندد .

ممکن است عیسای مسیح به عنوان خداوند و نجات دهنده در قلب خود پذیرفته اید . اگر
 اینچنین است ، سرآغازی نیکوست . اکنون باید خود را به او بسپارید تا او بتواند روز بروز
 در شما زندگی کند « غلاطیان ۲:۲۰ ». بدینگونه او در شما و بوسیله شما پیروز خواهد بود .

سوالات درس سیزدهم

تجربه زندگی تازه

یافتن " تولد تازه" تنها سرفصلی در زندگی جدید يك ایماندار است . در عوض مسنولیتها و امتیازات گوناگونی بخود خود بوجود میاید. این مهم است که تصورات مشروحه ذیل بخوبی قابل درك بوده باشد.

۱- عیسای مسیح آمد تا به ایماندار ببخشد. (یکی از پاسخها را انتخاب کنید)

الف - زندگی ابدی

ب - زندگی سرشار در این دنیا

ج - پیروزی بر دنیا و آزمایش هایش

د- تمام جوابهای فوق

۲ - زمانیکه کسی ایماندار به مسیح میشود، مهم است که او (سه جواب را انتخاب کنید)

الف - شخصیتش دگرگون شود.

ب - در هر جمعی عیسای مسیح را به دیگران اعتراف کند.

ج - از معاشرتها و عادات مضر بازداشته شود.

د- در جستجوی مددکار رشد کرده‌ای از مسیحیان باشد.

۲- (تفسیر) آنچه از ۱ قرتیان ۶:۱۹-۲۰ آموخته‌اید بقلم خود به رشته تحریر در آورید.

این قسمت برای شما چه تأثیری داشته است؟

۴- در آیات ذیل روشهای رسیدن به يك زندگی پیروزمندانه مسیحایی را بیابید:

یوحنا ۲۱:۱۴

رومیان ۲-۱:۱۲

۲ قرتیان ۵:۴

افسیسان ۱۸:۵

کولسیان ۲:۲

عبرانیان ۶:۱۱

۵- درست یا اشتباه بودن جوابهای زیر را علامت گذاری کنید.

الف - بعد از مسیحی شدن امکان گناه کردن هست. (درست یا اشتباه)

ب - باید گناه کنیم. (درست یا اشتباه)

ج - هیچ تفاوتی ندارد که گناه کنیم یا نکنیم چون یکبار نجات یافتیم، همیشه نجات داریم.

(درست یا اشتباه)

د - پس از اینکه نجات یافتیم دیگر نباید گناه مان را اعتراف کنیم زیرا خدا تمام گناهان

گذشته، حال و آینده ما را بخشیده است. (درست یا اشتباه)

۶ - سهم خدا و سهم انسان در بخشیدن گناه و بازگرداندن بسوی حیات ابدی در

مسیحیت چیست " ۱ یوحنا ۹:۱ " ؟

۷- چه اعمالی در آیات ذیل را نشان می دهد که چه نوع از خودگذشتگی ، مشارکت قلبی ما

را با خدا عمیق میسازد؟

مرقس ۱:۲۵

مزمیر ۱۱۹:۹-۱۱

اعمال ۱:۸

۸- ایمانداران کلیسای اولیه در کدام پنج چیز فعالانه مشغول بودند. « اعمال ۲: ۴۱-۴۲ » ؟

کدامیک از آنها قسمت واقعی از زندگی مسیحی شما شده است؟

۹- نظر شما چیست؟

چه حادثی در زندگی شما اتفاق افتاد که پیروی عیسی مسیح را پذیرفتید؟

از زمانیکه تولد تازه یافتید چشم‌گیرترین تغییر زندگی شما چه بود؟

۱۰- نظر دیگران چیست؟

این سؤالات را حداقل با سه نفر در این هفته در میان بگذارید. شاید بخواهید چیزی شبیه مطالب ذیل بگویید.

*** من در (اسم شهر) در بررسی مطالب کتاب مقدس همکاری دارم .

آیا شما می‌توانید با در میان گذاشتن نظریات خود در مورد سه سؤال مهم به من کمک کنید؟

۱- به نظر شما، کدامیک برای يك مسیحی مهمتر است :

الف: به آسمان (بهشت) رفتن ؟

ب : در اینجا (بر روی زمین) يك زندگی پر ثمر داشتن ؟

۲- چه روشی را برای زندگی يك مسیحی واقعی پیشنهاد می‌کنید؟

۳- آیا احساس می‌کنید برای يك مسیحی مهم است که در يك کلیسای محلی فعال باشد؟

به چه دلیل مهم است ؟

به چه دلیل مهم نیست ؟

از کمک شما بسیار سپاسگزاریم.***

همانگ کننده گروه، اسامی و آدرسها را روی کارت یادداشت کند. اگر جوابها بر نتایج بررسی مطلوب دلالت دارد، در پشت صفحات مرقوم بشود، سپس کارتها را در جلسه بعدی کلاس بین آنها پخش کنید. همانگ کننده، نتایج بررسی را جدول بندی کند و به هر فردی که علاقه نشان داده است، ارسال نماید.